

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقدنامه روان‌شناسی

بررسی و تحلیل بخشی از آثار و مآخذ درسی رشته روانشناسی
دانشگاهها

به کوشش

دکتر غلامعلی افروز و دکتر علی اکبر ارجمندنیا

فهرست مطالب

| | |
|---------|--|
| 5..... | فهرست مطالب |
| 9..... | مقدمه گردآورندگان |
| 11..... | الف . گزارش کلی و نقد یک سطری |
| 13..... | جدول یک. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی اجتماعی |
| 14..... | جدول 2. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه مشاوره |
| 14..... | (اصول، فنون و نظریه‌ها) |
| 15..... | جدول 3. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی عمومی |
| 15..... | جدول 4. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه بهداشت روانی |
| 17..... | جدول 6. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی شخصیت |
| 18..... | جدول 7. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه رشد کودکی و نوجوانی |
| 19..... | جدول 8. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی تربیتی |
| 20..... | جدول 9. سایر کتاب‌های ارزیابی شده |
| 20..... | جدول 10. کتاب‌هایی که داوری آنها در گروه روان‌شناسی نهایی شده، به تفکیک موضوع و نتیجه ارزیابی تا مهرماه سال 1385 |
| 23..... | ب . مقاله‌های نقد کوتاه |
| 25..... | اختلال‌های زبان، روش‌های تشخیص و بازپروری |
| 26..... | روان‌شناسی پرورشی |
| 27..... | ناتوانی‌های یادگیری |
| 28..... | نظریه‌های مربوط به شخصیت |

- 29..... روان‌شناسی رشد 1 و 2، با نگرش به منابع اسلامی
- 30..... روان‌شناسی سلامت، جلد 1 و 2.....
- 31..... فنون و روش‌های مشاوره.....
- 32..... نظریه‌های مشاوره.....
- 33..... مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی.....
- 34..... مصاحبه‌های بالینی با کودکان و نوجوانان.....
- 35..... روان‌شناسی تربیتی.....
- 36..... روان‌شناسی اجتماعی.....
- 37..... فنون خانواده درمانی.....
- 38..... روان‌شناسی رشد، 1 و 2.....
- 39..... تاریخ روان‌شناسی نوین، ج 1 و 2.....
- 40..... هوش هیجانی.....
- 41..... شیوه‌های درمانگری اضطراب و تنیدگی.....
- 42..... روان‌شناسی رشد، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی.....
- 43..... روان‌شناسی اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی.....
- 44..... روان‌شناسی نوجوانان.....
- 45..... راهنمای عملی در مشاوره با کودکان.....
- 46..... خانواده‌درمانی؛ تاریخچه، نظریه و کاربرد.....
- 47..... نظریه‌های روان‌درمانی.....
- 48..... روان‌شناسی سال سوم دبیرستان.....
- 49..... روان‌شناسی رشد کودکی.....
- 50..... اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی.....
- 51..... ناسازگاری، مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان.....
- 52..... روان‌سنجی.....
- 53..... روان‌شناسی عمومی، ج 1 و 2.....
- 55..... اصول روان‌شناسی بالینی بزرگسالان جلد اول.....
- 56..... بهداشت روانی.....
- 57..... روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربرد.....
- 59..... خانواده و خانواده‌درمانی.....
- 60..... مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی.....
- 61..... اختلال‌های رفتاری کودکان.....

7 فهرست مطالب

| | |
|-----|---|
| 63 | روان‌شناسی ژنتیک، جلد 1 |
| 65 | روان‌شناسی ژنتیک، جلد 2 |
| 67 | روان‌شناسی رشد (1) |
| 69 | روان‌شناسی اجتماعی |
| 70 | روان‌شناسی رشد (نوجوانی و جوانی) |
| 72 | روان‌شناسی رشد، با نگرش به منابع اسلامی (1 و 2) |
| 74 | روان‌شناسی عمومی، ج 1 و 2 |
| 76 | ج. گزارشی از پیش‌همایش دوم گروه روان‌شناسی |
| 78 | پیش‌همایش دوم گروه روان‌شناسی و تبیین اهداف کنگره ملی علوم انسانی |
| 80 | راهکارهایی برای پویایی، تولید و تألیف متون جدید و تربیت و تأمین نیروی انسانی در قلمرو روان‌شناسی و مشاوره |
| 80 | سخنرانی دکتر افروز |
| 86 | بایسته‌های رشد آموزش روان‌شناسی اجتماعی در ایران معاصر |
| 86 | سخنرانی دکتر علی‌محمد کاردان |
| 86 | در دومین همایش گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی |
| 87 | روان‌شناسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی |
| 89 | تأثیر روان‌شناسی در ایران در گرو همسازی آموزش با نیازهای اجتماعی |
| 92 | تأثیر علوم روان‌شناختی بر روان‌شناسی معاصر |
| 92 | دکتر کمال خرازی |
| 100 | روان‌شناسی و رسانه در ایران |
| 100 | دکتر رضا پورحسین |
| 104 | ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی سازی روان‌شناسی در کشور جمهوری اسلامی ایران |
| 104 | دکتر باقرغباری بناب |
| | رسالت سازمان نظام روان‌شناسی و رسالت جامعه روان‌شناسی ایران در خصوص توسعه و بررسی |
| 112 | متون تخصصی دروس روان‌شناسی |
| 112 | دکتر ناصر صبحی قرا ملکی |

مقدمه گردآوردگان

گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با عضویت هشت نفر از استادان متخصص و متعهد و با همکاری بسیاری از استادان مجرب و متعهد دانشگاه‌های کشور در این رشته، ارزیابی علمی و محققانه کتاب‌های موجود روان‌شناسی را به عهده دارد. بدیهی است گروه روان‌شناسی به لحاظ حساسیت موضوع، همواره نهایت دقت را داشته، امیدوار است با مطالعه دقیق و ارزیابی موشکافانه، بتواند پیشنهادهایی منطقی و معقول برای تکمیل و اصلاحات احتمالی و اساسی عرضه کند و نتیجه را برای بازنگری مؤلفان و مترجمان محترم کتاب‌های مورد نظر، در اختیار آنها قرار دهد.

در این باره، گروه روان‌شناسی تاکنون هشتاد جلسه را به بررسی متون اختصاص داده و در این فاصله، حدود یکصد و بیست کتاب رایج در حوزه روان‌شناسی را بررسی کرده است. از این میان، 43 عنوان چرخه داوری خود را به اتمام رسانده و نهایی شده است و حدود سی کتاب نیز یک یا دو بار داوری شده است.

گروه روان‌شناسی با هدف جلب همکاری داوران و استادان حوزه روان‌شناسی و ترویج فرهنگ نقد متون و تشریح وضعیت موجود کتاب‌های درسی حوزه روان‌شناسی، در اسفند 1381 با حضور قریب به شصت تن از استادان و داوران این حوزه، نشستی را در مشهد مقدس برگزار کرد و در مهرماه 1383 نیز با هدف تألیف متون جدید و همکاری با دانشگاه‌های مشهد نشست دوم خود را برگزار نمود. گروه روان‌شناسی امیدوار است، با گذشت حدود ده سال از شروع کار، بتواند

پس از شناسایی خألهای موجود در رشته روان‌شناسی، با همکاری استادان و محققان، متونی جدید را تألیف یا ترجمه نماید.

بررسی کتاب در گروه روان‌شناسی به عهده اعضای گروه و داوران ذی‌صلاح خارج از گروه است. نتایجی را که داوران اعلام می‌دارند اعضای گروه بازبینی می‌کنند. پس از آنکه با تصمیم گروه، کتابی بررسی و بازبینی شد، گروه نظر نهایی خود را درباره کتاب اعلام می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید نتیجه تلاش ده ساله حدود هفتاد تن از استادان روان‌شناسی و مشاوره کشور است که در قالب 43 مقاله نقد کوتاه در خصوص 43 کتاب رایج و پرتیراژ حوزه روان‌شناسی و مشاوره جمع‌آوری شده است. قبل از عرضه مقالات نقد کوتاه، نقد یک سطر، منابع گنجانده شده است. در مقالات نقد کوتاه سعی شده است تا ابعاد شکلی، محتوایی، علمی، فنی و ویرایشی کتاب از منظر دانشجو بررسی و پیشنهادهای اصلاحی، در پایان هر مقاله گنجانده شود. در پایان، گزارشی از دومین پیش‌همایش گروه روان‌شناسی، که به‌منظور تبیین اهداف کنگره ملی علوم انسانی در تاریخ 10 و 11 آبان ماه 1385 برگزار شد، عرضه می‌گردد. در این پیش‌همایش، سخنرانی‌های متعددی انجام شد که مشروح آنها را می‌توانید در این مجموعه ببینید. امید است خوانندگان محترم، این مجموعه را نیز نقد و بررسی کنند و طراحان این برنامه ارزشمند را که در حال حاضر همچون نهالی در حال رشد است، یاری نمایند.

الف . گزارش کلی و نقد یک سطری

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|--|---|---------|---|
| 1. روان‌شناسی اجتماعی نظریه‌ها، مفاهیم و کاربرد | دکتر یوسف کریمی | 1371 | معرفی به‌عنوان منبع اصلی با اصلاحات |
| 2. روان‌شناسی اجتماعی | استوتزل / دکتر علی محمد کارلان | 1374 | معرفی به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای |
| 3. روان‌شناسی اجتماعی | استفن فران زوی / ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان | 1381 | معرفی به‌عنوان منبع درسی و نیازمند به تجدید نظر اساسی |
| 4. روان‌شناسی اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی | جمعی از مؤلفان / مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت | 1382 | معرفی به‌عنوان منبع درسی پس از تجدید نظر فنی، فرهنگی، علمی و ادبی |

جدول یک. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی اجتماعی

جدول یک نشان می‌دهد که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی چهار کتاب ارزیابی شده است که از این تعداد، سه عنوان برای استفاده به‌عنوان منبع درسی مناسب است و یک عنوان دیگر به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای معرفی شده است. نکته جالب توجه درباره سه کتاب اول این است که هر سه به بازنگری اساسی علمی، ادبی و فنی نیاز دارد.

نظرسنجی‌ای^۱ که از 22 دانشگاه به عمل آمد، نشان داد که در دوازده دانشگاه، کتاب *روان‌شناسی اجتماعی* تألیف دکتر یوسف کریمی به‌عنوان منبع اصلی استفاده می‌شود. کتاب‌های

۱. در سال گذشته، دبیرخانه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، به‌منظور بررسی وضعیت کتاب‌های مورد استفاده در دانشگاه‌ها اقدام به طراحی و ارسال فرمی برای استادان دانشگاه‌ها نمود که در این گزارش، به برخی از نتایج این طرح پرداخته می‌شود.

دیگری که در رده‌های بعدی قرار داشتند، عبارت بودند از: روان‌شناسی/اجتماعی از ژان استوتزل، ترجمه دکتر علی محمد کاردان؛ روان‌شناسی/اجتماعی از الیوت ارونسون، ترجمه دکتر حسین شکرکن؛ روان‌شناسی/اجتماعی از اتو کلاین برگ، ترجمه دکتر علی محمد کاردان. نتایج ارزیابی این کتاب‌ها را، علاوه بر جدول، در مقالاتی که در ادامه می‌آید می‌توان دید.

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|---|---|---------|---|
| 1. مشاوره و روان‌شناسی | دکتر محمود ساعتچی | 1374 | نیازمند به تجدید نظر اساسی |
| 2. خانواده و خانواده درمانی | مینوچین / باقر ثنایی | 1375 | قابل معرفی به‌عنوان منبع جانبی، در صورت تجدیدنظر |
| 3. مشاوره خانواده | ادی استریت / دکتر تیریزی و علوی | 1379 | قابل معرفی به‌عنوان منبع جانبی، با تجدیدنظر |
| 4. اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی | احمد صافی | 1380 | قابل معرفی به‌عنوان منبع کمکی درسی، پس از انجام اصلاحات |
| 5. نظریه‌های مشاوره | شیلینگ / آرین | 1374 | معرفی به‌عنوان منبع کمک درسی پس از انجام اصلاحات |
| 6. فنون و روش‌های مشاوره | عبدالله شفیق‌آبادی | 1376 | معرفی به‌عنوان منبع فرعی، پس از اصلاحات |
| 7. راهنمایی عملی در مشاوره با کودکان | گلدارد و گلدارد / مینو پرنیانی | 1382 | معرفی به‌عنوان منبع کمک درسی، پس از ویرایش |
| 8. خانواده درمانی | ساموئل گالدینگ / فرشاد بهاری و همکاران | 1382 | معرفی به‌عنوان منبع کمک درسی برای مقطع کارشناسی ارشد، پس از تجدیدنظر |
| 9. فنون خانواده درمانی | مینو چین و فیشرمن / فرشاد بهاری و فرح سیا | 1381 | معرفی به‌عنوان منبع کمک درسی برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، نیازمند تجدیدنظر |

جدول 2. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه مشاوره

(اصول، فنون و نظریه‌ها)

گزارش کلی و نقد یک سطری 15

جدول 2 نشان می‌دهد که در حوزه مشاوره (اصول، فنون و نظریه‌ها)، نه عنوان را گروه روان‌شناسی با کمک داوران متخصص در حوزه مشاوره و روان‌درمانی بررسی کرده است که تقریباً همه کتاب‌های ارزیابی شده به‌عنوان منبع جانبی و کمک‌درسی معرفی شده‌اند و همگی به تجدیدنظر اساسی نیاز دارند.

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|----------------------------------|--|---------|---|
| 1. روان‌شناسی عمومی (ج 1 و 2) | دکتر حمزه گنجی | 1371 | معرفی به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای |
| 2. زمینه روان‌شناسی (ج 1) | اتکسیون و همکاران / دکتر محمد نقی برهانی و همکاران | 1378 | معرفی به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای |
| 3. روان‌شناسی سلامت (ج 1 و 2) | دیماتو/کاوایانی و موسوی | 1378 | پیشنهاد تجدید نظر علمی و ویرایش ادبی و فنی |
| 4. روان‌شناسی دبیرستان | وزارت آموزش و پرورش | 1379 | معرفی به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای |

جدول 3. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی عمومی

در حوزه روان‌شناسی عمومی نیز، داده‌های مندرج در جدول 3 نشان می‌دهد که از چهار عنوان، سه عنوان قابلیت استفاده به‌عنوان منبع درسی را ندارند و فقط روان‌شناسی سلامت ج 1 و 2، با تجدیدنظر علمی، ویرایش ادبی و فنی قابل استفاده است.

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|--------------|-----------------|---------|---------------------------------|
| بهداشت روانی | دکتر سعید شاملو | 1360 | معرفی به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای |

جدول 4. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه بهداشت روانی

در جدول 4، فقط یک کتاب در حوزه بهداشت روانی ارزیابی شده است که آن هم نمی‌تواند برای تدریس مفید باشد، البته در حوزه بهداشت روانی منابع فراوانی وجود ندارد. در نظرخواهی‌ای که از دوازده استاد دانشگاه‌های کشور به عمل آمد، معلوم شد که کتاب بهداشت روانی تألیف دکتر سعید شاملو بیشترین میزان استفاده را در میان دانشگاه‌های بررسی شده داشته است (7 نفر از 12 نفر). نتایج ارزیابی این کتاب را می‌توانید در جدول بالا و در مقالات نقد مختصری، که در ادامه می‌آید، ببینید. دیگر کتاب استفاده شده، بهداشت روانی از دکتر بهروز میلانی‌فر است.

| کتاب | مؤلف/ مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|---|------------------------------|---------|---|
| 1. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی | دکتر غلامعلی افروز | 1384 | معرفی به‌عنوان منبع اصلی، با تکمیل برخی مباحث |
| 2. ناتوانی‌های یادگیری (مفاهیم و ویژگی‌ها) | والاس و لافلین / منشی طوسی | 1369 | معرفی به‌عنوان منبع اصلی (تا زمان چاپ کتاب بهتر)، پس از اصلاحات |
| 3. اختلال‌های رفتاری | ایزرائیل و نلسون / منشی طوسی | 1372 | معرفی به‌عنوان منبع کمکی، پس از انجام اصلاحات |
| 4. ناسازگاری، مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان | وارفا / دکتر سیمین حسینیان | 1377 | معرفی به‌عنوان منبع کمکی، پس از انجام اصلاحات |

جدول 5. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه کودکان استثنایی

همان‌طور که در جدول 5 دیده می‌شود، کتاب‌های فوق به حوزه‌های مختلف حیطه کودکان استثنایی مربوط است. نتایج نشان می‌دهد که دو عنوان، برای تدریس مفید تلقی شده و دو عنوان دیگر به‌عنوان منبع کمکی، پیشنهاد شده است.

کتابی که از نظر استادان دانشگاه، بیشترین استفاده را به‌عنوان منبع اصلی برای درس کودکان استثنایی داراست، کتاب *مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه تألیف هالاهان و کافمن* به ترجمه مجتبی جوادیان است (فرآیند داوری این کتاب در شورای بررسی متون به اتمام نرسیده است). بعد از این کتاب، *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی*، تألیف دکتر غلامعلی افروز از نظر میزان استفاده در رده دوم قرار دارد. نتایج ارزیابی این کتاب را می‌توانید در جدول بالا و همین‌طور در مقالاتی ببینید که در ادامه می‌آید.

گزارش کلی و نقد یک سطری 17

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|-----------------------------|--------------------------|---------|---------------------------------|
| 1. نظریه‌های شخصیت | شولتز و شولتز / سیدمحمدی | 1377 | تأیید با انجام اصلاحات |
| 2. نظریه‌های مربوط به شخصیت | دکتر علی اکبر سیاسی | 1377 | معرفی به عنوان منبع کتابخانه‌ای |

جدول 6. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی شخصیت

جدول 6 به ارزیابی دو کتاب در زمینه روان‌شناسی و نظریه‌های شخصیت می‌پردازد. از این دو، یکی به عنوان منبع کتابخانه‌ای و دیگری به شرط اصلاحات، به عنوان منبع درسی معرفی شده است.

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|--|--|---------|---|
| 1. روان‌شناسی رشد (1 و 2)، با تکرش به منابع اسلامی | دفتر همکاری حوزه و دانشگاه | 1375 | تأیید با انجام اصلاحات |
| 2. روان‌شناسی ژنتیک (ج 1) | دکتر محمود منصور | 1372 | پیشنهاد تجدیدنظر اساسی |
| 3. روان‌شناسی ژنتیک (ج 2) | دکتر محمود منصور و دکتر پریخ دادستان | 1371 | معرفی به عنوان منبع کمکی، با اصلاحات |
| 4. روان‌شناسی رشد کودکان | دکتر حسن احدی و دکتر شکوه السادات بنی جمالی | 1368 | پیشنهاد تجدید نظر اساسی و معرفی به عنوان منبع کمکی |
| 5. روان‌شناسی رشد (1) | دکتر سوسن سیف، دکتر پروین کدیور، دکتر نوری، دکتر لطف‌آبادی | 1374 | معرفی به عنوان منبع اصلی با انجام اصلاحات |
| 6. روان‌شناسی رشد (2) نوجوانی | دکتر حسن احدی و دکتر نیکچهره محسنی | 1377 | معرفی به عنوان منبع کتابخانه‌ای |
| 7. روان‌شناسی نوجوانان | دکتر اسماعیل بیابانگرد | 1382 | معرفی به عنوان منبع کتابخانه‌ای، نیازمند تجدید نظر اساسی علمی، فرهنگی و ویرایش ادبی |

| | | | |
|--|------|-------------------------------------|---|
| معرفی به‌عنوان کتاب درسی، پس از تجدید نظر و ویرایش فنی، ادبی و علمی | 1382 | لورا برک / یحیی سیدمحمدی | 8. روان‌شناسی رشد (ج 1 و 2) |
| معرفی به‌عنوان کتاب درسی، نیازمند تجدید نظر اساسی و حذف موارد تکراری | 1382 | دکتر حسن احدی و دکتر فرهاد جمهری | 9. روان‌شناسی رشد نوجوانی و بزرگسالی |

جدول 7. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه رشد کودکی و نوجوانی

داده‌های مندرج در جدول 7 نشان می‌دهد که در حیطه روان‌شناسی رشد کودکی و نوجوانی، نه عنوان ارزیابی شده است که از این تعداد، دو اثر به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای معرفی شده و هفت اثر دیگر به‌عنوان منابع درسی و کمک‌درسی با انجام اصلاحات پیشنهاد شده‌اند. نظرخواهی‌ای که شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به عمل آورد، نشان داد که کتاب‌هایی که بیشترین استفاده را در درس روان‌شناسی رشد 1 دارند به ترتیب عبارت‌اند از:

1. رشد و شخصیت کودک / ماسن / ترجمه مهشید یاسایی

2. روان‌شناسی رشد / جمعی از مؤلفان / انتشارات سمت

3. مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودکی / دکتر حسن احدی و دکتر بنی‌جمالی

4. روان‌شناسی رشد / دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد

5. روان‌شناسی رشد / پروین کدیور و رضا کرمی‌نوری / انتشارات سمت

6. روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان / دکتر محمد پارسا

کتاب‌هایی که بیشترین استفاده را در درس روان‌شناسی رشد 2 دارند به ترتیب عبارت‌اند از:

1. روان‌شناسی رشد نوجوانی / دکتر حسن احدی و دکتر نیک‌چهره محسنی (ده نفر از 22 نفر،

یعنی در حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان)

2. روان‌شناسی رشد 2 (نوجوانی و بلوغ) دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد

3. رشد و شخصیت کودک / ماسن / ترجمه مهشید یاسایی.

گزارش کلی و نقد یک سطری 19

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|----------------------|---------------------|---------|--|
| 1. روان‌شناسی پرورشی | دکتر علی اکبر سیف | 1374 | معرفی به‌عنوان منبع اصلی، پس از اصلاحات جزئی |
| 2. روان‌شناسی تربیتی | دکتر علی شریعتمداری | 1376 | معرفی به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای، نیازمند به تجدیدنظر اساسی و روز آمد شدن |

جدول 8. کتاب‌های ارزیابی شده در حیطه روان‌شناسی تربیتی

نتایج جدول 8 بیانگر نتایج ارزیابی از دو کتاب در حوزه روان‌شناسی تربیتی است که هر دو نیازمند به اصلاحات تشخیص داده شده‌اند.

نظرخواهی‌ای که از 45 استاد دانشگاه به عمل آمد نشان داد که 23 نفر از آنها از کتاب روان‌شناسی پرورشی تألیف دکتر علی اکبر سیف به‌عنوان منبع اصلی استفاده می‌کنند (یعنی حدود 50 درصد از استادان)، ده نفر از کتاب روان‌شناسی تربیتی دکتر علی شریعتمداری، نه نفر از آنها از کتاب روان‌شناسی تربیتی گیج و برلایندر ترجمه دکتر خوبی‌نژاد و همکاران، و سه نفر از کتاب روان‌شناسی تربیتی دکتر محمد پارسا استفاده می‌کنند.

| کتاب | مؤلف / مترجم | سال نشر | نتیجه ارزیابی |
|---|-------------------------------------|---------|--|
| 1. مصاحبه‌های بالینی با کودکان و نوجوانان | پارکر / دکتر خدایاری فرد و علوی | 1382 | پیشنهاد ویراستاری تخصصی، فنی و ادبی |
| 2. روان‌شناسی مرضی تحولی | دکتر پریخ دادستان | 1378 | معرفی به‌عنوان منبع اصلی، با تأکید بر ویرایش ادبی و فنی |
| 3. روان‌سنجی | دکتر حمزه گنجی و ثابت | 1380 | معرفی به‌عنوان منبع فرعی |
| 4. روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی | دکتر علی اکبر سیف | 1380 | معرفی به‌عنوان منبع اصلی، با اصلاحات |
| 5. اصول روان‌شناسی بالینی بزرگسالان | لیندزی و پاول / آوادیس یانس و نیکخو | 1377 | عدم معرفی برای مقطع کاردانی و کارشناسی، نیازمند به تجدید نظر اساسی و ارزشی |
| 6. شیوه‌های درمانگری اضطراب و تنیدگی | دکتر مسعودجان بزرگی و ناهید نوری | 1382 | معرفی به‌عنوان کمک‌درسی، نیازمند به تجدیدنظر |

| | | | |
|--|------|---|---|
| معرفی به عنوان کتاب مرجع، پس از تجدیدنظر | 1381 | پروجاسکا و نور کراس / یحیی سیدمحمدی | 7. نظریه‌های روان درمانی |
| معرفی به عنوان منبع درسی | 1379 | دکتر پریخ دادستان | 8. اختلال‌های زبان (روان‌شناسی مرضی تحولی، ج 3) |
| و معرفی به عنوان منبع کمک درسی، نیازمند به تجدیدنظر اساسی | 1375 | شولتز و شولتز/دکتر علی اکبر سیف و همکاران | 9. تاریخ روان‌شناسی نوین |
| معرفی به عنوان کتاب درسی، نیازمند به تجدیدنظر و روزآمد ساختن | 1381 | دکتر علی فتحی / آشتیانی | 10. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی |

جدول 9. سایر کتاب‌های ارزیابی شده

داده‌های مندرج در جدول 9، به نتایج ارزیابی ده اثر دیگر که در حوزه‌های مندرج در جدول‌های قبلی گنجانده نشدند، پرداخته است. این آثار به حیطه‌هایی همچون روان‌درمانی، تاریخ روان‌شناسی، روان‌شناسی مرضی و بالینی مربوط است که نتایج ارزیابی هریک در جدول بالا آمده است.

جدول 10. کتاب‌هایی که داوری آنها در گروه روان‌شناسی نهایی شده، به تفکیک موضوع و

نتیجه ارزیابی تا مهرماه سال 1385

| تعداد کتاب‌های معرفی شده به عنوان منبع کتابخانه‌ای | تعداد کتاب‌های تأیید شده با اصلاحات | تعداد کتاب‌های بررسی شده | موضوع |
|---|---|--------------------------------|--------------------------------|
| 1 | 1 | 2 | روان‌شناسی و نظریه‌های شخصیت |
| 1 | 1 | 2 | روان‌شناسی تربیتی |
| 2 | 7 | 9 | روان‌شناسی رشد کودکی و نوجوانی |
| 1 | 3 | 4 | روان‌شناسی اجتماعی |
| -- | 9 | 9 | مشاوره (اصول، فنون و نظریه‌ها) |
| 3 | 1 | 4 | روان‌شناسی عمومی |
| 1 | -- | 1 | بهداشت روانی |

گزارش کلی و نقد یک سطری 21

| | | | |
|-----|----|----|-----------------|
| --- | 4 | 4 | کودکان استثنایی |
| --- | 10 | 10 | سایر |
| 9 | 36 | 45 | جمع |

جدول 10 نشان می‌دهد که گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در ده سال گذشته، توانسته است 45 اثر را در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی ارزیابی کند. از این 45 اثر، 36 عنوان با انجام اصلاحات، به‌عنوان منبع درسی و کمک درسی قابل استفاده خواهد بود و نه اثر دیگر به‌عنوان منبع کتابخانه‌ای معرفی شده‌اند.

ب . مقاله‌های نقد کوتاه

اختلال‌های زبان، روش‌های تشخیص و بازپروری

* مؤلف: دکتر پریخ دادستان

* ناشر: سمت

* سال نشر: 1379

* نوبت چاپ: اول

کتاب *اختلال‌های زبان، روش‌های تشخیص و بازپروری (روان‌شناسی مرضی تحولی، جلد سوم)* از دکتر پریخ دادستان، با استناد به یافته‌های جدید سعی در عرضه دیدگاه‌های مختلف به صورت یکپارچه دارد و درباره راه‌های ترمیمی اختلالات زبان به‌خوبی بحث کرده است. در این کتاب قواعد ویرایشی رعایت شده است. حجم کتاب برای دو واحد درسی مناسب است، اگرچه فصول مختلف کتاب فاقد مقدمه، اهداف آموزشی، تمرین و سؤال برای آزمون و منابع مفید برای مطالعه است.

در این کتاب سعی شده است رویکردهای متعدد درمان اختلالات گفتاری بیان شود، ولی به بحث مهم خوددرمانگری در درمان لکنت‌زبان اشاره‌ای نشده است و در برخی از موارد، مؤلف محترم از کلمه «عقل» به جای «هوش و ذهن» استفاده کرده است؛ مثلاً در ص 187 و 197. همچنین معادل MA **سن ذهنی** است، در حالی که از **سن عقلی** استفاده شده است. در هر حال، این اثر پس از ویرایش ادبی و روان‌سازی مطالب، به‌عنوان مرجع درسی مناسب است.

روان‌شناسی پرورشی

* مؤلف: دکتر علی‌اکبر سیف

* ناشر: آگاه

* سال نشر: 1374

* نوبت چاپ: چهارم

این کتاب که در دانشگاه‌های مختلف طرفداران فراوان دارد، از نگارشی خوب و رسا و کیفیت چاپ مطلوب بهره برده است. متن دارای واژه‌نامه است و مؤلف سعی نموده واژه‌های کلیدی را با ترجمه انگلیسی شرح دهد. نکته دیگر در مورد این کتاب این است که به چاپ‌های مکرر رسیده و در هر چاپ، مؤلف تغییراتی در آن صورت داده است.

محتوای اثر برگرفته از کتاب‌های خارجی و یادداشت مؤلف است و اغلب مطالب بدون ارجاع ذکر شده است. جهت‌گیری اصلی کتاب، رفتارگرایی و اهداف عرضه‌شده در آن برای تعلیم و تربیت مبتنی بر مکتب رفتارگرایی است؛ گویی مکاتب فکری دیگر غایت پرورشی و تربیتی ندارند. از این جهت، این کتاب را می‌توان برای درس نظریه‌های یادگیری نیز پیشنهاد داد. وجود هدف‌های آموزشی در ابتدای هر فصل، تکالیف آموزشی خواننده را مشخص می‌کند، با این همه، طرح پرسش‌های آخر هر فصل نیز می‌توانست به‌عنوان تمرین و آزمون بر ویژگی‌های مثبت کتاب بیفزاید.

در هر حال، این کتاب در حوزه روان‌شناسی تربیتی و پرورشی از معدود کتاب‌هایی است که جامعیت نسبی دارد و توانسته جایگاهی مناسب در میان کتاب‌های درسی برای خود بیابد. پیشنهادهایی همچون به‌روز کردن منابع و ذکر آنها در متن، توجه به اهداف تعلیم و تربیت از نظر اسلام و انجام ویرایش فنی و ادبی بر غنای اثر می‌افزاید.

ناتوانی‌های یادگیری

* مؤلف: والاس و مک لافلین

* ترجمه: محمدتقی منشی طوسی

* ناشر: آستان قدس رضوی

* سال نشر: 1377

* نوبت چاپ: اول

کتاب ناتوانی‌های یادگیری، تألیف والاس و مک لافلین با ترجمه محمدتقی منشی طوسی و ویرایش دکتر حسین لطف‌آبادی، ترجمه‌ای روان و رسا دارد. این ویژگی می‌تواند ناشی از تجارب خوب مترجم و آشنایی کامل با زبان روان‌شناسی باشد. در این متن سعی شده است واژه‌هایی مناسب برای معادل‌ها انتخاب شود، ولی در برخی موارد نیاز به تجدیدنظر به چشم می‌خورد؛ برای نمونه، اصطلاح «برنامه آموزشی عمقی» برابر Individualized Educational Planning (IEP) آورده شده که درست آن «برنامه آموزشی انفرادی» است.

برای تفهیم مطالب در متن اصلی، از مطالعات موردی و مورد پژوهشی استفاده شده است. کتاب کیفیت چاپ خوبی دارد، اگرچه برخی غلط‌های تایپی نیز در آن به چشم می‌خورد. فهرست مطالب با آنچه در متن آمده است مطابقت دارد، اما بسیار مختصر است و کل محتوای کتاب را به اجمال پیش چشم خواننده قرار نمی‌دهد که بهتر است در چاپ‌های بعدی اصلاح شود. کتاب حاضر در زمینه ناتوانی‌های یادگیری، کتابی ارزشمند است و در حوزه‌های مختلف همچون تشخیص، سبب‌شناسی، درمان و... نکاتی ارزشمند را جمع‌آوری کرده است. با این همه، مطالب هر فصل جامعیت لازم را ندارد. برای نمونه در فصل سوم، «سبب‌شناسی» از لحاظ ساختاری و سازمان‌بندی مشکلاتی دارد؛ زیرا هر چند علل مختلف مطرح شده‌اند، درباره ریشه‌های نظری آنها بحث نشده است. در فصل چهارم، «شیوه‌های تشخیص ناتوانی‌های یادگیری»، روش‌های تشخیص به صورت منظم و نظام‌مند، تشریح نشده و فقط به ذکر مطالب کلی اکتفا شده است. همچنین تعریف تشخیص آموزشی بعد از طرح نمودارها و مورد پژوهی آمده است که بهتر بود، عکس این قضیه اتفاق می‌افتاد.

تأکید عمده کتاب بر الگوی ادراکی - حرکتی است و این مسئله باعث شده است که دیگر رویکردهای شناختی، فراشناختی و پردازش اطلاعات از قلم بیفتد.

در نهایت، این کتاب به لحاظ استفاده از منابع مرتبط با موضوع، مثبت ارزیابی می‌شود، اگرچه ضروری است مترجم محترم در چاپ‌های بعد، ویرایش ادبی و فنی را اعمال کند.

نظریه‌های مربوط به شخصیت

* مؤلف: دکتر علی‌اکبر سیاسی

* ناشر: دانشگاه تهران

* سال نشر: 1377

* نوبت چاپ: اول

متن کتاب *نظریه‌های مربوط به شخصیت* نگارش رسایی دارد. نویسنده با توجه به آشنایی با فلسفه و ادبیات فارسی، نه تنها در نگارش متن قواعد ادبی را رعایت کرده، بلکه در استنادات از منابع ادب فارسی نیز بهره جسته است. این متن، با توجه به زمان خود، به لحاظ به کارگیری اصطلاحات موفق بوده است.

اطلاعات موجود در این کتاب، روزآمد نیست و نظریه‌های عرضه شده جامعیت لازم را ندارند؛ زیرا دگرگونی‌های بعدی هر یک از نظریه‌ها در کتاب عنوان نشده است و برخی از نظریه‌های جدید نیز در کتاب موجود نیست.

نظریه‌هایی که مطرح شده‌اند، به خصوص نظریه‌های عمقی مثل نظریه فروید و یونگ، از دخالت نویسنده در امان نبوده‌اند. نویسنده در بسیاری از فرازها، به دیدگاه نظریه‌پرداز متعهد نمانده و آن را گونه‌ای که خود می‌اندیشد عرضه کرده، است از این رو، هم از نظریه دور مانده و هم ذهن خواننده را از مطلب اصلی منحرف کرده است.

ظاهراً کتاب در چاپ‌های بعد از چاپ اول، که به سال 1354 مربوط می‌شود، هیچ تغییری نداشته است. بنابراین، تغییرات جدید در آن لحاظ نشده که البته درگذشت مؤلف در این امر بی‌تأثیر نبوده است.

در حال حاضر، این کتاب منبعی مناسب برای دروسی همچون روان‌شناسی شخصیت یا نظریه‌های شخصیت نیست، اگرچه چاپ آن در دهه‌های پنجاه و شصت، برای دست‌اندرکاران حوزه روان‌شناسی مفید بوده است.

روان‌شناسی رشد 1 و 2، با نگرش به منابع اسلامی

* مؤلف: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

* ناشر: سمت

* سال نشر: 1375

* نوبت چاپ: اول

کتاب *روان‌شناسی رشد 1 و 2*، با نگرش به منابع اسلامی نگارشی نسبتاً ساده و روان دارد و مؤلفان محترم، صرف نظر از برخی جملات طولانی، کوشیده‌اند تا قواعد زبان فارسی را رعایت نمایند. در این کتاب، از اصطلاحات به کار رفته در کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای موجود بهره گرفته شده است. در جلد نخست، مطالب در هر فصل، انسجام و تسلسل منطقی خوبی دارد، اما مطالب مندرج در جلد دوم جامعیت لازم را ندارد و نمی‌تواند منبعی مناسب برای درس روان‌شناسی رشد 2 باشد.

به رغم کوششی که در انتخاب معادل‌های تخصصی صورت گرفته، در برخی موارد یک اصطلاح با واژه‌های مختلف، برابر گرفته شده است؛ برای نمونه، اصطلاح attachment در یکجا پیوستگی و در جایی دیگر دلبستگی ترجمه شده است. در برخی قسمت‌ها نیز واژه‌ها ترجمه نشده‌اند، و فقط کلمه انگلیسی به صورت فارسی نوشته شده است، مثل اتولوژیک برای ethologic. برای برخی اصطلاحات نیز معادل غلط انتخاب شده است، مثلاً برای واژه Mental کلماتی همچون روحانی و عقلانی آورده شده، حال آنکه کلمات روانی و ذهنی صحیح است.

در این کتاب، برای تفهیم مطالب از جدول، نمودار، تصویر، حاشیه و... استفاده شده است؛ ولی چنانچه تصاویر ارائه شده، بومی باشد بر کیفیت کار افزوده می‌شود، برای مثال می‌توان به ص ص 284، 291، 498، 1031 و 1047 اشاره کرد.

در استفاده مستقیم از منابع جدید و معتبر، باید گفت که این کتاب در کل از منابعی محدود سود جسته و از منابع خارجی به طور مستقیم کمتر بهره گرفته است. در بسیاری موارد نیز دقت لازم در ذکر منابع صورت نگرفته است، از جمله در ص ص 51، 52، 413، 1029 و... .

یکی از ویژگی‌های دیگر این کتاب، ذکر نقل‌قول‌هایی از منابع اسلامی است که البته بهتر بود با توضیحی جامع‌تر در خصوص نقل‌قول‌ها، به پرسش‌هایی که ممکن است مطرح شود، پاسخ داده می‌شد.

پرهیز از استفاده از منابع اسلامی به صورت یدکی و حاشیه‌ای، طراحی افق‌های جدید در حوزه روان‌شناسی رشد، حذف مطالب غیرضروری، استفاده از تصاویر روشن برگرفته از مراکز علمی، آموزشی و پرورشی بومی، یکدست نمودن معادل‌های فارسی، حذف قید «نگرش به منابع اسلامی» با توجه به تألیفی و نه تطبیقی بودن کتاب و ویرایش فنی، علمی و ادبی از پیشنهادهایی است که بر غنای اثر خواهد افزود.

روان‌شناسی سلامت، جلد 1 و 2

* مؤلف: رابین دیماتئو

* مترجم: سیدمهدی موسوی اصل و همکاران

* ناشر: سمت

* سال نشر: 1378

* نوبت چاپ: اول

کتاب *روان‌شناسی سلامت* ترجمه‌ای روان و رسا دارد و در آن، قواعد زبان فارسی رعایت شده است؛ اگرچه مواردی مانند صفحات 9-14 به بازنگری نیاز دارد. با فهرست مطالب محتوای متن همخوانی دارد و کیفیت چاپ و حروفچینی کتاب نسبتاً مطلوب است.

متن کتاب به لحاظ محتوایی براساس رویکرد روانی-زیستی-اجتماعی که رویکردی میان رشته‌ای است، تنظیم شده است. در انتخاب معادل‌های مناسب کوشش فراوانی شده است، ولی در برخی موارد با موفقیت همراه نبوده و گاه برای یک واژه، معادل‌های متفاوتی آمده است؛ مثلاً برای strategy، معادل‌های تدبیر (ص 166) و راهبرد (ص 168)، و برای Relapse معادل‌های عود (ص 137)، برگشت مجدد (ص 150)، بازگشت مجدد (ص 173)، عود مجدد (ص 173) و بازگشت دوباره (ص ص 173، 175، 183، 185) به کار رفته است. مواردی از این دست در متن فراوان وجود دارد.

درهم بینی‌های صفت و موصوف، مضاف و مضاف‌الیه و عدد و معدود (ص ص 14، 15، 434، 472 و...)، همچنین به کار بردن حروف و کلمات اضافی، ترکیب‌های مبهم و مخدوش مثل لازمه لاینفک (ص 139) و ناهمسانی در شیوه نوشتن درصدها (ص ص 204، 208، 694 و...)، همه نشان‌دهنده این مطلب است که متن به ویرایش جدی ادبی نیاز دارد.

در هر حال، کتاب انسجام و تسلسل منطقی خوبی دارد و از منابع کافی بهره برده است. در عین حال، شایسته است مترجمان هر فصل مشخص شود، موارد تألیفی غنی‌تر گردد و از تصاویر بهتری استفاده شود. البته این حوزه، به جهت نو بودن، به تألیفات دیگر نیز نیاز دارد.

فنون و روش‌های مشاوره

* مؤلف: عبدالله شفیع‌آبادی

* ناشر: ترمه با همکاری رز

* سال نشر: 1376

* نوبت چاپ: هشتم

کتاب فنون و روش‌های مشاوره متنی روان و رسا دارد، قواعد زبان فارسی را رعایت کرده و از اصطلاحات تخصصی مناسبی در متن استفاده شده است.

با این همه، اثر حاضر جامعیت لازم را ندارد و با تعداد واحدهای درسی منطبق نیست. منابع مورد استفاده قدیمی است و با وجود چاپ هشتم، هیچ بازنگری در آن صورت نگرفته و در نتیجه از یافته‌های جدید نیز، بی‌بهره است. در زمینه استفاده از ابزارهای علمی ضعیف است و مواردی همچون طرح بحث مقدماتی، جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، نمودار، جدول و... را نیز ندارد. در مجموع باید گفت که این کتاب هرچند به تجدید نظر فنی و علمی نیاز دارد، با این حال، می‌توان به‌عنوان منبع جانبی در دروس مرتبط، از آن استفاده کرد.

نظریه‌های مشاوره

* مؤلف: لوئیس شیلینگ

* مترجم: سیده خدیجه آرین

* ناشر: اطلاعات

* سال نشر: 1374

* نوبت چاپ: دوم

متن کتاب *نظریه‌های مشاوره* چندان روان و رسا نیست، زیرا در برخی قسمت‌ها ترجمه متن سنگین است و به ویرایش و بازنگری نیاز دارد. همچنین استفاده از معادل‌های غیررایج در این کتاب فراوان است؛ برای مثال در صفحه 204، معادل «تعیین مبنا» برای واژه انگلیسی *base line* به کار رفته و در جای دیگر (ص 281)، معادل «بنیانگذاری مبنا» آمده است.

کیفیت چاپ کتاب از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی خوب است، ولی طرح روی جلد پیامی ندارد که متناسب با عنوان کتاب باشد.

برخی از قسمت‌های کتاب نیازمند ویرایش است؛ مثلاً در ص 286 در تعریف رشد هیجانی، بعد از خط اول باید کما گذاشته شود تا جمله رساتر گردد. جمله‌هایی از این دست در کتاب فراوان وجود دارد.

ترتیب دیدگاه‌ها مناسب و منطقی است و برای تفهیم مطالب از مباحث مقدماتی، تعریف واژه‌ها، آموزش مشاوره و مورد پژوهشی استفاده شده است. در پایان کتاب هم نویسنده به مقایسه کلی دیدگاه‌ها پرداخته است. به طور کلی، نه نظریه مشاوره‌ای در این کتاب مطرح شده که در برخی از آنها، بخشی با عنوان «وضعیت کنونی این نظریه» آمده است که تفاوت نظریه‌های کنونی را با شکل اولیه آن مقایسه می‌کند و توضیح می‌دهد.

مترجم محترم از مقدمه (پیشگفتار مترجم) برای توضیح مطالب بهره جسته و در آن، دیدگاه مؤلف را به بحث گذاشته است و در زیرنویس نیز از توضیح اضافه پرهیز کرده است. بیان دیدگاه خود در باره این کتاب کاری جدید است که در هیچ‌یک از کتاب‌های مشابه دیده نمی‌شود. مطالب کتاب به سال 1984م مربوط می‌شود و ضروری است مترجم ویرایش جدید کتاب را در ترجمه خود لحاظ کند.

در مجموع، این کتاب می‌تواند پس از ویرایش‌های لازم، به‌ویژه در انتخاب معادل‌ها و بهره‌گیری از منابع جدیدتر، به‌عنوان یکی از منابع برای درس‌های مرتبط، استفاده شود.

مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی

* مؤلف: دکتر علی فتحی آشتیانی

* ناشر: بعثت

* سال نشر: 1381

* نوبت چاپ: اول

کتاب مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی متنی روان و رسا و ویرایشی مناسب دارد. حجم کتاب با دو واحد درسی متناسب است. اصطلاحات تخصصی به نحوی مناسب در آن به کار رفته و از تصویر و جدول نیز بهره گرفته شده است. محتوا با فهرست مطالب منطبق است.

با توجه به اینکه این کتاب در حوزه زبان فارسی و در حیطه روان‌شناسی سیاسی، تنها کتاب موجود است، اقدام مؤلف ارزشمند است. در این کتاب، تمرین، آزمون، آمار و نقشه وجود ندارد. منابع استفاده شده کافی نیست و به نظریه‌های غربی بسنده شده است و نظریه‌پردازی در آن دیده نمی‌شود. برخی از دیدگاه‌های مطرح شده همچون نظریه‌های فروم، جامعیت لازم را دارد. با این همه، متن در تحلیل وضعیت جامعه ایران کارآمد نیست؛ زیرا مثال‌های بیان شده از جامعه مدرن غربی است و در تحلیل مسائل ایران کارآیی ندارد.

پیشنهاد می‌شود در بازنگری فنی و ادبی، مطالب و جدول‌ها به‌روز گردند، به مبانی روان‌شناختی به معنای دقیق آن - به‌ویژه در تحلیل شخصیت رهبران سیاسی و انگیزه‌های سیاسی - توجه بیشتری شود، مباحث غیرضروری و کلیشه‌ای مثل ریخت‌ها در مباحث روان‌شناسی حذف شود، برای تحلیل روان‌شناختی مکتب‌های سیاسی و شخصیت رهبران سیاسی از منابع دست اول بیشتر استفاده شود و در بین فصول مختلف، پیوند ارگانیک و روان‌شناختی ایجاد گردد.

در هر حال، کتاب حاضر به‌عنوان طلبه این حوزه در زبان فارسی تلقی می‌شود و اصلاح کاستی‌های آن موجب ارتقای اثر خواهد شد.

مصاحبه‌های بالینی با کودکان و نوجوانان

* مؤلف: فیلیپ پارکر

* مترجم: دکتر محمد خدایاری فرد و دکتر سید کامران علوی

* ناشر: دانشگاه تهران

* سال نشر: 1378

* نوبت چاپ: دوم

کتاب *مصاحبه‌های بالینی با کودکان و نوجوانان* متنی روان و رسا دارد و از نظر حرف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و... مناسب است. بیان مثال‌های متعدد و کاربردی در متن برای متخصصان بالینی که با کودکان سروکار دارند مفید و سودمند است. اگر از جدول، تصویر، نمودار و دیگر ابزارهای علمی بیشتر استفاده شود، بر سودمندی آن خواهد افزود.

معادل‌هایی که برای اصطلاحات تخصصی در کتاب به کار رفته، نسبتاً مناسب است و مترجمان در این مورد، دقت لازم را مبذول داشته‌اند. با این همه، قواعد ویرایشی و نگارشی در برخی موارد رعایت نشده است؛ مثلاً در صفحه دو، بند ه، «مصاحبات» آمده است و نیز «تشکرات» در صفحه «تشکرات کتاب» به تجدیدنظر نیاز دارد.

نتایج ارزیابی بیانگر آن است که این کتاب در صورت ویرایش و تجدیدنظر ادبی و تخصصی، منبعی مفید است. شایسته است در موارد خاص، با توضیحات لازم در پانویس، ملاحظات فرهنگی تبیین شود و نمونه‌هایی از مصاحبه‌های عینی با نوجوانان در قسمت ضمیمه کتاب ذکر گردد تا برغنای آن افزوده شود.

روان‌شناسی تربیتی

* مؤلف: دکتر علی شریعتمداری

* ناشر: امیرکبیر

* سال نشر: 1376

* نوبت چاپ: دهم

این کتاب متنی روان و رسا دارد و پیچیدگی‌های یک متن درسی و دانشگاهی را ندارد. به عبارت دیگر، کتاب به گونه‌ای نگارش یافته که برای کلیه افراد اعم از روان‌شناس و غیر روان‌شناس قابل فهم و درک است. قواعد ویرایش تا حدود زیادی در آن رعایت شده است، اگرچه برخی از نکات جدید ویرایشی مثلاً در مورد جدانویسی در آن لحاظ نشده است.

در معادل یابی برای واژه‌ها کوشش فراوانی شده است، حال آنکه برخی از اصطلاحات ترجمه نمی‌شوند؛ مثلاً برای Fixation، متوقف ساختن رشد روانی انتخاب شده است که اغلب همان معادل انگلیسی به کار می‌رود.

این کتاب زمانی که برای نخستین بار تألیف شد، متنی با ارزش قلمداد می‌شد. در آن زمان، روان‌شناسی نه‌تنها در ایران، بلکه در سطوح بین‌المللی بسیار فقیر بود. از این نظر، این کتاب اثر با ارزشی است، ولی اکنون بسیاری از اطلاعات آن به‌روز نیست. عنوان کتاب نیز روان‌شناسی تربیتی است، در حالی که کتاب بیشتر به روان‌شناسی عمومی پرداخته است و کاربرد چندانی برای درس روان‌شناسی تربیتی در حال حاضر ندارد. شیوه نگارش در کل کتاب به گونه‌ای است که از منابع مورد استفاده ذکری به میان نیامده است.

در مجموع، این اثر با وجود آن که نسبتاً متقدم است و چندین مرتبه نیز به چاپ رسیده، اصول کلی روان‌شناسی عمومی را با گرایش روان‌شناسی تربیتی بحث کرده است. از این رو، شایسته است که مؤلف ارجمند با عنایت به مباحث نوین روان‌شناسی تربیتی در زمان حاضر و نیاز دانشجویان به مباحث تازه و یافته‌های نوین، کتاب را تجدیدنظر اساسی کند و اطلاعات آن را روزآمد سازد.

روان‌شناسی اجتماعی

* مؤلف: استفن فرانزوی

* مترجم: مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان

* ناشر: رسا

* سال نشر: 1381

* نوبت چاپ: اول

روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان، در سال 1381 برای اولین بار چاپ شده است. کتاب ترجمه نسبتاً خوبی دارد و در آن، از جدول و نمودار استفاده و پایگاه‌های اینترنتی و نیز مجلات مربوط به موضوع، معرفی شده است.

نظر به اینکه کتاب به صورت گزینشی ترجمه شده است، برخی از فصول جامع و مناسب عرضه نشده‌اند. همچنین بحث‌های مهم روان‌شناسی اجتماعی، از جمله رهبری و مدیریت، به صورت بسیار خلاصه و موجز مطرح شده است.

صرف نظر از ترجمه خوب کتاب، در مواردی معادل‌ها به تجدیدنظر نیاز دارد؛ مثلاً برای واژه self-discrepancies در ص 58، «خود - فاصله‌ها» آمده و برای واژه embarrassment در ص 78، «خجالت» آورده شده است. علاوه بر این، برخی از واژه‌های انتخابی، برای فرهنگ ایرانی ملموس نیستند، مثل «وسایل صحنه» (ص 75)، «استراتژی نمونه»، «جلوه دادن خود» (ص 76) و «تبلیغ شخصی» (ص 76).

مورد دیگری که در ترجمه این کتاب چندان به آن توجه نشده، ذکر توضیحات مکمل در زیرنویس صفحات است. با توجه به اینکه کتاب مزبور متناسب با فرهنگ غربی تهیه شده، ضروری است که مترجمان محترم توضیحات فرهنگی را در زیرنویس بیاورند. در هر حال، این کتاب پس از ویرایش مجدد تخصصی، فنی، ادبی و فرهنگی به‌عنوان کتاب کمک‌درسی برای درس روان‌شناسی اجتماعی قابل استفاده است.

فنون خانواده درمانی

* مؤلف: مینوچین و فیشرمن

* مترجم: فرشاد بهاری و فرح سیا

* ناشر: رشد

* سال نشر: 1381

* نوبت چاپ: اول

کتاب *فنون خانواده‌درمانی* متنی نسبتاً روان و رسا دارد و از نظر رعایت قواعد ویرایش و نگارش در سطحی مطلوب است؛ اگرچه در برخی موارد همچون ص 17 سطر 2، ص 87 بند 3، ص 244 بند 4 به ویرایش نیاز دارد. طرح روی جلد نمادی از خانواده را براساس رویکرد ساختی نشان می‌دهد. این کتاب هرچند جدول، نمودار، تصویر و... ندارد، مثال‌های بسیاری از موردهای خانواده درمانی دارد که برای دانشجویان علاقه‌مند به مکتب ساختی، قابل فهم و مفید خواهد بود.

اصل این کتاب چاپ 1996م است که نسبتاً به‌روز است. در این کتاب، رویکرد ساختی به‌تفصیل بیان شده و اصول اساسی درمان خانواده با مثال مطرح شده است.

در طراحی فصول کتاب مؤلف تلاش کرده است انسجام منطقی آنها را حفظ کند تا خواننده به بهترین شکل، موضوع را دریابد. مترجمان نیز در این راستا کوشیده‌اند تا با توضیحات مناسب و مکمل، در قالب پاورقی، به فهم بهتر موضوع کمک کنند. پاورقی‌های ص 17، 18، 19، 49، 55 و... شاهدهی بر این مدعاست.

تأکید عمده این کتاب بر یک مکتب خاص درمانی است. از این رو، نمی‌توان کتاب را به‌عنوان منبع درسی، دست کم برای مقطع کارشناسی، پیشنهاد داد؛ ولی جامعیت اطلاعات در خصوص همان یک مکتب، فایده‌رسانی آن را برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی فزونی می‌بخشد. مترجمان در زمینه انتخاب معادل‌های مناسب تلاش فراوانی نموده‌اند، با این همه، در پاره‌ای موارد نیاز به بازنگری وجود دارد؛ برای نمونه، واژه «اضداد» برای paradoxes، «نایک نواختی» برای Disparity و... از این دست می‌باشد.

در هر حال، این کتاب پس از ویرایش ادبی، فنی و علمی و پرهیز از ترجمه تحت‌اللفظی، منبعی مفید برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی خواهد بود و در دروسی همچون مشاوره خانواده و خانواده‌درمانی به‌عنوان منبع فرعی قابل استفاده است.

روان‌شناسی رشد، 1 و 2

* مؤلف: لورا برک

* مترجم: یحیی سیدمحمدی

* ناشر: ارسباران

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: دوم

کتاب *روان‌شناسی رشد 1 و 2* متنی روان و رسا دارد و قواعد ویرایشی و نگارشی در آن رعایت شده است. از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی مناسب است. برای تفهیم مطالب از ابزارهای علمی در آن استفاده شده است. با وجود تلاش فراوان در ترجمه دقیق اصطلاحات، در برخی موارد زحمت مترجم با توفیق قرین نبوده است؛ برای مثال، کاربرد معادل «خستگی مفرط» برای Burnout، یا «مدل» برای Model، «معلولیت» برای Disability و «عقل» برای Mental جای تأمل دارد. عنوان انگلیسی کتاب با عنوان فارسی آن متفاوت است؛ عنوان اصلی کتاب عبارت از *Developmental Through The Life Span* به معنی «تحول (رشد) در گسترهٔ حیات» است، که در فارسی «روان‌شناسی رشد» برگردانده شده است. از این جهت، بسیاری از مطالب کتاب با موضوع «رشد در گسترهٔ حیات» مرتبط است و با روان‌شناسی رشد تناسبی ندارد.

در بارهٔ روزآمدی اطلاعات موجود در کتاب که بیشتر متوجه مؤلف است تا مترجم، باید گفت که در برخی موارد از منابع قدیمی استفاده شده؛ برای مثال، در خصوص میانگین بلوغ جنسی دختران از منبع مربوط به سال 1990م استفاده شده است.

پرداختن کتاب به مواردی که اغلب در تعارض با ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه است از دیگر نکاتی است که جای تأمل دارد. پرداختن به فعالیت جنسی نوجوانان تازه‌بالغ (ص 22، ج 2)، آمیزش جنسی (ص 24، 28، 30، 35، 83) و شریک جنسی، حق مردن و حق خودکشی (ص 411) از این دست می‌باشد و ذکر جملهٔ زیر در صفحه 23، نیز خود دلیلی دیگر بر این مدعاست: «در مقایسه با نسل گذشته، افراد بیشتری اعتقاد دارند که آمیزش جنسی قبل از ازدواج، تا وقتی که دو نفر تعهد عاطفی به یکدیگر داشته باشند، اشکال ندارد».

در نهایت می‌توان گفت که این اثر پس از ویرایش تخصصی، فنی و ادبی، همچنین بهره‌گیری از معادل‌های تخصصی مناسب برای برخی از اصطلاحات علمی، ارائهٔ توضیحات لازم در زیرنویس صفحات برای موارد خاص فرهنگی به‌ویژه در فصل نوجوانی، و حذف مواردی که با فرهنگ و ارزش‌های دینی و اسلامی در تعارض است، به‌عنوان یکی از کتاب‌های درسی قابل استفاده است.

تاریخ روان‌شناسی نوین، ج 1 و 2

* مؤلف: دوان شولتز و سیدنی شولتز

* مترجم: علی‌اکبر سیف و همکاران

* ناشر: رشد

* سال نشر: 1378

* نوبت چاپ: سوم

کتاب *تاریخ روان‌شناسی نوین* متنی روان و رسا دارد، قواعد زبان فارسی در آن رعایت شده است و چاپ مطلوبی نیز دارد. با این همه، چندگانگی ترجمه به علت تعدد مترجمان، در آن مشهود است. ارزیابی این کتاب بدون توجه به علاقه و تخصص مؤلفان کتاب، امکان‌پذیر نیست. تجربه مؤلفان این کتاب بیشتر در زمینه نظریه‌هاست، لذا در بسیاری از فرازها نتوانسته‌اند به بررسی تحول تاریخی روان‌شناسی مقید بمانند و پیوسته به شرح نظریه‌ها سوق پیدا کرده‌اند. مؤلفان، خود در جایی از کتاب نیز تأکید کرده‌اند که به ریشه‌های فلسفی تاریخ روان‌شناسی در این اثر، توجه نشده است.

در کتاب تلاش شده است تا روان‌شناسی علمی امریکایی معرفی شود. این مطلب چنانچه به لحاظ آماری درست باشد، از نظر تاریخی درست نیست؛ چرا که زیربنای عمده روان‌شناسی در اروپا شکل گرفته و امریکا تنها به گسترش آن کمک کرده است.

در مجموع، متن جامعیت خوبی دارد و مطالب فراوانی در آن گرد آمده است، لیکن استفاده از آن برای دو واحد درسی با دشواری همراه است. اگر این کتاب به صورت خلاصه تنظیم گردد و موارد غیرضروری آن حذف شود، برای درس تاریخچه مکاتب روان‌شناسی مفید خواهد بود.

در نهایت، این کتاب پس از ویرایش تخصصی، فنی و حذف برخی از نظریه‌هایی که با اصول دینی تعارض دارند و همچنین ارائه پاسخ‌های استوار در زیرنویس صفحات و با حروف مناسب، قابل استفاده است.

هوش هیجانی

* مؤلف: دانیل گلن

* مترجم: نسرین پارسا

* ناشر: رشد

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: دوم

کتاب هوش هیجانی ترجمه‌ای روان و رسا دارد و تا حدود قابل‌قبولی قواعد ویرایشی و نگارشی در آن رعایت شده است. استفاده از زیرنویس و آوردن مثال برای شروع مباحث از نکات مثبت دیگر این کتاب است، لیکن نبود فهرست منابع در انتهای کتاب از مواردی است که از کیفیت کار کاسته است.

درانتخاب معادل‌های مناسب دقتی فراوان صورت گرفته و ترجمه متن به طور کامل انجام شده است. از این جهت می‌توان امانتداری مترجم را ستود، در عین حال که می‌توانست در زیرنویس به نقد برخی از مباحث پردازد. به هر حال، دانیل گلن از نظریه‌پردازان پیشرو در زمینه هوش هیجانی است و طبعاً ترجمه کتاب او ضروری است، ولی در حوزه دروس دانشگاهی، این کتاب مستقیماً به درس خاصی نمی‌پردازد و فقط می‌توان از آن به‌عنوان منبع جانبی سود جست. از ویژگی‌های دیگر این کتاب می‌توان به شیوه متفاوت ارجاعات، ترجمه رمان مانند کتاب، عدم استفاده از منابع کلاسیک، ذکر فهرست منابع در زیرنویس، تأکید زیاد بر مصاحبه‌ها، نقل‌قول‌ها و سخنرانی‌ها (صص 206 و 207)، وجود نگرش روزنامه‌نگاری در متن اصلی و... اشاره کرد.

به طور کلی، مباحث مربوط به هوش هیجانی قدمت چندانی ندارد؛ و از این رو، لازم است قبل از توصیه کتابی خاص در ارتباط با این موضوع، یافته‌های علمی کافی در دست داشت. با توجه به اینکه برخی از مباحث کتاب از پشتوانه علمی دقیقی برخوردار نیست، این کتاب را برای درسی خاص با سرفصل‌های مشخص نمی‌توان معرفی نمود. با این همه، از این کتاب می‌توان به‌عنوان منبع فرعی در دروس مرتبط، مثل روان‌شناسی هوش، استفاده کرد.

شیوه‌های درمانگری اضطراب و تنیدگی

* مؤلف: مسعودجان بزرگی و ناهید نوری

* ناشر: سمت

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: اول

این کتاب متنی روان، رسا و از نظر رعایت قواعد نگارشی، وضعیتی مناسب دارد. با این همه، چون مطالب از منابع مختلف گردآوری و ترجمه شده است در بعضی موارد به تجدیدنظر نیاز دارد. مؤلفان محترم تلاش کرده‌اند از اصطلاحات تخصصی به گونه‌ای خاص استفاده کنند، اما در مواردی این اصطلاحات چندان روان، گیرا و متداول نیست، از آن جمله است: «خودیاری‌گری» به جای «خودیاری» در ص 236، «روی آورد» به جای «رویکرد» در ص 36 و «فعل پذیر» به جای «انفعالی» یا «منفعلا نه»، در صفحه 54.

این اثر، گذشته از اینکه عمدتاً ترجمه، جمع‌آوری، تلفیق و تألیف است؛ اساساً عنایت چندانی به کاربرد روش‌های درمانی مورد بحث در سال‌های اخیر نکرده و اغلب مباحث کلی را مطرح کرده است.

در برخی موارد، انتخاب معادل‌ها دقیق نیست؛ برای مثال، برای کلمهٔ statements، معادل «جملات» انتخاب شده، در حالی که معنای آن «اظهارات» است. برخی از واژه‌ها نیز به‌درستی توضیح داده نشده؛ و مثلاً در ص 206، REBT بدون توضیح آمده است.

در مجموع، این کتاب به لحاظ کاربردی، کتابی مناسب و حاوی اطلاعاتی در خور توجه است در صورت ویرایش ادبی، فنی و اصلاح برخی نارسایی‌ها در واژه‌های تخصصی به‌عنوان کتاب کمک‌درسی قابل استفاده است. تغییر طرح روی جلد نیز بر مطلوبیت آن می‌افزاید.

روان‌شناسی رشد، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی

* مؤلف: دکتر حسن احدی و دکتر فرهاد جمهری

* ناشر: پردیس

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: چهارم

کتاب *روان‌شناسی رشد؛ نوجوانی، جوانی و بزرگسالی* در سال 1382 برای بار چهارم و بدون تغییر نسبت به چاپ‌های قبلی، به چاپ رسیده است. این کتاب دارای متنی نسبتاً روان و رسا است و صفحه‌بندی خوبی نیز دارد. در مقابل، مفهوم طرح روی جلد مشخص نیست و حجم فصل‌های مختلف کتاب تناسبی با یکدیگر ندارند چنان‌که، فصل اول حدود 70 صفحه، فصل دوم 15 صفحه، فصل هفتم 6 صفحه، فصل دهم 7 صفحه و فصل دوازدهم 5 صفحه است. و همچنین، در فصول مختلف مطالب تکراری وجود دارد. در این کتاب سعی شده است از تصاویر برای تفهیم مطالب استفاده شود که برخی از این عکس‌ها برگرفته از منابع خارجی است و شایسته است از تصاویر بومی و محلی نیز استفاده شود. برخی از مطالب مندرج در کتاب تناسبی با عنوان کتاب یا درس روان‌شناسی رشد 2 ندارد؛ برای نمونه، اختلالات روانی، اعتیاد، بزهکاری، روش‌های فرزندپروری را می‌توان نام برد.

معادل‌هایی که در این کتاب برای برخی از اصطلاحات آمده است جای تأمل دارد؛ برای نمونه، «خبرپردازی» برای Information processing و «عمل» برای operation آمده است که به نظر می‌رسد، «پردازش اطلاعات» و «عملیات»، معادل‌های مناسبتری باشند.

در مجموع، می‌توان گفت که این کتاب به تجدید نظر، اساسی، متناسب نمودن فصول آن با یکدیگر، حذف موارد غیرمرتبط با عنوان کتاب و حذف موارد تکراری نیاز دارد. بدیهی است در صورت اعمال موارد فوق، به‌عنوان کتاب درسی و معادل 2 واحد درسی، قابل استفاده خواهد بود.

روان‌شناسی اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی

* مؤلف: جمعی از مؤلفان

* ناشر: سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: اول

از ویژگی‌های بارز این متن، صرف‌نظر از روانی و رسایی آن، کیفیت خوب چاپ، حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی خوب، چندگانگی تألیف و وجود تفاوت‌های محسوس در نگارش متن است. نحوه کاربرد اصطلاحات، در حد قابل قبول است و مؤلفان نیز سعی کرده‌اند مطالب را مطابق با عرف کتاب‌های روان‌شناسی اجتماعی تقسیم‌بندی کنند، اما به اهداف مشخص رویکرد اسلامی اشاره‌ای نکرده‌اند. میزان روزآمدی داده‌ها در حد قابل قبول است، اما بیشتر مطالب برگرفته از کتاب‌های تألیفی و ترجمه شده دیگران در دهه‌های اخیر است. مؤلفان محترم مطالبی را از قول اندیشمندان اسلامی نقل کرده‌اند که ارتباط چندانی با موضوع اصلی ندارد، مثل «عشق ناپسند و عشق پسندیده» از قول خواجه نصیرالدین طوسی.

استنادات و ارجاعات اثر از موارد دیگری است که در این کتاب نیاز به تجدیدنظر دارد. برای مثال، در مواردی، هنگام ذکر منبع به تاریخ ترجمه اشاره شده است، مثل «استوتزل، 1371» در ص 11 و گاه نیز نام مترجم ایرانی با تاریخ میلادی درج شده است، مثل «محرابیان، 1972» در ص 11. جهت‌گیری علمی، فلسفی و اخلاقی این متن، جهت‌گیری اسلامی است؛ اما مؤلفان محترم در این مورد، توفیق چندانی به دست نیاورده‌اند و در اغلب موارد، تنها به ذکر خیر بعضی از اندیشمندان اسلامی پرداخته‌اند و نقل‌قول‌هایی از آنها آورده‌اند.

کیفیت مطالب گردآوری‌شده در این کتاب، قابل قبول است، اما ارجاعات و استنادات به نگرش اسلامی نمی‌تواند چندان معقول باشد. از این حیث، انجام دادن تحقیقات میدانی در میان جمعیت‌های مذهبی و مسلمان و نقد نتایج تحقیقات اجتماعی در تبیین بهتر دیدگاه‌های اسلام، مفید خواهد بود.

اندیشمندی جامع‌الشرایط (مسلط به روان‌شناسی اسلامی و آشنا به فرهنگ و ارزش‌های قرآنی و دینی) باید با توجه به «دیدگاه‌ها و منابع اسلامی» کتاب را ویرایش کند و به تجدیدنظر فنی، فرهنگی، علمی و ادبی کتاب بپردازد.

روان‌شناسی نوجوانان

* مؤلف: اسماعیل بیابانگرد

* ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: هفتم

کتاب حاضر، متنی روان و رسا دارد و قواعد ویرایش و نگارش در آن رعایت شده است. کیفیت اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی خوب است. به‌رغم چاپ هفتم، مقدمهٔ مختصر کتاب - که در سال 1376 برای چاپ نخست نوشته شده است - نشان می‌دهد که در چاپ‌های بعدی هیچ تغییری در کتاب ایجاد نشده است.

برای اصطلاحات علمی معادل‌هایی نامناسب انتخاب شده است؛ از جمله در ص 138، برای اصطلاح Sex-role Identity، «نقش جنسی» آمده که ترجمهٔ دقیق‌تر آن، «هویت نقش جنسی» است. همچنین برخی عنوان‌ها با محتوای ذیل آن هماهنگی ندارد، برای مثال در صفحهٔ هجده در ذیل عنوان «ریشه‌های تاریخی مطالعهٔ نوجوانی»، تنها به نقل یک اظهارنظر غیرمستند از ارسطو در مورد میل جنسی اکتفا کرده و در صفحهٔ نوزده نیز در باب «نظریات بعدی»، به ده سطر مطلب غیرمستند بسنده، می‌کند؛ در حالی که به نظر می‌رسد مؤلف قصد تحلیل جدی مطلب را دارد.

دربارهٔ روزآمدی داده‌های کتاب، باید گفت که منابع و اطلاعات به‌روز نیستند و در چاپ‌های هفتگانهٔ کتاب، تغییری نیز دیده نشده است. منابع مندرج در متن کتاب، تقریباً با فهرست آن هیچ ارتباطی ندارد. در متن کتاب، سلسله‌اسامی با تاریخ‌هایی آمده است که تقریباً هیچ موردی از آنها در فهرست منابع دیده نمی‌شود و تاریخ‌های ذکرشده هم عمدتاً قدیمی و متعلق به بیست یا سی سال قبل است.

کتاب ظاهراً به دو بخش «اصول و مبانی رشد در نوجوانی» و «مسائل مربوط به رشد در نوجوانی» تقسیم شده است. در بخش اول، مشخص نیست که مقصود از اصول و مبانی چیست. در بخش دوم نیز مسائل مربوط به رشد، مشخص نشده است. در ضمن، عبارات متناقض و متضاد هم در متن دیده می‌شود.

در نهایت باید گفت که این اثر، حاوی مطالبی است که بعضاً با موازین علمی، در قلمرو روان‌شناسی تحول، و با ارزش‌های فرهنگ اسلامی مغایرت دارد. از این رو، شایسته و بایسته است که در ویرایش بعدی کتاب تجدیدنظر اساسی علمی، فرهنگی و ادبی صورت پذیرد.

راهنمای عملی در مشاوره با کودکان

* مؤلف: گلدارد و گلدارد

* مترجم: مینو پرنیانی

* ناشر: رشد

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: اول

این کتاب ترجمه خوب و رسایی دارد و نکات نگارشی در آن رعایت شده است. وجود تمرین، نمودار، مثال و جدول با توجه به متمرکز بودن کتاب بر راهنمای عملی، مشهود است. این کتاب، اگرچه درس خاصی را در نظام دانشگاهی هدف قرار نداده است، مخاطبان خاص خود را دارد و می‌تواند منبعی مفید برای مشاوران و روان‌شناسان برای کار با کودکان باشد. تمرکز بر دیدگاه‌های نظری ندارد و جهت‌گیری کاملاً عملی آن مشهود است؛ از این جهت می‌تواند برای درس فنون مشاوره و بازی‌درمانی به‌عنوان منبع کمکی استفاده شود. در کنار برخی غلط‌های تایپی، برخی از اصطلاحات تخصصی دقیق نیست؛ مثلاً استفاده از اصطلاح «کنترل درمانی» در ص 53، و «فرایندهای اداری» در ص 66 به جای «فرایندهای حلقوی» جای تأمل دارد. نیاوردن معادل انگلیسی در زیرنویس برای بسیاری از واژه‌های تخصصی از دیگر نقاط ضعف این کتاب است؛ مثلاً مفاهیم تخصصی بخش 3 (ص ص 77 تا 111) و اصطلاح «وارستگی عاطفی» در (ص 35) از مواردی است که به زیرنویس نیاز دارد.

در مجموع، این اثر پس از ویرایش تخصصی و ادبی، با افزودن توضیحات لازم برای برخی لغات و اصطلاحات در پانویس، به‌عنوان منبع کمک‌آموزشی قابل استفاده است.

خانواده‌درمانی؛ تاریخچه، نظریه و کاربرد

* مؤلف: ساموئل گلادینگ

* مترجم: فرشاد بهاری، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی

* ناشر: تزکیه

* سال نشر: 1382

* نوبت چاپ: اول

متن کتاب روانی قابل قبول دارد، ولی زبان نگارش در همه کتاب چندان همخوانی ندارد. بعضی از صفحات کتاب از نظر چاپ کمرنگ است، مثل صص 32، 44، 67، 166 و اصطلاحات تخصصی در بخش‌های مختلف کتاب به صورت ناهماهنگ به کار رفته است؛ برای مثال، برای اصطلاح «خانواده نامتعادل» از معادل‌های «خانواده مختل» و «خانواده ناکارساز» هردو استفاده شده است (صص 49 و 75). همچنین از ابزارهای علمی همچون تمرین، آزمون، نمودار و... به خوبی استفاده نشده است.

محتوای اثر جامعیتی قابل قبول دارد، هرچند فاصله چاپ اصل کتاب با ترجمه آن زیاد به نظر می‌رسد (حدود ده سال) و این مسئله از میزان روزآمدی کتاب کاسته است. پانویس در این کتاب بسیار کم وجود دارد؛ چنان‌که در بعضی فصول، حتی یک زیرنویس هم وجود ندارد. ویراستاری کتاب را یکی از مترجمان انجام داده و آن را به خانواده خود تقدیم کرده است. از این حیث، معلوم نیست مترجمان دیگر چقدر در ترجمه کتاب نقش داشته‌اند. بنابراین، شایسته است در مقدمه، نقش مترجمان در ترجمه فصل‌های مختلف تشریح شود. در هر حال، این کتاب، اگرچه نیازمند ویرایش جامع فنی، ادبی، علمی و تخصصی است، می‌تواند برای دانشجویان کارشناسی‌ارشد مشاوره مفید باشد.

نظریه‌های روان‌درمانی

* مؤلف: پروجاسکا و نورکراس

* مترجم: یحیی سید محمدی

* ناشر: رشد

* سال نشر: 1381

* نوبت چاپ: چهارم

این کتاب ترجمه‌ای روان و رسا دارد؛ هرچند در بعضی موارد، همچون ترکیب «یک جفت زیرپوش» (ص 50، بند 2)، این روانی مشاهده نمی‌شود. تاحدودی نکات ویرایشی و نگارشی در آن رعایت شده است. از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد کتاب وضعیت خوبی دارد و مؤلف با استفاده از ابزارهای مختلف علمی همچون فهرست مطالب، جدول و تصویر، بیان اهداف و پیشگفتار به فهم مطالب کمک کرده است. صرف‌نظر از دقتی که در انتخاب اصطلاحات شده، برخی از آنها نیازمند تدقیق، تغییر و اصلاح است؛ برای نمونه، اصطلاح «انسجام» برای integration، «کنترل وابستگی» برای contingency management (که مدیریت اقتضایی صحیح است) و «خودپشتوانی» برای self-support در ص 227، جای تأمل دارد. خطاهای تایپی متعددی هم در متن مشاهده می‌شود، مثل ص 227، زیرنویس ص 224 و خط 2 از بند 3 در ص 196.

کتاب به لحاظ محتوایی، از رویکردهای گوناگونی بهره برده است، ولی در بیان نظریه‌های سیستمی دقت لازم را ندارد. ارائه مطالب به شیوه نسبتاً متعارف کتاب‌های موجود در زمینه نظریه‌های روان‌درمانی است. رویکردهای روان‌درمانی استفاده‌شده در این اثر، مستند به منابع متنوع است؛ اگرچه منابع مربوط به رویکردهای سیستمی و جامع، که در این کتاب یکپارچه‌نگر ترجمه شده است، از کفایت لازم برخوردار نیست. حذف ناقص بعضی زیرنویس‌ها، که گویی به علت شتابزدگی اتفاق افتاده، از مواردی است که به اصلاح نیاز دارد.

از دیگر ویژگی‌های این اثر می‌توان، شرح مختصر زندگی‌نامه و تحول نگرش نظریه‌پرداز و نیز شرح کوتاه وضعیت اجتماعی جامعه‌ای که نظریه در آن طرح شده است، اشاره کرد. ارائه نمونه‌هایی از فرایند درمان مراجعان - در چارچوب دیدگاه مورد بحث - و تهیه جدول برای جمع‌بندی و اصول نظریه‌ها از مزیت‌های اثر حاضر است.

در مجموع، این اثر پس از ویرایش جامع فنی و ادبی، به‌عنوان کتاب مرجع قابل استفاده است.

روان‌شناسی سال سوم دبیرستان

* مؤلف: وزارت آموزش و پرورش، گروه مؤلفان: دکتر گنجی، دکتر علی‌اصغر احمدی، زبینه مصلحی، یوسف ایزددوست
 * ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
 * سال نشر: 1379
 * محل نشر: تهران
 * نوبت چاپ: اول

کتاب و به زبان ساده و با توجه به شرایط مخاطبان، نگارش یافته، از ابزارهایی همچون سؤال، بیان هدف و خودآزمایی برای تفهیم مطالب استفاده کرده است. لیکن به از لحاظ صوری، چاپ و نوع کاغذ کتاب مطلوب نیست و تصاویر مندرج در آن نیز قدیمی و ناگویاست. علاوه بر این، فصل‌های کتاب فاقد مقدمه، نتیجه‌گیری و خلاصه‌اند، عکس‌ها و تصاویر با فرهنگ اسلامی متناسب نیست و قواعد زبان فارسی نیز در آن رعایت نشده، چنان‌که از اصطلاحاتی همچون «تست» در ص 7 بند 6، «تکنیک» در ص 8 بند 4 و... استفاده شده است. بخش‌هایی از متن برگرفته از منابع بسیار قدیمی است و دیدگاه اسلام نیز در آن ذکر نشده است. اغلب درستی یا نادرستی مطالب را نمی‌توان بررسی کرد، زیرا برای مثال در نقل‌قول‌های ص 56، 81 و 90، به منبع اصلی اشاره نشده است.

در متن، از یک سو، به روان‌شناسی انسان سالم و دیدگاه‌ها و افق‌های جدید در روان‌شناسی اشاره‌ای نشده است و از سوی دیگر، دیدگاه‌های کهنه که عمدتاً هیچ استفاده‌ای برای نوجوانان و جوانان ندارد - همچون مکتب کرچمر و شلدون (ص 90)، یادگیری کلاسیک (ص 50) و مکانیزم‌های دفاعی (ص 120) - مطرح گردیده است. بنابراین، محتوای کتاب با نیازهای نوجوانان در این سن تناسبی ندارد.

این اثر، به‌عنوان کتاب درسی ویژگی‌های علمی لازم را ندارد و شایسته است برای دانش‌آموزان دبیرستانی، کتابی دیگر با هدف آشنایی با اصول نوین روان‌شناسی تألیف گردد. در هر حال، کتاب به بازنگری علمی، فنی و ویرایش ادبی نیاز دارد. شایان ذکر است که چاپ مجدد این کتاب با تجدیدنظر اساسی وزارت آموزش و پرورش تدوین شده و گروه تخصصی روان‌شناسی نیز به بررسی آن اقدام کرده است که نتیجه ارزیابی در آینده اعلام می‌شود.

روان‌شناسی رشد کودکی

* مؤلف: دکتر حسن احدی و دکتر شکوه السادات بنی‌جمالی

* ناشر: بنیاد

* سال نشر: 1368

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: دوم

این کتاب متنی روان و رسا دارد و محتوای آن با فهرست مطالب، منطبق است. اصطلاحات علمی در این اثر به شکلی مناسب به کار رفته است. متن انسجام و تسلسل منطقی دارد. عموماً قواعد زبان فارسی در آن رعایت شده است، ولی در مواردی اشکال نگارشی مشاهده می‌شود؛ برای مثال، در ص 15 سطر 24، «... باری، تنها بر اثر آموزش و پرورش است که انسان مقام آدمیت نایل می‌شود.» یا در ص 17 سطر 23، «... کپیبه و عکس برگردان شخص بالغ نیست» و در مواردی (ص 75) نیز از کلمات عربی نامناسب استفاده شده است. ولی در کل، به کارگیری واژه‌های تخصصی فارسی همچون «روان بنه»، «سازه» و... مطلوب است. و بیشتر اصطلاحات، مفهومی ملموس، مناسب و قابل درک دارند.

متن فاقد اجزای تکمیل‌کننده اعم از اهداف فصل، مقدمه، جدول، تصاویر، خلاصه و فهرست‌های موضوعی است.

مؤلفان با افزودن «پاره‌ای از نظریات از دیدگاه اسلام درباره رشد» در پی نوآوری بوده‌اند که در این کار توفیقی حاصل نکرده‌اند. افزودن فصلی با عنوان «اختلالات دوران کودکی و نوجوانی» نیز نه تنها نوآوری محسوب نمی‌شود، بلکه به هیچ وجه با مباحث روان‌شناسی رشد مرتبط نیست و بهتر است در کتاب‌های آسیب‌شناسی روانی مطرح شود.

مطالب بسیار زیادی در کتاب بدون ذکر منبع، مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به تعریف رشد در فصل اول اشاره کرد. از کاستی‌های دیگر این کتاب عدم تطابق با منابع روزآمد و عدم استفاده از نتایج پژوهش‌های جدید است.

در پایان، پیشنهاد می‌شود در تجدیدنظر اثر از منابع جدید بهره گرفته شود. ذکر منبع به شکلی دقیق‌تر صورت گیرد و از نظر ادبی، علمی و فنی ویرایش شود.

این کتاب با توجه به چاپ کتاب‌های جدید در این حوزه، به‌عنوان کتاب کمکی برای دانشجویان قابل استفاده است.

اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی

* مؤلف: احمد صافی

* ناشر: رشد

* سال نشر: 1380

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: دوم

کتاب *اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی* انسجامی منطقی دارد. اگرچه مؤلف تلاش کرده متنی روان تهیه کند، غلط‌های نگارشی فراوانی در آن دیده می‌شود که برای مثال می‌توان به صفحات 84، 65، 132 و... اشاره کرد. از نظر حروف‌نگاری، کتاب بسیار ساده و ابتدایی است. اطلاعات آماری کتاب، نسبتاً روزآمد است، اما اطلاعات مربوط به مبانی نظری و روش‌های مشاوره نسبتاً قدیمی است.

مؤلف در حدود 90 صفحه از کتاب را به آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مشاوره و کتابنامه اختصاص داده است. بین حجم فصل‌ها تناسب منطقی وجود ندارد؛ فصل 6 و 7 حدود 40 صفحه و فصل 2 فقط 5 صفحه است. در تایپ برخی از صفحات، مطالب اندازه قلم‌ها با یکدیگر متفاوت است؛ برای نمونه، در ص 34 منبع (شکوهی، 1340) با قلم ریزتر ذکر شده است. شماره نمودارها مرتب نیست و حتی برخی موارد شماره ندارد. در مواردی جدول بدون عنوان آمده است.

به طور کلی، کاربرد اصطلاحات تخصصی به‌گونه‌ای نیست که در کتاب‌های دانشگاهی مشاهده می‌شود- و برخی اصطلاحات به‌کارگرفته شده به توضیح و اصلاح نیاز دارد مانند «روان‌شناسی تشخیص» و «روان‌شناسی فنی»، در بند 5 ص 35. افزون بر این، اصطلاحات بدون ذکر معادل لاتین آنها آمده است؛ برای مثال می‌توان به صفحات 51، 39 و 44 اشاره کرد. در نمودار صفحه 117 نیز منظور از مشکلات کرداری و مشکلات رفتاری مشخص نیست. وجود سؤال‌های پایانی برای خودآزمایی در هر فصل و استفاده از جدول و نمودار در کتاب از نقاط قوت آن به شمار می‌رود، هرچند تقدم و تأخر مطالب رعایت نشده است؛ برای مثال، فصل سوم به «مدل‌ها» پرداخته و فصل چهارم «نظریه‌ها» را مطرح کرده است. درج مقاله مؤلف، آن هم بدون دخل و تصرف و به صورت کامل، جای سؤال دارد.

کتاب به ویرایش ادبی، فنی و علمی نیازمند است. به‌عنوان منبع کمکی در درس اصول و فنون راهنمایی و مشاوره کاربرد دارد. امید است مؤلف محترم، علاوه بر موارد فوق در ارجاعات و استنادات متن و نیز منابع آن دقت لازم را به عمل آورد.

ناسازگاری، مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان

* مؤلف: پی. وارفا

* مترجم: دکتر سیمین حسینیان

* ناشر: دانشگاه الزهرا (س)

* سال نشر: 1377

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: دوم

کتاب *ناسازگاری، مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان* قواعد زبان فارسی را رعایت کرده و اصطلاحات تخصصی خوب و مناسب به کار برده است. معرفی موارد بالینی در کتاب، به درک صحیح مشکل و فرایند درمان کمک می‌کند. در عین حال، کتاب کیفیت چاپ چندان مطلوبی ندارد و در مواردی نیز خطاهایی دستور زبانی دارد که از آن جمله است، درص 23، بند 2، خط 8. در مواردی متن نیازمند بازنویسی است تا برای خواننده روان و رساتر گردد؛ برای مثال، ص 10 بند 1، ص 109 بند 2 و 3 و ص 93 بند 2.

جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، نمودار، جدول، تصویر و... در متن به چشم نمی‌خورد. با توجه به منابع ارائه‌شده در انتهای اثر می‌توان گفت که داده‌ها چندان جدید و روزآمد نیستند، به علاوه معیار تشخیصی استفاده‌شده در کتاب، DSM III است که قدیمی است.

در مجموع اثر حاضر، درباره فرآیند درمان مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان بحث می‌کند، که از درون آن، می‌توان اصول اساسی مصاحبه با کودک را استخراج کرد. در این صورت، افزون بر اینکه برای خواننده، نتایج کاربردی خوبی به همراه دارد، برای آموزگاران نیز شیوه درمانی و تربیتی خوبی عرضه می‌کند.

دیدگاه درمانی مطرح‌شده در این اثر، دیدگاه «روان‌تحلیلی‌گری» است که بهتر است در بررسی مشکلات کودکان، از دیگر دیدگاه‌های روان‌شناسی بهره گرفته شود؛ از این حیث، کتاب فاقد جامعیت دیدگاه است.

در هر حال، کتاب صرف نظر از اینکه مجموعه‌ای از مقالات است، منطبق با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی نیست و جامعیت لازم را به معنای دقیق کلمه، برای درس دو واحدی ندارد. با این همه، به‌عنوان منبع فرعی و کمکی در تدریس دروسی نظیر اختلالات رفتاری و عاطفی و روش‌های اصلاح رفتار، قابل استفاده است.

روان سنجی

* مؤلف: دکتر حمزه گنجی، مهرداد ثابت

* ناشر: ساوالان

* سال نشر: 1380

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: دوم

در این اثر به طور نسبی قواعد زبان فارسی رعایت شده است. اصطلاحات و واژه‌های تخصصی تقریباً خوب به کار رفته است. از فنون و ابزار علمی برای تفهیم مطالب استفاده شده است. در عین حال، متن دارای پیشگفتار، مقدمه، نتیجه‌گیری و نمایه نیست و قلم آن، ریز است. این کتاب در واقع برداشتی از دیگر آثار مؤلف محترم است، به گونه‌ای که مطالب اساسی آن در کتاب‌های *آزمون‌های روانی و روان‌سنجی و اندازه‌گیری در آموزش و پرورش* وجود دارد. همچنین برخی واژه‌ها به صورت مناسب ترجمه نشده‌اند؛ برای مثال، استفاده از واژه «عقل» به جای «هوش» در صص 5 و 11، نامطلوب است.

این کتاب دیدگاه و افقی جدید برای خواننده مطرح نمی‌کند و به‌رغم اینکه در زمینه روان‌سنجی است، فقط در بخش اول به این موضوع پرداخته شده است. در بخش دوم، بیشتر به معرفی آزمون‌ها و طبقه‌بندی آنها اشاره شده است که ارتباط نزدیکی با روان‌سنجی ندارد. عموم منابعی که در کتاب به کار رفته، نسبتاً قدیمی است. اکثر مطالب در سایر کتاب‌ها، وجود دارد و تقریباً تکراری است. 262 صفحه از کتاب به معرفی آزمون‌ها اختصاص دارد که غیرضروری به نظر می‌رسد و برای کتاب درسی نسبتاً زیاد است.

با توجه به مباحث فوق، این کتاب در واقع تألیفی است از چند کتاب دیگر مؤلف محترم در همین زمینه؛ لذا شایسته است با بازنگری اساسی، مطالب جدید و بدیع به آن افزوده و از منابع جدید داخلی و خارجی بهره گرفته شود. موارد تکراری و غیرضروری آن نیز حذف شود و با ویرایش فنی و ادبی، اصلاحات اساسی، در آن انجام پذیرد.

روان‌شناسی عمومی، ج 1 و 2

* مؤلف: دکتر حمزه گنجی

* ناشر: دانشگاه پیام نور

* سال نشر: 1371

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: بیستم

کتاب *روان‌شناسی عمومی*، جلد 1 و 2 متنی ساده و روان دارد. با آنکه قواعد زبان فارسی را رعایت کرده است، در سراسر متن غلط‌های تایپی فراوان به چشم می‌خورد، مثل صفحه 92 که به جای Study، Sstudy، و صفحه 11، پاراگراف 3 خط 3 که به جای M.A (سن عقلی)، N.A آمده است. زیرنویس‌های صفحات 162، 167 و 257 نیز نوشته نشده است.

متن حاضر از نظر به‌کارگیری اصطلاحات و واژه‌های تخصصی دقیق نیست؛ چنان‌که در ص 222، به جای Anxiety، دل‌نگرانی آمده و در ص 247، پیام عصبی را مترادف با Nerve Impulse ذکر کرده است.

برای تفهیم مطالب عموماً از ضرب‌المثل استفاده شده است. پرسش‌هایی نیز در پایان فصل‌ها آمده است، لکن در برخی فصول، این پرسش‌ها یادگیری خاص و مناسبی را از فصل منعکس نمی‌سازد؛ مثلاً در فصل هوش، پرسش‌ها بیشتر بر روایی و اعتبار متمرکز است. کتاب در دو جلد به چاپ رسیده، که کیفیت چاپ در جلد 1 مناسب نیست، ولی در جلد 2 نسبتاً بهتر است.

محتوای فصل‌های ارائه شده تناسب کاملی با یکدیگر ندارد؛ برای مثال، حجم فصل 1 (ادراک) 15 صفحه و حجم فصل 8 (احساس) 28 صفحه است. فصل آمار و گروه کنترل (فصل 6) ضرورت بحث در حد یک فصل را ندارد، هرچند مؤلف کتاب‌های دیگری هم در این زمینه دارد. مطالب در فصل ادراک و انگیزش جامع نیست. درباره جنبه‌های مختلف انواع انگیزش (جنسی، گرسنگی، تشنگی) در حد لازم بحث نشده است. نظریه پیاژه در مورد تحول هوش، ناقص و به‌طور خلاصه طرح شده است (ص 129). در صفحه 137، به توضیح آزمون آدمک پرداخته شده است که نیازی به طرح این آزمون در کتاب روان‌شناسی عمومی نیست و به نظر می‌رسد،

برای جذابیت طرح شده است.

مباحثی که در کتاب طرح شده، اصول علمی را رعایت نکرده است. مسئله هفت تیر کشیدن، پریدن وسط کلاس و وساطت استاد به عنوان مثالی علمی طرح شده است که جدای از اعتبار علمی این مثال، به مسئله تربیتی و اخلاقی آن نیز باید توجه شود.

در صفحه 129، هوش A و B به عنوان هوش ذاتی و عملکرد، فاقد استناد علمی است. در صفحه 147 زیرنویس 11، عنوان شده که آزمایش مستند و علمی است. توضیح مزبور این تردید را مطرح می کند که در موارد دیگر، آزمایش ها علمی نبوده است.

داده ها و اطلاعات استفاده شده به روز نیست و منابع آخر کتاب قدیمی است؛ برای نمونه، بحث هیستری در کتاب های جدید، با عنوانی دیگر مطرح می شود و کاملاً متفاوت است؛ ولی در جلد 2 ص 102، این واژه طرح شده است.

با عنایت به مباحث فوق، کتاب فاقد مبانی نظری قابل قبول است، از منابع قدیمی سود جسته است، محتوای غنی روان شناسی نوین را ندارد، واژه ها و اصطلاحات علمی به درستی در کتاب به کار نرفته است و نیازمند به تجدیدنظر اساسی در ابعاد علمی و صوری است.

اصول روان‌شناسی بالینی بزرگسالان جلد اول

* مؤلف: لیندزی و پاول

* مترجم: هامایاک آوادیسیناس و محمدرضا نیکخو

* ناشر: بیکران

* سال نشر: 1377

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: اول

کتاب *اصول روان‌شناسی بالینی بزرگسالان* (جلد اول) متنی ساده و روان دارد. کیفیت چاپ خوبی دارد و دارای مقدمه، فهرست مطالب و فهرست منابع است. معادل‌گذاری‌ها به طور نسبی خوب انجام شده و اساساً بر اساس معادل‌های واژه‌نامه‌ای صورت گرفته است که دکتر براهنی و همکاران تألیف کرده‌اند؛ ولی در برخی موارد دقیق نیست، برای مثال در ص 107، کلمه وسواسی برای *obessional* و در ص 108، برای *Compulsive* به کار رفته است؛ یا در ص 109، به جای اصطلاح «وسواس اجباری»، «وسواس فکری - عملی» استفاده شده است. ترتیب، انسجام و تسلسل منطقی مطالب در مجموع خوب است. داده‌های ارائه‌شده در این اثر تا سال 1994م است، که در همان حد نیز، کامل و جامع است. در ارائه مطالب، از تمامی رویکردها سود جسته و استنادات به‌طور کامل ارائه شده است. طرح برخی مسائل با اصول اعتقادی، اخلاقی و احکام دینی مغایرت دارد؛ برای مثال، می‌توان به مطالب فصول 9، 10، 17 و 18 اشاره کرد. البته مترجمان محترم برخی از مسائل را، که مشکلات جدی اخلاقی و اعتقادی دارد، در ترجمه حذف کرده‌اند. نام اصلی کتاب *The Hand Book of Clinical Adult Psychology* که به فارسی، «اصول روان‌شناسی بالینی بزرگسالان» ترجمه شده است. این عنوان، چه به لحاظ مفهومی و چه به لحاظ محتوایی، معادلی دقیق برای نام اصلی نیست و روان‌شناسی بالینی بزرگسالان کفایت می‌کند. کتاب به گونه‌ای تنظیم شده که هر اختلال عمده را در دو فصل، طرح کرده است. فصل اول آن *Investigation* و فصل دوم *Treatment* است که در متن فارسی، فصل اول زیر عنوان پژوهش و فصل دوم، درمان ترجمه شده است و به نظر می‌رسد، معادل «بررسی» به جای پژوهش بسیار مناسب‌تر است و با محتوای فصل همخوانی دارد.

بهداشت روانی

* مؤلف: دکتر سعید شاملو

* ناشر: سهامی چهر

* سال نشر: 1360

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: پنجم

کتاب *بهداشت روانی* متنی نسبتاً ساده دارد. قواعد زبان فارسی در آن رعایت شده است. مطالب انسجام منطقی دارد و با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی مطابقت دارد. به کارگیری واژه‌ها و اصطلاحات در برخی موارد، اشکالاتی دارد؛ برای مثال در ص 268، برای واژه Nondirective Psychology یا Client – Centered Psychology اصطلاح «پسیکوتراپی بی‌رهبر» آمده است که صحیح نیست. مواردی دیگر از این قبیل نیز وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

اصطلاح «آزمون علاقه» برای Interest Test،

واژه «خاطره» برای Amnesia،

اصطلاح «رفتار نابهنجار» برای Behavior disorder.

در بسیاری از موارد، تلفظ انگلیسی واژه‌ها با حروف فارسی نوشته شده و معادلی برای آن ذکر نشده است؛ مثل، کاتارسز (ص 260)، پیسکوسرژری (ص 265) و

در ذکر مستندات، روشی یکسان وجود ندارد. تعدادی از منابع در پاورقی و برخی دیگر در فهرست منابع پایان کتاب آمده است که این شیوه‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند.

علاوه بر به‌روز نبودن اطلاعات و منابع، دیدگاه غالب بر متن، روانکاوی و رفتارگرایی است. در مجموع، کتاب دیدگاه‌های جدیدی را مطرح نمی‌کند و ضروری است در بخش مسائل جنسی، بازنگری شود.

روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربرد

* مؤلف: دکتر یوسف کریمی

* ناشر: ارسباران

* سال نشر: 1378

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: ششم

کتاب *روان‌شناسی اجتماعی نظریه‌ها، مفاهیم و کاربرد* متنی ساده و روان، کیفیت چاپ مطلوب و انسجام و تسلسل منطقی دارد و در نگارش آن، قوانین زبان فارسی رعایت شده است. در عین حال، کتاب در برخی موارد به تجدیدنظر نیاز دارد؛ برای نمونه در ص 65 خط 7، واژه «شمارشی»، در ص 94 بند 4 خط 1 لفظ «برعلیه» و در ص 175 بند 4 عبارت «... به اندازه یک روان‌شناس» آمده است.

همچنین برخی از اصطلاحات و واژه‌های تخصصی متن به بازنگری نیاز دارد؛ مثلاً در ص 21، واژه لینچ (Lynch) ترجمه نشده؛ در ص 52، برای «نفس» و «خود» یک معادل Self ذکر شده است؛ معادل واژه‌های «ناخود» (nonego) و «خوددگر» (alterego) سلیس نیست و واژه Position در ص 60، به «موضع» و در ص 64، معادل با «جایگاه» ترجمه شده است. مؤلف برای تفهیم مطالب، هر فصل از مقدمه و سؤالات پایان فصل هر فصل استفاده کرده است. پیشگفتار، فهرست مطالب، خلاصه، کتابشناسی، فهرست منابع و مأخذ نیز در کتاب وجود دارد.

فصول کتاب با یکدیگر تناسب محتوایی ندارند؛ چنان‌که فصل‌های 10، 11، 12 و 13 درباره نگرش‌ها و در مجموع، مفصل و کاربردی است، اما این ویژگی در فصل‌های دیگر به چشم نمی‌خورد.

فصل 7 «رفتار ناظران در موقعیت‌های اضطراری»، در حد یک فصل ارائه نشده است و از نظر حجم مناسب نیست.

فصل 8 «اخلاق و ارزش‌های اخلاقی»، بیشتر به‌عنوان بحثی تحولی مطرح شده و ابعاد روان‌شناسی اجتماعی آن بررسی نشده است.

در فصل 9 «پرخاشگری»، همان مباحث پرخاشگری در حد روان‌شناسی عمومی مطرح شده و به ابعاد اجتماعی پرخاشگری کمتر پرداخته شده است.

متن به طور کلی، براساس متون قدیمی تدوین یافته و از منابع جدید تنها در ص 53، یک مورد (مربوط به سال 1988م) استفاده شده است و در انتهای فصل، «وضعیت نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی امروزی» در حدود کمتر از یک صفحه ارائه شده است و به‌علاوه مشخص نیست که منظور از سال‌های اخیر در روان‌شناسی اجتماعی چه زمانی است.

نظریه اینکه کتاب به‌گونه‌ای ترجمه متون مختلف است، انسجام و هماهنگی بایسته بین فصول مختلف، اصطلاحات و حتی اسامی آن وجود ندارد؛ یک‌جا سخن از سمژان و هنری است (ص 213) و جای دیگر اسم احمد (ص 71) مطرح می‌شود.

تعریف روان‌شناسی اجتماعی مبتنی بر تعاریف قدیمی ارائه شده در سال‌های 1924 و 1954 م است، در حالی که مؤلف خود اشاره کرده که در سال‌های اخیر، محتوای روان‌شناسی اجتماعی بسیار متنوع گشته است (ص 16).

بهتر است اصطلاح «مقام رهبری» که برای اشاره به مدیران در سطوح مختلف در به کار رفته است (ص 158)، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی ایران، به گونه‌ای دیگر مطرح و بین رهبری و مدیریت تفاوت قایل شود. هرچند مؤلف در پیشگفتار در (ص 1)، ذکر نموده است که روان‌شناسی اجتماعی جنبه فرهنگی دارد و باید با فرهنگ جامعه منطبق باشد، اما به نظر می‌رسد که خود، این مسأله را نادیده گرفته است.

در پایان، این کتاب در مقایسه با کتب مشابه امتیازات نسبتاً خوبی دارد و در صورت ویرایش دقیق فنی، ادبی و فرهنگی و روزآمد کردن مطالب، می‌تواند یکی از متون درسی اصلی برای دانشجویان رشته روان‌شناسی باشد.

خانواده و خانواده‌درمانی

* مؤلف: مینو چین

* مترجم: دکتر باقر ثنایی

* ناشر: امیرکبیر

* سال نشر: 1375

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: دوم

کتاب ترجمه نسبتاً خوبی دارد و قواعد ویرایشی و نگارشی در آن رعایت شده است. این اثر، متنی کلاسیک در زمینه خانواده‌درمانی ساختاری است و مؤلف آن نیز یکی از بنیان‌گذاران این رویکرد است. از این حیث، ترجمه آن بسیار ارزشمند و ضروری بوده است. اما در عین حال کتاب به‌عنوان یک اثر درسی تدوین نشده است و از نظر حجم و محتوا، با واحدهای درسی مشاوره و خانواده‌درمانی مطابقت ندارد و نمی‌توان آن را به‌عنوان منبع اصلی معرفی کرد. همچنین در آن از ابزارهای علمی برای تفهیم مطالب به‌خوبی استفاده نشده است.

غلط‌های تایپی فراوانی در متن وجود دارد؛ برای نمونه درص 308، کلمه «براون» بارها «بروان» تایپ شده است.

اصطلاحات، نسبتاً خوب و تخصصی به کار رفته است؛ ولی در برخی موارد، معادل‌های استفاده شده چندان رایج و معمول نیست، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

معادل کلمه Effective Functioning «عملکرد کارساز» و معادل کلمه Traumatic events «وقایع روان‌خراش» آمده است.

کتاب از نظر شیوه‌ارائه و ذکر منبع، با سبک جدید استنادات همخوانی ندارد. در اکثر موارد، نظرهایی بیان شده است، که به نظر می‌رسد، مؤلف از منابع متفاوتی سود جسته است.

این اثر بیشتر به تحلیل ساخت خانواده پرداخته است و در اصل، کتابی جامع درباره خانواده و خانواده‌درمانی به شمار نمی‌آید. هرچند مترجم در مقدمه، دیدگاه سیستمی را به‌خوبی توضیح داده، کتاب با نگرش ساختاری تدوین یافته است.

در برخی از فصول نمی‌توان به مفهومی دست یافت که عنوان آن فصل را بیان کند؛ برای مثال، عنوان فصل 4 چنین است: «خانواده جمعی: خانواده رابین و مورد سای کافمان». در این فصل، خانواده جمعی باید تعریف و تحلیل شود، در حالی که این فصل، فقط به مصاحبه کافمان با خانواده رابین اختصاص دارد و نتیجه‌گیری نیز به خود خواننده واگذار شده است.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که این ترجمه، ویرایش دقیق فنی، ادبی و علمی شود.

مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی

* مؤلف: دکتر غلامعلی افروز

* ناشر: دانشگاه تهران

* سال نشر: 1383

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: بیست و یکم

متن کتاب از نظر نگارشی رسا و روان است. حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی مناسبی دارد. از چاپ دوازدهم به بعد تغییراتی مثبت دیده می‌شود. از تصاویر، فهرست موضوعی و فهرست منابع سودجسته است و به طور کلی، معادل‌های ارائه‌شده در متن مناسب است. به‌جز در مواردی که متخصصان درباره معادل‌های ارائه‌شده اتفاق نظر ندارند؛ برای مثال، معادل کلمه self-esteem «خود-ارزشمندی» آمده است، در حالی که عموماً «عزت نفس» ترجمه می‌شود. مطالب هریک از فصل‌ها جامعیت لازم را دارد، گرچه مواردی به تجدیدنظر نیاز دارد؛ برای مثال، عنوان ذکرشده در صفحه 133 با صفحه 135 مشابه است، با این تفاوت که واژه دانش‌آموزان به عنوان دوم افزوده شده است.

کتاب حاضر برای آشنایی با روان‌شناسی کودکان استثنایی است و مطالبی کلی را نیز درباره انواع عقب ماندگی‌ها و همچنین کودکان تیزهوش و... به اجمال می‌سازد. از این رو، برای اطلاعات اختصاصی درباره هریک از انواع معلولیت‌ها و بررسی عمیق‌تر آنها باید کتاب‌های خاص و مجزا در نظر داشت.

کتاب دقیقاً ذکر منبع نکرده است؛ در مواردی، منابع و مأخذ مورد استفاده ذکر شده و در مواردی نیز منبعی در فهرست کتابشناسی وجود دارد که در متن به آنها اشاره‌ای نشده است. همچنین شیوه نوشتن منبع در پانویس کتاب، متفاوت با شیوه‌ای است که در فهرست منابع آمده است. در پایان، پیشنهاد می‌شود که مؤلف محترم، علاوه بر استفاده از نمودار و عکس در چاپ‌های بعدی و توجه به غلط‌های تایپی درون متن، نیز در تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌ها از نظام طبقه‌بندی DSM IV استفاده کند.

اختلال‌های رفتاری کودکان

* مؤلف: ایزرائیل و نلسون

* مترجم: محمدتقی منشی‌طوسی

* ناشر: آستان قدس رضوی

* سال نشر: 1378

* محل نشر: مشهد

* نوبت چاپ: ششم

متن از نظر سادگی بیان برای دانشجویان دوره کارشناسی مناسب است. قواعد زبان فارسی در حد قابل قبولی رعایت شده است. کتاب در به کارگیری اصطلاحات تخصصی مرتبط، مشکلی ندارد. مؤلفان از کلیشه کردن مطالب مهم (ص 66)، خلاصه کردن مطالب (ص 415)، استفاده از نمودار (ص 244)، استفاده از تصاویر (ص 436) و جدول‌ها (ص 296) سود جستند که در تفهیم مطالب مؤثر است. کیفیت چاپ کتاب نیز مطلوب است.

در خصوص موضوع اختلال‌های رفتاری کودکان، این کتاب از متون مفید و مناسب است. انسجام و تسلسل منطقی مطالب در هر فصل نیز مناسب به نظر می‌رسد. مستندات و ارجاعات متن صحیح است. به مکاتب مختلف اشاره شده است و سوگیری به مکتب خاصی هم ندارد؛ برای نمونه در فصل اول، به دیدگاه‌های روانکاو (ص 43) و رفتارگرایی (ص 45)، در فصل دوم به دیدگاه‌های پیازه (ص 75)، در فصل سوم به تناسب موضوع نظریه فیزیولوژیکی- بیولوژیکی و نیز به دیدگاه‌های شناختی- رفتاری و روانی- تربیتی اشاره شده است.

اصل کتاب بسیار قدیمی است و 13 سال از زمان چاپ آن می‌گذرد. از این رو، طبیعی است که از تحولات و پیشرفت‌های علمی جدید بی‌بهره باشد.

نویسندگان به پاره‌ای از منابع بسیار مهم و معروف در اختلال‌های رفتاری کودکان، توجه نکرده‌اند که برای مثال، نمونه‌های زیر ذکر می‌گردد: در بحث «اضطراب کودکان» از دیدگاه‌های کلین¹، در بحث «بیش‌فعالی» از محقق ارجمند اریک تایلور² انگلیسی، و به اختلالات جدید

1. Klein

2. Eric tylor

مندرج در DSM _ IV نیز در کتاب اشاره‌ای نشده است، مثل:

disorders of speech production, language delay, tic and tourette syndrome

به طور کلی می‌توان گفت که این کتاب به دلیل کهنگی مطالب، ضعف در محتوا و تدوین نمی‌تواند، برای تدریس کتابی جامع به‌عنوان منبع اصلی باشد؛ اما پس از ویرایش ادبی و فنی، برای بعضی از فصول آن، به‌عنوان کتاب کمک‌درسی (منبع فرعی) قابل استفاده است.

روان‌شناسی ژنتیک، جلد 1

* مؤلف: دکتر محمود منصور

* ناشر: ترمه

* سال نشر: 1372

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: ششم

این اثر از حیث رعایت قواعد زبان فارسی دارای کیفیتی مطلوب است، زیرا مؤلف محترم با قواعد زبان فارسی به‌خوبی آشنایی دارد. کتاب کیفیت چاپ قابل قبولی دارد. در برخی موارد از نمودار استفاده کرده است. دارای پیشگفتار، فهرست مطالب، خلاصه، نمایه، کتابشناسی و فهرست مأخذ و منابع است.

زبان متن، زبانی بسیار قوی و ادبی همراه با واژه‌هایی خاص و بعضاً برای غیرمتخصصان، نامأنوس است. جملات طولانی و گاه بسیار ثقیل برای تفهیم و بیان مطلب، در متن فراوان است. این کتاب که به گفته نویسنده آن (ص 11) اساساً برای دانشجویان رشته روان‌شناسی نگاشته شده، دارای پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی بسیار است که فهم روان‌شناسی را نه فقط برای دانشجویان، بلکه برای بیشتر مربیان دانشگاهی این رشته نیز دشوار یا ناممکن می‌سازد. به‌عنوان مثال، برای آشنایی با سنگینی مطالب و واژگان در بحث از «نظام لئوتیف» (ص 154) می‌توان به جمله‌های زیر اشاره کرد: «اثرات حسی کلی این بازتابها که در مجموعه آنها اثرات حسی جنبشی لفظی نیز ملحوظاند بافت تجسمی را تشکیل می‌دهند که به نوبه خود تشکیل‌دهنده محتوای معنای کلمه است. اما اینها اثرات حسی کمانهای انعکاسی کاملاند که دارای انتباههای اجرایی هستند. این انتباههای حرکتی وقفه یافته‌اند، تقلیل یافته‌اند ولی حذف نشده‌اند.»!

برای برخی از واژه‌های انگلیسی، معادل‌های عربی نسبتاً متروک در زبان فارسی به کار گرفته شده، از آن جمله است: واژه «دال» significant، یا واژه «ارتجالی» به جای spontaneous و «اخبار» به جای information. در پاره‌ای موارد، معادل‌های واژه انگلیسی به صورتی نارسا و حتی آمیخته به خطا انتخاب شده است؛ مثلاً، «انفعال» به جای «y affectivité، این همانی» برای identity و

در این کتاب، فصول «پیازه»، «فروید»، «والن» و «گزل» از جمله فصل‌های ارزشمند محسوب می‌شود. محتویات متن با فهرست مطابقت دارد. مطالب هریک از فصول و عناوین متن جامعیت دارد. بیشتر منابعی که نویسنده محترم استفاده کرده، آثاری است که صاحبان مکاتب مورد بحث، نوشته‌اند. در برخی از فصول (مثلاً نوجوانی، پیری و...) برای توضیح مطالب، از منبعی خاص استفاده نشده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که شیوه استفاده از منابع در متن کتاب، با روش‌های قدیمی که در کتاب‌های درسی دانشگاهی از آن استفاده می‌شود، کاملاً متفاوت و گاه نامشخص است و نمی‌توان دانست که نظریه‌ها از آن خود نویسنده است یا دیگران.

در متن کتاب، هیچ مطلبی همراه با مأخذ ذکر نشده و تنها به ذکر نام دانشمندان و زیرنویس انگلیسی آنها بسنده شده است، یا اگر نام کتابی برده شده، بدون ذکر صفحه و سال انتشار است؛ برای نمونه رجوع کنید: به ص 74، بند دوم، «تصویر ذهنی» (1966) و «مکانیزم‌های ادراکی» (1961). تازه‌ترین منبعی که از آن استفاده شده متعلق به سال 1970م، یعنی حدود 40 سال قبل است. هدف کتاب ارائه مباحث روان‌شناسی ژنتیک و «تحول روانی فرد یا نوع» است؛ اما در متن، پس از پرداختن به چند نظریه در این زمینه، به نوجوانی به‌عنوان یک مسئله، اشاره‌ای مختصر می‌شود. در فصل دوم، معلوم نیست به چه دلیل، ناگهان به مسئله بازی پرداخته و آن‌گاه در فصل سوم، به مسئله تقلید پرداخته، و سپس در فصل چهارم، به مرحله پیری یعنی آخرین مرحله تحول روانی اشاره می‌شود. به این ترتیب، متن انسجام کافی ندارد و برای توضیح دیدگاه‌های خود، دچار حاشیه‌روی شده است.

در پایان، گروه روان‌شناسی، پیشنهادهای خود را درباره این کتاب به شرح زیر اعلام می‌کند:

1. متناسب نمودن محتوای کتاب با سرفصل‌های درس مورد نظر در رشته روان‌شناسی،
2. روان‌سازی متن به گونه‌ای که برای کلیه دانشجویان و استادان قابل استفاده باشد،
3. سعی در به روز نمودن منابع مورد استفاده،
4. حذف مباحث غیرضروری،
5. ویرایش علمی، ادبی و...،
6. توجه به نیازهای نوین در قلمرو روان‌شناسی.

روان‌شناسی ژنتیک، جلد 2

* مؤلف: دکتر محمود منصور، دکتر پریخ دادستان

* ناشر: ژرف

* سال نشر: 1374

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: دوم

متن از نظر به کارگیری قواعد زبان فارسی خوب است. کتاب دارای مقدمه، فهرست مطالب و فهرست منابع و مأخذ است؛ ولی نتیجه‌گیری، خلاصه فصل، نمایه و کتابشناسی ندارد به‌جز در قسمت سوم از فصل دوم (در توضیح فرایندهای اساسی در نظام عملیاتی پیاژه و نیز در ص 114، در مکتب هارتمن) در هیچ جای دیگر از نمودار، تصویر و سایر ابزارها یا فونونی که به تفهیم مطلب کمک کند، استفاده‌ای نشده است.

یکی از مشکلات اساسی این کتاب، دشواری متن آن است، که دانشجویان را در مطالعه آن دچار مشکل خواهد کرد، مانند عباراتی از این دست: «از یکسو لذتی خودشهوت‌گرا از راه تحریک‌شدگی ناحیه شهوت‌زای مقعد بر اثر غایط‌ها جستجو می‌شود، از سوی دیگر پژوهشی در زمینه فشار رابطه درباره موضوع‌ها یا اشخاص که متدرجا از یکدیگر متمایز می‌گردد» (ص 21). برخی از اصطلاحات و معادل‌های فارسی کتاب نیز مبهم و دور از ذهن است؛ همچون استلزام (implication)، امحاء، امتناع، اندراج، همادگری، بناشدنی‌نگری، برون‌گنجی، تحریک‌گردیدگی و این‌همان مانده.

با توجه به هدف نویسندگان، کتاب ترتیب و انسجام و تسلسلی خوب دارد. این کتاب در برگیرنده «نظریه‌های رشد» است که با سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی برای درس روان‌شناسی رشد، مطابقت ندارد. هرچند در این کتاب، به نظام‌های روان‌شناختی به صورت جامع اشاره شده، کاربرد این نظریه‌ها در عمل تبیین نشده است. در طرح این نظام‌ها، به نقد و ارزشیابی - به‌خصوص از دیدگاه چند رشته‌ای و پژوهشی - پرداخته نشده است؛ حال آنکه جا دارد در هر مورد این نظام‌ها، به طور مستند و از دیدگاه پژوهشی همراه با ذکر منابع تحقیقاتی بررسی شود. انسجام مطالب در هر فصل خوب است، اما به رغم نام کتاب، اولاً، بحثی از بنیادهای ژنتیک و

نیز سایکو نوروفیزیولوژیک به میان نیامده است و ثانیاً، نظام‌های مختلف به صورت جدا از یکدیگر و بدون انسجام و ارتباط‌های درونی، مطرح شده‌اند.

منابع در جایگاه خود ذکر نشده و در مواردی نیز، شماره صفحه منابعی که ذکر آنها در کتاب آمده است، مشخص نیست و با توجه به این مسئله، هیچ‌گونه مطابقتی با روش‌های جدید مثلاً با استانداردهای APA ندارد.

منابع استفاده‌شده به‌روز نیست. فقط یک منبع مربوط به سال 1990م، چند منبع مربوط به دهه 1980 و اکثر منابع مربوط به سال‌های قبل است و تقریباً هیچ استفاده‌ای از مقالات مجلات علمی - پژوهشی جهان نشده است.

با توجه به اینکه مدتی طولانی از تألیف کتاب می‌گذرد، گروه پیشنهاد می‌کند که نویسندگان محترم ضمن تجدیدنظر کلی در تألیف کتاب، به موارد زیر توجه کنند: روان‌سازی ادبی و استفاده هرچه بیشتر از واژگان زبان فارسی به جای واژگان لاتین و عربی، استفاده از آخرین یافته‌ها و منابع جدید، به‌ویژه استفاده از منابع پژوهشی و مجلات علمی، همچنین ذکر منابع و مأخذ در متن و در فهرست منابع و در نهایت، استفاده از پیشنهاد‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای گزینش بهترین معادل‌های فارسی.

روان‌شناسی رشد (1)

* مؤلف: دکتر سوسن سیف، دکتر پروین کدیور، دکتر رضا کرمی نوری، دکتر حسین لطف آبادی

* ناشر: سمت

* سال نشر: 1374

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: پنجم

این کتاب متنی ساده دارد. مباحث رشد را به صورت مختصر بیان کرده است. در رعایت قواعد زبان فارسی، کیفیتی مطلوب دارد. از کیفیت چاپ خوبی برخوردار است. دارای پیشگفتار، مقدمه، فهرست مطالب، کتابشناسی و فهرست مأخذ و منابع است. از جدول، نمودار و شکل در کتاب به خوبی استفاده شده است. در اکثر موارد، معادل‌سازی‌هایی مناسب صورت گرفته، مگر در مواردی مانند ص 139، که به جای «پردازش اطلاعات» برای information processing، اصطلاح «فرایند اطلاعات» به کار رفته است، یا در جایی دیگر، به جای «پایداری شیء» برای object permanence، اصطلاح «وجود دائمی» آمده است. علاوه بر این، غلط‌های تایپی فراوان نیز در کتاب به چشم می‌خورد.

محتوای متن حاضر با توجه به تعداد واحد، رشته تحصیلی و عنوان درس، جامعیت نسبی دارد. در عین حال، فهرست مطالب کتاب با محتویات متن در برخی موارد مطابقت ندارد؛ برای مثال در فهرست فصل دوم، فقط طبقه‌بندی نظریه‌های رشد آمده است و برای انواع نظریه‌هایی که در متن ذکر شده‌اند، اشاره‌ای وجود ندارد. به لحاظ نوع قلم، بین تیترو سرتیتر تفاوتی وجود ندارد و تمایزها مشخص نیست. در فصل‌بندی کتاب، اشکال جدی وجود دارد و همین مسئله، جامعیت فصول را سست کرده است؛ برای نمونه، فصل اول 80 صفحه و فصل دوم 97 صفحه دارد، در حالی که فصل سوم 38 صفحه و لذا فصل چهارم 26 صفحه است و تناسبی بین فصول دیده نمی‌شود.

بیشتر منابع این کتاب قدیمی است و بنابراین، تجدیدنظری جدی در متن ضروری است. به‌علاوه تعداد منابع مورد استفاده در هر فصل، بسیار محدود است و جواب‌گوی نیاز آن مبحث نیست. همچنین چون این کتاب را چند تن از استادان تألیف کرده و چند نفر نیز آن را ویراستاری

کرده‌اند، در بسیاری از موارد مشکلاتی از قبیل ذکر نکردن منبع مورد استفاده در پایان هر پاراگراف وجود دارد. داده‌ها و اطلاعات استفاده‌شده در کتاب نیز به‌روز نیست و جدیدترین منبع مورد استفاده، مربوط به سال 1986 م است.

نتیجه اینکه، کتاب به ویرایش علمی و محتوایی نیاز دارد. در منابع و مآخذ نیز باید تجدیدنظر اساسی شود. کتاب پس از ویرایش علمی، فنی و اصلاحات محتوایی و به‌روز نمودن منابع مورد استفاده، برای دوره‌های کارشناسی مفید خواهد بود.

روان‌شناسی اجتماعی

* مؤلف: ژان استوتزل

* مترجم: دکتر علی محمد کاردان

* ناشر: دانشگاه تهران

* سال نشر: 1374 / 1354

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: اول / ششم

این کتاب اساساً ترجمه است و مؤلف محترم نتوانسته است در مطالب آن تجدیدنظر نماید. در سال‌های گذشته، از این کتاب برای تدریس روان‌شناسی اجتماعی در مقطع کارشناسی استفاده شده است. متن کتاب نسبتاً ساده و روان است و قواعد زبان فارسی در آن رعایت شده است. مترجم، ترجمه و معادل‌سازی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی را به‌خوبی انجام داده است، گرچه برای برخی واژه‌ها و اصطلاحات برابری فارسی مناسب‌تری وجود دارد. جدول‌ها و نمودارهای مورد استفاده، امروزه چندان کاربردی ندارد و علت اصلی آن، کهنگی کتاب است، که متن اصلی آن دست‌کم به 30 سال قبل برمی‌گردد. چاپ کتاب نیز با حروف نسبتاً درشت انجام شده که این شیوه سبب حجیم شدن نسبی کتاب گردیده است.

کتاب محتوای ضد ارزشی ندارد و در مقابل، از اصطلاحات جدید در قلمرو روان‌شناسی اجتماعی و یافته‌های نوین در این عرصه نیز بهره‌چندانی نبرده است.

به‌رغم تذکر مؤلف در مورد اینکه این کتاب، درسی نیست؛ سال‌های متمادی به دلیل فقر منابع، به‌ویژه در قلمرو روان‌شناسی اجتماعی، از ترجمه این کتاب به عنوان کتاب درسی در دانشگاه‌های ایران استفاده شده است.

بسیاری از داده‌های کتاب قدیمی است و در حال حاضر، کاربردی ندارند. از سوی دیگر، این کتاب فاقد مباحث نوین روان‌شناسی اجتماعی و یافته‌های جدید در این زمینه است.

در نهایت، شایسته آن است که این کتاب به عنوان منبع درسی، مطرح نباشد و مترجم اندیشمند این اثر، با عنایت به سوابق علمی و تجربی ارزشمند خود، کتابی جامع در قلمرو روان‌شناسی اجتماعی براساس فرهنگ و ارزش‌های جامعه اسلامی ایران، تألیف و عرضه کند.

روان‌شناسی رشد (نوجوانی و جوانی)

* مؤلف: دکتر حسن احدی، دکتر نیکچهره محسنی

* ناشر: نشر بنیاد

* سال نشر: 1378

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: هشتم

این کتاب به‌رغم کوشش ارزشمند مؤلفان محترم و چاپ نسبتاً خوبی که دارد، دارای غلط‌های تایپی فراوانی است و از زبانی روان و سلیس برخوردار نیست؛ به گونه‌ای که متن کتاب حداقل 120 غلط تایپی دارد و بسیاری از نام‌های لاتینی بدون زیرنویس آمده است. چکیده مطالب در متن حاضر، بسیار فراتر از عرف و در حدود 39 صفحه است. محتوا و متن کتاب هم نظامی مدون و منطقی و مدون ندارد.

بخش عمده‌ای از کتاب که با عنوان «روان‌شناسی رشد نوجوان و جوان مطرح شده، به مباحث جرم و بزه اختصاص یافته است که با مباحث نظری بلوغ و نوجوانی، همخوانی چندانی ندارد. قدیمی بودن منابع مورد استفاده از اشکالات اساسی این اثر است. به طور میانگین، منابع مورد استفاده مربوط به 35 سال پیش است. داده‌های تجربی کتاب بسیار ضعیف است و به بازنگری اساسی نیاز دارد.

مباحث برخی از فصول به صورت ناقص ارائه گردیده است؛ برای مثال، در فصل هشتم که بحث «اختلالات روانی و از خود بیگانگی» مطرح است، مفهوم از خود بیگانگی تعریف و توصیف نشده است، افزون بر آنکه اختلالات روانی مورد بحث نیز اساساً با اصطلاحات روز همخوانی ندارد.

برخی از مطالب و عبارات کتاب، چندان قابل فهم نیست. برای مثال، در جمله «کودک حساس و هیجان‌پذیر غالباً از طریق استعفا کردن و اسلحه را به زمین نهادن واکنش نشان می‌دهد.» (ص 223)، معلوم نیست که منظور مؤلفان محترم، کدام کودک ایرانی است و این سخن بر چه پایه‌ای استوار است.

در صفحه 71 کتاب می‌خوانیم: «وظایف کودکان نسبت به والدین چنان مهم است که به

گونه‌ای از پرستش اجداد می‌ماند»، که جمله‌ای بسیار ثقیل است و کم معنا! در صفحه 163 می‌خوانیم: «در میان نوجوانانی که با آنان اشتراک فکری و احساسی دارد به راحتی اسلحه را به زمین می‌گذارد و آزادانه خود را بیان می‌کند.» معلوم نیست منظور مؤلفان محترم از این اسلحه‌ها چیست؟

عبارات دیگری نیز در کتاب وجود دارد که نه روان است و نه قابل فهم، مثل: ص ص 23، 27، 67، 111، 152، 156، 245، 248، 262.

در ارائه برخی تعاریف از منابع بسیار قدیمی بهره گرفته شده است که با تعاریف نوین سازگاری ندارد؛ برای مثال، در تعریف «خلاقیات» (ص 29) از روانکاوی فرانسوی در 45 سال پیش نقل قول شده، که با تعاریف جدید «خلاقیات» بسیار متفاوت است. در مورد سن بلوغ، از مطالعات پنجاه سال پیش استفاده شده است که با تعاریف کنونی تفاوت فراوان دارد. در برخی از موارد نیز نسبت به ارزش‌های حاکم بر جامعه اسلامی اندکی کم‌توجهی شده است (ص ص 182، 179، 165 و 111)؛ بعضاً به طور غیرمستقیم، برخی از ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی رد یا مسخره شده است.

در صفحه 111 کتاب، آمده است: «در برخی از کشورها مرگ جوانان کم‌سن در راه وطن مجاز است، اما حق شرکت در انتخابات را ندارند.» چنین اظهارنظری بر مبنای کدام یک از اصول روان‌شناسی رشد ارائه می‌شود!! اگر شهید فهمیده 13 ساله، داوطلبانه به جبهه می‌رود و شهید می‌شود، وی خود، ادعایی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس نداشته است. از بحث مشارکت نوجوانان در دفاع مقدس، آن‌هم به صورت کاملاً داوطلبانه، چرا باید به صورت غیرمستقیم، و بدون زبان منطقی و بیان علمی انتقاد شود.

در پایان، این کتاب به گونه‌ای که هست، از نظر رعایت نکردن اصول علمی، قدیمی بودن منابع مورد استفاده، عدم برخورداری از زبان سلیس و روان، فقدان هماهنگی و انسجام در مباحث مختلف و غلط‌های تایپی فراوان و عبارات نامفهوم، و همچنین تعرض مستقیم و غیرمستقیم به ارزش‌های فرهنگی جامعه اسلامی به‌عنوان کتاب درسی برای دانشجویان توصیه نمی‌شود؛ مگر آنکه مؤلفان محترم به طور جدی و اساسی کتاب را بازنگری نمایند و علاوه بر به‌روز کردن منابع و داده‌ها، ویرایش علمی، ادبی و فرهنگی نیز در آن اعمال کنند.

روان‌شناسی رشد، با نگرش به منابع اسلامی (1 و 2)

* مؤلف: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

* ناشر: سمت

* سال نشر: 1375

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: اول

کتاب، به لحاظ ساختاری، ساده و روان است. قواعد زبان فارسی در آن رعایت شده و از نمودارو عکس هم برای تبیین مباحث، استفاده شده است. با این همه، تصاویری که در متن به کار رفته است، از جمله تصاویر مربوط به پرخاشگری درصص 498، 1031، 1047، مناسب نیست. جا دارد مؤلفان محترم، خود به تهیه این تصویرها اقدام نمایند تا این تصاویر مربوط به فرهنگ بومی و ایرانی باشد.

به لحاظ علمی، محتوای متن جامعیت دارد. تسلسل منطقی مطالب در هر فصل، رعایت شده است. منابع بسیار محدودی در هر فصل استفاده شده و به نظر می‌رسد که از منابع خارجی کمتر بهره برده شده است. در بسیاری از موارد در ذکر دقیق منبع، نقص آشکار به چشم می‌خورد؛ از جمله در صص 51، 52، 413، 1029، 1066 و چندین صفحه دیگر. ارجاعاتی هم که ذکر شده بسیار ناقص است. برای نقل قول‌هایی که ذکر شده است منبعی وجود ندارد. داده‌ها و اطلاعات استفاده شده نسبتاً قدیمی است چرا که مؤلفان محترم عمدتاً از منابع موجود، که بیشتر قدیمی هستند، استفاده کرده‌اند. معادل‌هایی که در کتاب به کار رفته است در بعضی موارد، دقیق نیست؛ برای مثال، به جای واژه‌های «روانی»، «هوشی» و «ذهنی»، از واژه‌های «روحی» و «عقلانی» استفاده شده است. روح با روان فرق دارد و عقل با هوش! به دلیل استفاده از منابع مختلف، بعضاً اصطلاحات به کاررفته به صورت‌های مختلف ترجمه شده است؛ برای نمونه در بسیاری از صفحات کتاب، از «روان‌شناسی رشد» برای اصطلاح Developmental P استفاده شده، ولی در صص 591، به جای روان‌شناسی رشد، «روان‌شناسی تحول» آمده است؛ یا در صص 582 و صفحات دیگر، اصطلاح Schema به صورت «شما» ترجمه شده، مثلاً و در صص 583، برای (Cognitive Schemata)، «شماهای شناختی» آمده است که جای تأمل دارد، چرا

این اصطلاح به صورت «روان بنه» و در ص 637، «طرحواره» ترجمه گردیده است. ذکر عنوان «با نگرش به منابع اسلامی» بر روی جلد، ضرورتی ندارد، به خصوص آنکه کتاب تطبیقی نیست.

این کتاب برای استفاده دانشجویان در درس روان‌شناسی رشد (1) مناسب است، اما برای روان‌شناسی رشد (2) به بازنگری و جامعیت بیشتر نیاز دارد. گروه ارزیابی، پیشنهادهای خود را به شرح زیر اعلام می‌کند: کتاب به ویرایش ادبی، فنی و علمی نیاز دارد، به خصوص در مواردی که جملات بسیار طولانی است.

- ارجاعات متن کامل شود و نقل قول‌ها مستند گردد.

- مطالب غیرضروری حذف و هماهنگی بیشتری بین اصطلاحات تخصصی ایجاد شود.

- عکس‌ها و تصاویر دست اول از جامعه و فرهنگ خودی تهیه شود و از چاپ تصاویری که بارها در کتاب‌های مختلف استفاده شده است و عمدتاً خارجی هستند، پرهیز شود.

- با توجه به حجم زیاد کتاب برای درس روان‌شناسی رشد، پیشنهاد می‌شود: فصل‌های 15 (رشد یادگیری)، 17 (پردازش اطلاعات)، 19 (رشد و سنجش هوش)، 23 (رشد شخصیت) و 26 (آسیب‌شناسی روانی در رشد)، که هر یک درسی مستقل است، از این مجموعه حذف گردد.

- در واژه‌نامه ضمیمه کتاب، برخی از اصطلاحات احتمالاً غلط تایپ شده است، مثلاً برای واژه ambivalence، معادل «دل‌سردی» آمده است. شایسته است، دقتی بیشتر نسبت به این مسئله و مسائل دیگر از این قبیل مبذول گردد.

روان‌شناسی عمومی، ج 1 و 2

* مؤلف: دکتر حمزه گنجی

* ناشر: دانشگاه پیام نور

* سال نشر: 1371

* محل نشر: تهران

* نوبت چاپ: سوم

کتاب دارای متنی ساده و روان است. از نظر به‌کارگیری واژه‌ها، مناسب است، اگرچه در مواردی، خود کلمه انگلیسی یا فرانسوی با املاهای فارسی نوشته شده، مثل «دپرسیون». اثر دارای فهرست مطالب، خلاصه و فهرست مأخذ و منابع است؛ ولی از جدول، نمودار و شکل خیلی کم استفاده شده است، و دارای غلط‌های تایپی نیز هست (سن عقلی به جای M.A یا N.A. تایپ شده است، در ص 111 پاراگراف 3 خط 3؛ «منبع بعدی» به جای «منبع بعدی»، در ص 157 خط 4؛ «رادار» به جای «ادار»، در ج 2 ص 30 خط آخر؛ و...)

استفاده زیاد از ضرب‌المثل، اگرچه به جذابیت کتاب کمک کرده در بعضی موارد کتاب را از شکل علمی آن خارج ساخته است؛ مثل «جا افتادن ترشی» در ص 15 و «مرگ، یک بار و شیون، یک بار» در ص 12. در برخی از موارد هم موضوعاتی متفرقه بیان شده است. که با موضوع روان‌شناسی ارتباطی کمتر دارد، مثل «دفع اسپرم همانند بیرون انداختن آب دهان است» در ج 2 ص 15 پاراگراف 4.

کتاب فاقد مبانی نظری قابل قبول است. منابع عمده کتاب قدیمی و دارای محتوایی سطحی و ابتدایی است. تمام فصول کتاب، جامعیت ندارد. در صفحات 148 تا 150 که بحث «حافظه» مطرح شده، حافظه دراز مدت و کوتاه مدت و ویژگی‌های آنها مطرح نشده است. فصل «آمار و گروه کنترل» شاید ضرورت بحث در حد یک فصل را ندارد، هرچند مؤلف در این زمینه، کتاب‌هایی دیگر هم دارد. در ص 137، به توضیح آزمون «آدمک» پرداخته شده است که نیازی به طرح این آزمون در کتاب روان‌شناسی عمومی نیست و به نظر می‌رسد، برای جذابیت مطرح شده است. به عبارت دیگر، انسجام مطالب و محدوده درس روان‌شناسی عمومی در این کتاب رعایت نشده است.

برخی از مطالب نیز بدون استناد علمی مطرح شده است و حالت محاوره‌ای و داستانی دارد (بحث‌های انگیزش، در ج 2، ص 15-22).

در پایان، این کتاب در حد یک منبع علمی قابل قبول نیست و به تجدیدنظر اساسی در ابعاد علمی و ساختاری نیاز دارد. در هر حال، تا انجام ویرایش اساسی و بنیادی، شایسته است کتابی

دیگر که قوت علمی دارد، جایگزین گردد.

ج. گزارشی از پیش‌همایش دوم گروه روان‌شناسی

**پیش‌همایش دوم گروه روان‌شناسی و تبیین اهداف
کنگره ملی علوم انسانی
تهران آبان ماه 1385**

دومین پیش‌همایش گروه روان‌شناسی در جهت تبیین اهداف کنگره ملی علوم انسانی در تاریخ 10 و 11 آبان ماه 1385، در سالن کوثر دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران برگزار گردید. این همایش به همت گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی و مشارکت انجمن روان‌شناسی ایران، و سازمان نظام روان‌شناسی به تبیین اهداف کنگره ملی علوم انسانی و نقش روان‌شناسی در این‌باره پرداخت. در این همایش، اساتید روان‌شناسی دانشگاه‌های ایران، آقایان دکتر غلامعلی افروز و دکتر کمال خرازی، پیرامون ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی‌سازی روان‌شناسی در ایران به بحث و گفت‌وگو پرداختند. استادانی از دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی و سایر دانشگاه‌های کشور نیز در آن حضور داشتند.

دکتر غلامعلی افروز، رئیس دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و رئیس گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، پیرامون نقد متون درسی و کمک‌درسی دانشگاه‌ها در ده سال گذشته، نحوه شکل‌گیری سازمان نظام روان‌شناسی و نیز دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و نقش استاد گرامی دکتر علی‌محمد کاردان در تأسیس این دانشکده و همچنین ضرورت تولید متون جدید با توجه به یافته‌های بومی روان‌شناسی و در نهایت، اهمیت روان‌شناسی در بهداشت روانی و سلامت و امنیت اجتماعی مباحثی را مطرح کردند.

راهکارهایی برای پویایی، تولید و تألیف متون جدید و تربیت و تأمین نیروی انسانی در قلمرو روان‌شناسی و مشاوره

سخنرانی دکتر افروز

مقدم همه عزیزان را به دومین نشست علمی گستره روان‌شناسی در ایران گرامی می‌داریم. به‌ویژه از استاد معظم، جناب آقای دکتر کاردان سپاسگزاریم که به رغم کسالتی که داشتند، دعوت ما را لبیک گفتند. همچنین از اساتید محترمی که از دانشگاه‌های مختلف به‌خصوص دانشگاه الزهرا، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تشریف آوردند ممنون و متشکر هستیم.

در شورای بررسی متون، کتاب‌ها مطابق یک معیار دقیق ارزیابی شده و در اغلب موارد، اساتیدی که نتیجه ارزیابی را ملاحظه کردند، تشکر کردند و تجدیدنظر خودشان را ضروری دانستند. ارزیابی‌ها را اساتید دانشگاه‌های مختلف کشور انجام دادند. بیش از هفتاد نفر استاد در حوزه روان‌شناسی کشور داورهای ما بودند و به همین جهت، گاهی یک کتاب را بیش از دو نفر ارزیابی کردند، بعضاً سه یا چهار نفر ارزیابی کردند و نتیجه حاصل زیر چاپ است، که جناب آقای دکتر ارجمندنیا توضیح خواهند داد.

سازمان نظام روان‌شناسی که، به لطف خدا سال سوم آن را پشت سر می‌گذاریم و بنده مسئول آن هستم، به همت اعضای شورا جناب آقای دکتر فتحی، جناب آقای دکتر مرادی و دکتر هاشمیان و سرکار خانم دکتر سیف که حضور دارند و دوستان دیگر که عضو شورا هستند، به‌وجود آمده و همه به‌طور افتخاری در این 3 سال زحمت کشیدند و این کار افتخاری ایشان

برکت بیشتر پیدا کرد و حدود دویست نفر از نظام روان‌شناسی پروانه گرفتند. امروزه تنها نهاد علمی و حرفه‌ای کشور و مطابق قانون که پروانه ارائه خدمت روان‌شناسی و مشاوره ارائه می‌کند، همین سازمان است. هیچ سازمان و نهاد دیگری مجاز به این کار نیست. مطابق قانون هر کاری که دیگران در این باره انجام بدهند مداخله و خلاف قانون است و پیگرد قانونی دارد. به همین جهت، به لطف خدا، کمیسیون‌های مختلفی که در سازمان نظام روان‌شناسی وجود دارد، فعالیت‌های علمی را شروع کردند و الحمدالله کار به نحو مطلوبی پیش می‌رود. این نشست با کمک دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی برگزار می‌شود. رئیس اصلی این دانشکده و بنیانگذار اصلی این دانشکده جناب آقای دکتر کاردان بودند. در دوره دومی که بنده مسئولیت دانشکده علوم تربیتی را داشتم، با مشورت حضرت ایشان و دوستان دیگر، می‌دیدیم که همه تلاش ایشان این بود که گروه روان‌شناسی از دانشکده ادبیات به دانشکده روان‌شناسی انتقال یابد و دانشکده جدید روان‌شناسی و علوم تربیتی احیا شد. به نظر بنده، باید دانشکده‌های ما در جهت تخصصی شدن و دانش‌افزایی تخصصی پیش بروند. رشته‌های ما در اغلب موارد، حدود 80 درصد از ظرفیت رشته‌های کارشناسی و دکترای ما در روان‌شناسی و علوم تربیتی در جهت دانش‌افزایی تخصصی صاحبان حرف و مشاغل آموزشی، تربیتی و فرهنگی باید باشد و این کار بسیار مهمی است. امروزه ما نیاز داریم دانشگاه‌های ما از رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی و به خصوص مشاورین پویا و غنی برخوردار باشند و از این‌رو، به بازنگری سلامت و غنای رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی نیاز داریم، کتاب‌های جدید مبتنی بر یافته‌های بومی تولید و ارائه شود. این ضعف بزرگ کشور ما است و بنده خودم را هم مسئول می‌دانم. ما نیاز داریم در کمیته‌های دو نفره، سه نفره و لو یک‌نفره به تولید و تألیف کتاب‌های جدید و نوین، که مبتنی بر پروژه‌های علمی و آمارهای بومی برای روان‌شناسی باشد، اقدام کنیم. وقتی می‌بینیم ده‌ها دانشگاه در امریکا و اروپا روان‌شناسی مذهبی دارند و روان‌شناسی فرهنگی را شروع کرده‌اند، ما نباید صبر کنیم و مترجم یافته‌های آنها باشیم. وقتی برخی از روان‌شناسان دنیا، کتاب‌هایی راجع به عقل می‌نویسند نه هوش، ما نباید صبر کنیم و فقط آنها را ترجمه کنیم. به همین جهت، نیاز به یک تحول اساسی و پویایی در منابع علمی و غنی و جدید روان‌شناسی مشاوره در کشور داریم. جناب آقای دکتر گلشنی در شورای بررسی متون، ده سال است که زحمت می‌کشند و با این که ایشان استاد فیزیک هستند، اما بیش از بسیاری از انسان‌هایی که استاد علوم انسانی هستند، دلسوز علوم انسانی‌اند. ایشان خودشان را وقف این حوزه کردند. به همین جهت، زمینه‌ای

در پژوهشگاه برای تولید منابع جدید پیش آمد. ضمن اینکه سایر مؤسسات دولتی، مثل سمت و دانشگاه تهران می‌توانند این کار را انجام دهند، اما در هر حال، پژوهشگاه بودجه‌ای را برای همین کار فراهم کرده است؛ زمینه‌ای که استادان محترم در هر وضعیتی که هستند بتوانند منابع جدیدی را تولید و عرضه کنند.

سومین نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم، این است که امروز نیاز داریم که روان‌شناسان و مشاوران حاذق و متعهد و مجرب برای کشورمان تربیت کنیم. در این سه محور، ما دارای ضعف‌ها و کاستی‌های فراوان هستیم: یکی عدم پویایی رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره در حوزه‌های مختلف و در دانشگاه‌های مختلف است که نیاز به تجدیدنظر اساسی دارد؛ دوم، تولید و تألیف کتاب‌های جدید علمی؛ و سوم، تربیت و تأمین نیروی انسانی در قلمرو روان‌شناسی و مشاوره است که حداقل با درجه کارشناسی ارشد و گذراندن بیش از 100 ساعت کار علمی و حرفه‌ای بتوانند پروانه اشتغال به حرفه روان‌شناسی و مشاوره را دریافت کنند. در هر سه زمینه باید تلاش کنیم.

بخشی از مباحث امروز، به هر سه زمینه‌ای که عرض می‌کنم ارتباط خواهد داشت. در این چند روز گذشته، برای اینکه نگاهی کلی به روان‌شناسی در جهان داشته باشیم، یک مطالبی را دوستان به من کمک کردند. سال‌های پیش، من این منابع را استخراج کرده بودم که یک‌بار دیگر بازنگری کردم. ظرف چند روز گذشته، اطلاعات تازه‌ای بر اساس آمار به دست آوردم که توضیح می‌دهم:

پدیده شهرنشینی و گسترش نیازهای روانی شهرنشینی پیامدهای قهری فوق‌العاده‌ای را دارد. استرس‌های شغلی، دغدغه‌های تأمین مسکن و معاش، بهره‌وری مطلوب از نظام تعلیم و تربیت، خدمات بهداشتی و درمانی، همگام شدن با سیطره فناوری نوین، مقابله با حمل و نقل درون‌شهری، مصون بودن از رانندگی‌های پرخاشگرانه و تهاجمی، همه اینها نیاز انسان به خدمات روانی است.

جمعیت شهرنشین جهان در سال 1804م، یک میلیارد نفر بود. در حدود 180 سال بعد، جمعیت شهرنشین جهان در سال 1985 دو میلیارد نفر بود و در سال 2003، سه میلیارد نفر جمعیت شهرنشین داشتیم. مطابق آمار جمعیتی کشور در سال 1382، با مهاجرت‌های خواسته و ناخواسته و با فزونی فوق‌العاده جمعیت شهرنشین نسبت به روستائین‌ها، 70 درصد جمعیت ایران شهرنشین بودند و 30 درصد جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن بودند. این آمار بیانگر

این حقیقت است که جمعیت شهرنشین ایران از میانگین جهانی شهرنشینی، یعنی 47 درصد، به طور چشمگیری بیشتر است و بالطبع نیاز به خدمات روانی، بیش از میانگین جهانی است و اینکه خدمات بهداشتی و روانی یک ضرورت اولیه شهرنشینی است.

بر اساس گزارش بهداشت جهانی، میانگین تعداد روان‌شناس به ازای هر 100 هزار نفر جمعیت در سال 2002 م، در کشورهای مختلف 14 نفر بوده است. این رقم در چند کشور به این شرح است: در سال 2002، کانادا برای هر 100000 نفر جمعیت، 42 نفر روان‌شناس دارد؛ امریکا برای هر 100000 نفر جمعیت، 28 نفر روان‌شناس دارد - یادمان باشد این 28 نفر روان‌شناس امریکا در کنار مشاوران خانواده است؛ در فرانسه برای هر 100000 نفر، 27 نفر روان‌شناس کار می‌کند؛ در ایران برای هر 100000 نفر، 4 نفر روان‌شناس داریم و در چین برای هر 100000 نفر، نصف آدم روان‌شناس دارند.

تعداد روان‌شناسان ایران به ازای هر 100000 نفر، به طور فوق‌العاده‌ای از میانگین جهانی کمتر می‌باشد. بنابراین، در حال حاضر، در کانادا یک روان‌شناس برای هر 2300 نفر فعال است، در امریکا یک روان‌شناس برای هر 3570 نفر، در فرانسه یک روان‌شناس برای هر 3700 نفر و در ایران برای هر 25000 نفر و در چین یک روان‌شناس برای هر 200000 نفر فعال است. از روان‌شناسان واجد شرایط در کشورهای امریکا، کانادا و فرانسه، 58 درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس هستند و 42 درصد مدرک دکتری دارند. در جمهوری اسلامی ایران روان‌شناسان عضو سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران 85 درصد فوق‌لیسانس و 15 درصد دارای دکتری هستند و خیلی از دارندگان مدرک دکتری هنوز تقاضای پروانه ننموده‌اند. نیاز به روان‌شناسان مجرب، به‌ویژه با درجه دکتری، در کشورهای مختلف از جمله ایران اسلامی فوق‌العاده زیاد است. این رقم 86/14 درصد است، که ما 15 درصد فقط دکتری داریم و اگر بخواهیم خدمات روان‌شناسی بهتری ارائه بدهیم نیاز به تقویت دوره‌های کارشناسی ارشد و به خصوص دکتری داریم. اگر در ایران اسلامی، برای هر 1000 خانواده با جمعیت متوسط 4/2 نفر یک روان‌شناس حاذق بخواهیم داشته باشیم - یعنی برای هر 4200 نفر یک روان‌شناس نیاز داریم - امروزه به 17000 روان‌شناس مجرب با مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد و دکتری نیاز داریم. نتیجتاً باید توجه داشت، در جهان امروز و فردای نزدیک، که نگرش‌های مردمی گستره جهان نسبت به خدمات روان‌شناسی در جهت مثبت در حال تغییر است؛ این

نگرش در بعضی از کشورها، مثل بنگلادش، هند، چین، فوق‌العاده چشمگیر بوده است و مردم باور دارند که نیاز دارند برای مشاوره‌های روان‌شناختی به روان‌شناس و مشاوره مراجعه کنند. ضرورت شهرنشینی این است که به مشاوره‌های روان‌شناسی مراجعه کنند، مردم به خدمات روان‌شناختی نیاز بیشتری دارند، دانش آموزان مدارس نیاز بیشتری به روان‌شناسان مدرسه دارند و نهایتاً، برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های معتبر جهان، در حوزه روان‌شناسی حداکثر هر 5 سال، در جهت مطلوب و در پاسخ به نیازهای روزافزون خانواده‌ها و کودکان در حال تغییر است. و این یکی از اصالت‌های نظام روان‌شناسی است که برای ارتقای دانش روان‌شناسی، از تمام دانشگاه‌های کشور بخواهد که بازنگری جدی در برنامه‌های روان‌شناسی خودشان داشته باشند. اسامی بعضی از گروه‌های روان‌شناسی باید تغییر پیدا کند و متناسب شود و محتوا باید به روز شود. ضرورت بازنگری برنامه‌های روان‌شناسی دانشگاه‌های کشور، ارزیابی کتب و منابع موجود، تولید و تألیف کتاب‌های جدید و کاربردی در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف روان‌شناسی در ایران اسلامی فوق‌العاده مهم و ضروری است.

بایسته‌های رشد آموزش روان‌شناسی اجتماعی در ایران معاصر

سخنرانی دکتر علیمحمد کاردان

در دومین همایش گروه روان‌شناسی شورای

بررسی متون و کتب علوم انسانی

برای بنده افتخار است که بار دیگر به جمع عزیز دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، برای یک کار کوچک برمی‌گردم؛ هرچند هیچ‌گاه خودم را از این جمع جدا نمی‌دانم. اما موضوع سخنرانی با توجه به برنامه وسیعی است که گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پیش‌بینی فرمودند و بنده فکر می‌کنم جزئی از این راه، که بنده با آن آشنایی دارم، در میان بگذارم و ادعا هم ندارم که این چند دقیقه‌ای که در حضورتان هستم کلیه حقایق مربوط به این رشته را بتوانم عرض کنم و یک نکته باید عرض کنم که جناب آقای دکتر افروز از جمله کسانی هستند که حق‌شناس بوده و هستند.

یک خلاصه‌ای در مورد وضع روان‌شناسی اجتماعی و مختصر ترسیمی از آینده، که من سال‌ها تدریس کرده‌ام به‌اجبار، و یک بازاندیشی انجام دهم و اگر قرار بود که روان‌شناسی اجتماعی بتواند برای این جامعه سودمندتر باشد و آموزش هم آموزش علمی‌تر و به‌روزتر و هماهنگ با پیشرفت روان‌شناسی در جهان باشد، چه باید کرد؟

باید تشکر کرد از پژوهشگاه علوم انسانی و گروه‌های شورای بررسی متون که به فکر

بررسی وضع علم در مملکت هستند؛ به‌خصوص که علوم انسانی هم چندان مورد اعتنا نیست، یعنی جهان انسان به طرف علوم مادی، علوم تجربی یا علم دقیق توجه دارند و باید شناساند این علم را، برای بررسی آینده. چنان‌که خود بزرگواران و حضار محترم می‌دانند و به اعتقاد بنده، باید هم وضع گذشته و هم وضع فعلی را مطالعه کرد و با یک جهان‌بینی و به کار انداختن علمی، آینده را کمابیش پیش‌بینی کرد. در این زمینه، می‌توان با قاطعیت گفت که چنین شده است. روان‌شناسی اجتماعی در عالم امروزی، تقریباً صد سال از عمرش می‌گذرد؛ یعنی به طوری که مورخان امریکایی بیان می‌کنند، اگر از 1908 که اولین کتاب‌ها با این عنوان در دنیا ارائه شده است شروع کنید، تقریباً حدود صد سال است. ولی در ایران، عمر روان‌شناسی اجتماعی کمتر از پنجاه سال است و روان‌شناسی اجتماعی اولین و نخستین بار در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - که در سال 1337 دایر شد - و در دوره فوق‌لیسانس علوم اجتماعی به‌عنوان یک درس منظور شد. و چون کسی نبود و بنده هم در ژنو درس می‌خواندم و از محضر استاد فقید پی‌اژه استفاده می‌کردم، می‌دیدم که یکی از کلماتی که همیشه در بیان این استاد وجود داشت operation و corporation بود؛ یعنی هوش مبتنی است بر اعمال (operation) و رشد اینها به corporation بستگی دارد و اصولاً عالم اجتماعی را مؤثر در رشد هوش می‌دانست. ما در دوره اول، در ایران، روان‌شناسی اجتماعی را جزء برنامه‌های علوم اجتماعی می‌دیدیم و رشد هم کرد.

روان‌شناسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی

دوره دوم، دوره‌ای است که از انقلاب اسلامی شروع شد. در این دوره همه رشته‌های علوم انسانی رشد کرده و روان‌شناسی که تا سال 1350، فقط یک دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد داشت، رفته‌رفته به رشته‌های دیگر هم سرایت کرد. مثلاً علوم سیاسی و علوم اداری این درس را دایر کردند و علوم اجتماعی و علوم تربیتی هم کم‌کم در شهرهای دیگر تأسیس شد. می‌توان گفت که دور دوم، دوره گسترش روان‌شناسی اجتماعی بود. منتها چه در دوره اول و چه در دوره دوم، مسئله آموزش بر پژوهش غلبه داشت. به دلیل اینکه غالب نویسندگان آن از جامعه‌شناسی به روان‌شناسی آمده بودند. در آن دوره، ظرف پنج سال یا به تعبیری هفت سال، هر سال یک کتاب روز آن زمان ترجمه شد و این دوره

ترجمه واجب بود و آن عده‌ای که آن دوره را نمی‌شناختند می‌گویند، اقتباس است و تولید علم نیست. این عده فراموش می‌کنند وقتی جامعه‌ای مدتی نسبت به علمی بی‌اعتنا است و در خواب است، وقتی بیدار می‌شود و می‌بیند در دنیا کارهای جدیدی صورت گرفته است، چاره‌ای جز اقتباس ندارد. کافی است ما خودمان قرن‌های دوم و سوم اسلامی را به یاد بیاوریم که مسلمانان با فلسفه یونان مواجه شدند، احتیاج پیدا شد به اینکه فرهنگ‌های دیگر و فلسفه‌های دیگر را بشناسند و برای این کار، ترجمه کردند. فکر نکنید ترجمه در علوم انسانی کار ساده‌ای است. در علوم سیاسی و فلسفی شاید کار ساده‌ای باشد، ولی در علوم انسانی که با امور انتزاعی و مجردات و لااقل با کلیات سروکار دارد، هر کلمه‌ای را که به فارسی ترجمه کنیم آثار خود را خواهد داشت. متأسفانه اخیراً ترجمه‌ها نشان می‌دهد که گرفتار چنین وضعی است و یکی از خدماتی که همین گروه شورای بررسی متون و تحقیقاتی که آنها انجام می‌دهند، همین است که نشان می‌دهد ما روان‌شناسی اجتماعی را درست بیان نمی‌کنیم، اصطلاحاتی به کار می‌بریم که با تعریف و توصیف این اصطلاح مغایرت دارد. ما مسائل بومی خودمان را نمی‌شناسیم. دو سه روز پیش، سخنرانی در انجمن روان‌شناسی اجتماعی بود که به نکته مهمی اشاره کردند که ما در طرح‌های اقتصادی و به طور کلی، پروژه‌های توسعه که در مملکت غالباً داریم و چشم اندازه‌های آینده‌ای که ترسیم می‌کنیم، یک بعدی که همیشه فراموش می‌شود بعد انسانی، یعنی بعد روان‌شناسی به طور اخص، قانون وضع می‌کنیم ولی افرادی را برای این کار آماده نمی‌کنیم، یعنی سعی نمی‌کنیم، نگرش‌ها را اصلاح کنیم.

دوره دوم، دوره گسترش روان‌شناسی اجتماعی از نظر آموزش است. ترجمه‌ها، چنانکه همین نشریه گروه شورای بررسی متون نشان می‌دهد، همچنان ادامه دارد. کارهای بکر بومی هنوز انجام نگرفته است، چون پژوهش آن طور که باید و شاید نیست و عموماً با آموزش مواجه هستیم، که غالباً از استاد به شاگرد است. دوره دوم بیشتر تسلط بینش یا مکاتب و رویکردهای رایج در غرب به خصوص در امریکا است. اگر در دوره اول، اروپا روان‌شناسی را در ایران اشاعه می‌داد، در دوره دوم، کتاب‌ها امریکایی است و کشورهایی که دارای چنین گرایشی هستند، در جهان کنونی هم ما دو نوع روان‌شناسی داریم؛ روان‌شناسی با گرایش جامعه‌شناسی و

روان‌شناسی با گرایش روان‌شناسی. امریکا بیشتر رفتارگرا و فردگرا بوده و روان‌شناسی اجتماعی را تعریف می‌کند به تأثیر گروه در فرد. غرض از روان‌شناسی اجتماعی هم در واقع، فردی است که در اجتماع زندگی می‌کند. در حالی که در روان‌شناسی سنتی اروپایی، بیشتر بحث روی آن نوع روان‌شناسی است که به آن روان‌شناسی جمعی گفته می‌شود و در حال حاضر، به علت اینکه روان‌شناسی گاهی به وسیله روان‌شناسان و گاهی جامعه‌شناسان تدریس می‌شود، یعنی میان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی این علم گیر کرده است. کتاب‌ها را هم اگر نگاه کنید، کتاب‌هایی را که اروپا رفته‌ها ترجمه کرده‌اند می‌توان گفت، تقریباً جامعه‌شناسی روانی است و آنهایی که در امریکا تحصیل کرده‌اند، روان‌شناسی اجتماعی به معنای فردی کلمه است. اما حقیقت این است که روان‌شناسی اجتماعی یک علم تعاملی است و این تعامل بین فرد و فرد، فرد و گروه، بین گروه و خلاصه صورت‌های مختلف است.

تأثیر روان‌شناسی در ایران در گرو همسازی آموزش با نیازهای اجتماعی

نتیجه‌ای که از این بحث گرفته می‌شود این است که در دوره دوم، همراه با گسترش روان‌شناسی اجتماعی، تحولات مختلفی باید انجام بگیرد. از جمله، توجه به پژوهش به حد کافی نشده است و می‌توان گفت، پیشرفتی که در این دوره حاصل شده، تأسیس انجمن روان‌شناسی اجتماعی است. اگر قرار باشد این علوم را مانند روان‌شناسی اجتماعی بهبود ببخشیم، راه حل این است که استادان روان‌شناسی اجتماعی دور هم جمع شوند و وضع مملکت را از نظر نیاز به حل مسائل اجتماعی و روانی با هم در میان بگذارند و سعی کنند روان‌شناسی اجتماعی را از سویی، با نیازهای اجتماع همسو کنند و از طرف دیگر، کاری کنند که از قافله علمی جهان عقب نمانند؛ یعنی هم به جهان توجه داشته باشند و هم ایران و مسائل ملی بین المللی را بتوانند در این بین بشناسند و دریابند و حل کنند.

ضمناً در ایجاد اصطلاحات روان‌شناسی اجتماعی، خدماتی شده است. مثلاً خود همین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فرهنگی را منتشر کرده است به نام **فرهنگ روان‌شناسی اجتماعی** و سعی کرده این اصطلاحات را منظم و جمع کند و همچنین فرهنگ‌های دیگری ایجاد شده که غالباً به روان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان یک علم وابسته توجه کرده‌اند. بنابراین، راه معادل‌یابی ادامه پیدا کرده و بهتر شده است. در آینده باید انجمن

روان‌شناسی اجتماعی با کمک فرهنگستان زبان و ادب فارسی این راه را ادامه دهد. آینده چگونه خواهد بود؟ آینده به عقیده بنده، آینده درخشانی است؛ برای اینکه بیش از پیش جامعه متوجه اهمیت روان‌شناسی شده است. متوجه شده‌اند که انسان را به‌عنوان فرد نمی‌توان از جامعه جدا کرد و در تبیین جامعه انسانی، باید جنبه‌های گروهی و اجتماعی را شناخت. پس در واقع، هر روان‌شناسی به اعتباری اجتماعی است؛ زیرا فرد از جامعه جدا نیست، در جامعه به دنیا می‌آیند و تحت تأثیر جامعه بوده و خواهند بود. بنابراین، امید می‌رود که روان‌شناسی اجتماعی در دنیا و در ایران، در آینده بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. کم‌کم این علم، که گفتیم گیر کرده بین دو علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده به‌عنوان یک رشته مستقلی درآید و در یک درجه‌ای یا دوره‌ای لاقلاً دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه‌ها تدریس شود که البته شرایطی دارد.

سوم اینکه، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، همین طور که در حال حاضر اقبال می‌کنند به روان‌شناسی، کم‌کم به تعدادشان افزوده می‌شود. یک خاصیت دیگری هم که در حال حاضر دیده می‌شود این است که روان‌شناسی اجتماعی کم‌کم ارتباطش را با علوم دیگر محکم می‌کند؛ یعنی تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی فقط منحصر به این علم نیست و این علم با علوم نزدیک مثل قوم‌شناسی، انسان‌شناسی، جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی شهری و روستایی داد و ستد دارد. این داد و ستد در ایران بسیار ضعیف است، چون ما در ایران اغلب تکرو هستیم. حتی کتاب‌های یکدیگر را نمی‌خوانیم. در آینده، باید این رشته‌ها به هم نزدیک شود و همکاری بیشتری به‌خصوص در پژوهش داشته باشیم. پژوهش‌های فردی کارساز نیست و باید به پژوهش گروهی و بر اساس همکاری و مشارکت پرداخت. آینده‌ای که بنده در نظر می‌گیرم، مستلزم این است که اولاً، روان‌شناسان اجتماعی اعتقاد و ایمان به رشته خود را محکم کنند؛ دوم اینکه، کمک کنند که در آموزش و پرورش بیشتر روش فعال و حل مسئله را به کار ببرند و در انتقال اطلاعات، هم به اطلاعات غربی اکتفا نکنند؛ سوم اینکه، مسائل بومی را بشناسیم و تحقیقات را بر اساس این موضوعات هدایت کنیم و ان‌شاءالله در آینده، روان‌شناسی اجتماعی خوبی به وجود بیاید و دانشجویان و مردم احساس کنند که این رشته، رشته بسیار مهمی است و اقبال استادان و معلمان به آن، روزبه‌روز بیشتر شود.

تأثیر علوم روان‌شناختی بر روان‌شناسی معاصر

دکتر کمال خرازی

با کسب اجازه از اساتید محترم به‌خصوص جناب آقای دکتر کاردان، موضوع سخنرانی بنده تأثیر علوم روان‌شناختی بر روان‌شناسی معاصر است.

علوم شناختی، عنوان یکی از دانش‌های نو در کنار رشته‌هایی مثل nano technology، information technology، bio technology است که مجموعاً به طور مخفف به آنها nbic گفته می‌شود. این علوم به طور سریع در حال رشد است و امید می‌رود که با همکاری این سه رشته، بتوان یک تحول عظیم را در زندگی بشر ایجاد کرد. این رشته نو متشکل از علم اعصاب، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، هوش مصنوعی و فلسفه ذهن است و طبیعتاً تأثیر چشمگیری در روان‌شناسی به جای گذاشته و آن را متحول کرده است. امروزه رویکرد روان‌شناسی شناختی متأثر از علم شناخت، در اغلب دانشگاه‌ها و مراکز علمی و کتاب‌های درسی حاکم شده است و با تکیه بر تجربه، روان‌شناسی شناختی توانسته رازهای بسیاری را از مغز و ذهن انسان بگشاید و کارکردهای این رشته توانسته اطلاعات ذی‌قیمتی را در مورد رفتار آدمی و ریشه‌های آن به دست بیاورد که می‌تواند به استفاده بهینه از مغز و طراحی الگوهای مصنوعی از مغز منجر شود. به این ترتیب، دانشمندان علوم شناختی، در این جهت حرکت می‌کنند که مغز را یک جعبه سیاه تلقی نکنند، بلکه دسترسی به درون آن داشته باشند و بتوانند در مغز انسان مداخله کنند. این مداخله به صورت مختلفی می‌تواند انجام گیرد. من در اینجا سعی

می‌کنم به برخی از مداخلاتی که امروزه انجام می‌گیرد اشاره کنم و تأثیر آن را بر روان‌شناسی روان‌شناختی ذکر کنم. بعد هم می‌پردازم به اینکه ضرورت دارد که از نظر کتب درسی و منابع علمی، پایه‌پای کشورهای پیشرفته جهان، بتوانیم منابع لازم را برای دانشجویان عزیزمان تهیه کنیم، به طوری که با تحولاتی که در زمینه روان‌شناسی انجام می‌گیرد، دانشجویان هم در ایران آشنا شوند. همچنین در سیستم آموزشی کشور باید تحولی به وجود بیاید تا بتواند پایه‌پای کشورهای پیشرفته جهان این مسئولیت را انجام بدهد. اول، مداخله آموزشی در مغز است. روان‌شناسی در آموزش و پرورش تأثیرات عمیقی را بر جای گذاشته است و طبیعتاً یکی از زمینه‌های اصلی استفاده بهینه از مغز در آموزش و پرورش است.

این سؤال همیشه برای بشر مطرح بوده است که چگونه می‌تواند از مغز خود بهتر استفاده کند. امروزه به دلیل پیشرفت علوم شناختی، اطلاعات ما درباره ادراکات، زبان، یادگیری، توجه، حافظه، خلاقیت، حل مسئله، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیش از گذشته است و ما می‌توانیم با توجه با این اطلاعات، روش‌های بهتری را در آموزش و پرورش برای استفاده از مغز و برای تسهیل رشد کودکان و نوجوانان فراهم کنیم و با حداقل انرژی، بهره بیشتری را از این نعمت خدادادی ببریم.

رویکرد شناختی در آموزش و پرورش، شیوه سنتی را تغییر داده و به سرعت حاکمیت خود را در نظام آموزشی تثبیت می‌نماید. به طوری که در کشورهای پیشرفته، مدارس تحت عنوان مدارس شناختی تأسیس شده و در جمهوری اسلامی هم اولین مدرسه شناختی تأسیس شده است و از سال جاری، در سطح پیش‌دبستانی شروع به فعالیت کرده که امیدواریم بتواند یک الگویی را در این‌باره در اختیار آموزش و پرورش بگذارد و موجبات تحول را در آموزش و پرورش فراهم کند.

دوم، مداخله تغییر ذهن است. طبیعتاً تغییر ذهن یک مقوله مهمی است که چه ما، به‌عنوان انسان‌های عادی و به‌عنوان سرپرست خانواده یا همسر یا فرزند، همواره در جهت تغییر ذهن یکدیگر تلاش می‌کنیم و چه مصلحان اجتماعی، رسانه‌های گروهی، روحانیون و کسانی که مسئولیت دارند، برای هویت یک جامعه دائماً در جهت تغییر ذهن تلاش می‌کنند. بنابراین، سؤال این است که ما چگونه می‌توانیم ذهن دیگران را و حتی ذهن خودمان را تغییر دهیم و چه سازوکارهایی بر ذهن ما حاکم است که می‌تواند به این مقوله کمک کند. این یک

سؤال شناختی است و دانشمندان علوم شناختی تلاش کرده‌اند که به این سؤال با توجه به یافته‌های علوم شناختی پاسخ دهند. علوم شناختی با تسلطی که اینک بر سازمان‌های مغز برای یادگیری، حافظه، تفکر، بازنگری و خلاصه شکل‌گیری ذهن افراد دارد، بهتر می‌تواند راهکارهایی را برای تأثیرگذاری بر ذهن دیگران و تغییر، اصلاح یا تقویت آن پیشنهاد کند. رسانه‌های گروهی به‌خصوص با استفاده از این روش‌ها بهتر می‌توانند در فرهنگ‌سازی و هدایت افکار عمومی ایفای نقش کنند. البته بدون تردید در اینجا یک مسئله اخلاقی مطرح می‌شود که ما چه قدر حق داریم ذهن دیگران را تغییر دهیم و چه قدر ممکن است از این فنون و تکنیک‌هایی که علوم شناختی معمولاً در اختیار ما می‌گذارند، در تغییر ذهن دیگران سوءاستفاده شود. آیا این منجر به شستشوی مغزی خواهد شد یا نه؟ اینها طبعاً سؤالات فلسفی و اخلاقی است که باید به آن رسیدگی کرد و طبیعی است که هر علمی می‌تواند مورد سوءاستفاده یا حسن‌استفاده قرار بگیرد.

سوم، مداخله تشخیص و درمان است. با استفاده از یافته‌های علوم شناختی می‌توان زمینه بالقوه اختلالات، مانند خوانش‌پریشی و درخودماندگی در کودکان را از تغییر تصویربرداری عصبی پیش‌بینی کرد و با انجام به‌موقع مداخله عصب‌شناختی و تصویربرداری مجدد از آن، از ترمیم آن مطمئن گردیم. این گونه مداخلات عصب‌شناختی راه را برای بسیاری از معالجات و راه را برای جلوگیری از کاستی‌های عصبی باز می‌کند و پیشرفت جدیدی را در علم اعصاب پدید خواهد آورد. از جمله این مداخلات، دستکاری ژنتیک و کاشت سلولی است.

اینک به منظور تقویت عصبی و رفع کاستی‌ها و فساد عصبی، بشر در حال تجربه و دستکاری ژنتیک سلول‌های عصبی و کاشت آن و سلول‌درمانی یا پیوند عصبی است. یکی از دانشمندان علم اعصاب می‌گوید، بیست سال پیش، معقول به نظر نمی‌رسید که دانشمندان علم اعصاب حتی پیشنهادهایی را بر روی نمایه‌های مغزی راستی در برابر دروغ، حافظه قابل‌ارزیابی در برابر حافظه کاذب، احتمال ارتکاب به جنایات خشونت‌بار در آینده، سبک‌های استدلال اخلاقی، نسبت همکاری و حتی محتوای خاص آگاهی داشته باشد. امروز نیز معلوم نیست برای بیست یا پنجاه سال بعد، ما چه در اختیار خواهیم داشت. آنچه قطعی است این است که شروع مداخله عصبی در مورد حیوانات در جریان است و تا به حال، نتایج چشمگیری را هم به دست آورده است. مثلاً محققان مؤسسه سالک در دانشکده کالیفرنیا، موفق شده‌اند که از دست دادن حافظه را با

جلوگیری از تولید نوعی پروتئین در ایجاد پلاک‌های مغزی مؤثر کنترل کنند. یا در کشور خودمان هم، همراه با کشورهای پیشرفته، کشت و کاشت سلول‌های عصبی و ترمیم سلول‌های فاسدشده از طریق سلول‌درمانی، در سطح آزمایشگاهی آغاز شده و اما هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های علم شناختی، با پیشرفت‌هایی که در زمینه هوش مصنوعی و تولید سامانه‌های هوشمند به دست آمده است، می‌توان بین شناخت طبیعی و شناخت مصنوعی پیوند برقرار کرد. وسایل ارتباطی و واسطه‌هایی که امروز برای جبران کاستی‌های شناختی تحت بررسی است، این امید را زنده ساخته است که بتوان در آینده، بخشی از این کاستی‌ها را تأمین کرد، از جمله استفاده از رایانه‌هایی است که امواج مغزی معلول را به کلام تبدیل می‌کند. تولید دست و پای مصنوعی نیز دستاورد دیگری از دانشمندان علوم شناختی است که با اتصال به سلسله اعصاب فرد، می‌تواند فقدان عضو او را جبران کند.

برخی از دانشمندان علوم شناختی پیش‌بینی می‌کنند که با کمک دانشمندان هوش مصنوعی بتوانند رایانه‌هایی بسازند که بتوانند ایده‌ها را درک کنند و به پردازش معنایی بپردازند، رایانه‌هایی که هوش‌های چندگانه را تشخیص دهند و به ضعف فرد در یک هوش خاص کمک کنند، رایانه‌هایی که بتوانند به معنای واقعی کلمه، با انسان مکالمه کنند و درک متقابل داشته باشند. با این گونه مداخلات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری می‌توان آینده جالبی را تصور کرد. دنیای آینده چگونه خواهد بود اگر انسان بتواند با دخالت مغز، از طریق چشم و پیوند سلول‌های عصبی، از طریق دستکاری‌های ژنتیک و از طریق جلوگیری از پروتئین‌هایی که کار مغز را مختل می‌کنند، مغز انسان را کارآمدتر سازد و بتواند با روش‌های درمانی و ترمیمی عصب‌شناختی، کاستی‌های مغز را جبران کند، بتواند با روش‌های شناختی یا نرم‌افزاری استفاده بهینه از مغز را تضمین نماید و بالأخره بتواند با استفاده از سامانه‌های مصنوعی کارکردهای مغز را تقویت کند؟ در عین حال، فراموش نکنید که مغز انسان دائماً در حال خلق جدید است و مسیر تکامل را می‌پیماید و از این طریق، خود را با شرایط محیطی تطبیق می‌دهد تا بقای خود را تضمین نماید. برای مثال، امروزه ژنی در مغز خود داریم به نام *aspn* که 6000 سال پیش وجود نداشت و در طول تکامل انسان به وجود آمده است و ژنی است که مسئول اندازه مغز انسان است. دور لاهن از دانشمندان دانشکده شیکاگو، معتقد است که مغز انسان دائماً در حال تکامل است و نمی‌توان گفت، در آینده چه شکلی خواهد داشت.

و اما در ضرورت آشنایی دانشجویان و دانش‌پژوهان ما با این منابع جدید، متأسفانه باید گفت، مراکز علمی ما از جهت دسترسی به منابع جدید، با محدودیت شدیدی روبه‌رو است و دانشجویان به دلیل عدم تسلط به زبان، نمی‌توانند حتی از منابع موجود یا اینترنت به طور کامل استفاده کنند. در مورد اینترنت، سواد اطلاعاتی دانشجویان نیز برای جست‌وجو در این منابع، محدود است. از سوی دیگر، ترغیب دانشجویان به سوی منابع خارجی و استفاده از زبان اصلی، این خطر را در بر دارد که زبان فارسی توسعه لازم را پیدا نکند و روبه‌روز اتکای ما به زبان‌های خارجی افزایش یابد. منابع موجود به زبان فارسی یا قدیمی و دور از واقعیات علمی امروز در حوزه روان‌شناسی است و یا ترجمه‌ها ثقیل و غیرقابل درک است. آنچه در این وضعیت، حیاتی است سازماندهی نهضتی اساسی برای ترجمه کتابخانه روز است. کتاب‌هایی که بتواند دانشجویان را با آخرین دستاوردهای علمی در زمینه روان‌شناسی آشنا کند.

اساساً در دنیای امروز، با توجه به توسعه فناوری و کاربرد آن در تحقیقات روان‌شناسی، شاهد تحولات عظیمی در این حوزه هستیم. روان‌شناسان امروز با استفاده از فناوری‌های جدید، به‌خصوص تصویربرداری از مغز و ثبت کارکردهای آن از یک سو، و از سوی دیگر، پیشرفت رایانه‌ها و سامانه‌های شبیه‌سازی، ابزارهای مفید و مؤثری را در اختیار محققان قرار داده است. اینترنت هم به کمک شتافته است. از نظر موضوعی نیز تحقیقاتی که امروز در دانشگاه‌های معتبر جهان انجام می‌گیرد، بیشتر حول کارکردهای مغز است؛ با این امید که دستاوردهای بشر در زمینه شناخت مغز بتواند در بهره‌برداری از مغز، رشد و پرورش ذهن و معالجه اختلالات روانی و تولید الگوهای مصنوعی از روی مغز، مفید واقع شود. در زمینه آموزش روان‌شناسی نیز شاهد تحولات جالبی هستیم. برای مثال، اخیراً همراه کتاب‌های درسی روان‌شناسی، آزمایشگاه مجازی روان‌شناسی به نام کوپلن عرضه می‌شود. به طوری که دانشجویان می‌توانند از طریق اینترنت، وارد این آزمایشگاه شوند و آزمایش انجام دهند، داده‌های خودشان را جمع‌آوری کنند، منحنی رسم کنند و مانند یک آزمایشگاه واقعی با آن کار کنند. علاوه بر این، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی معروف جهان طرح درس، منابع سخنرانی و فیلم‌هایی را که ارائه می‌شود در سایت‌های خودشان می‌گذارند، که هم دانشجویان آن دانشگاه و هم دانشجویان دیگر می‌توانند از آن استفاده کنند.

زمینه‌های کاربردی روان‌شناسی شناختی نیز گسترش پیدا کرده است. به طوری که در آموزش

و پرورش و رسانه‌های گروهی، در حل معضلات اجتماعی، در سیاست، در بهداشت روانی خانواده‌ها و بسیاری موارد دیگر، شاهد بهره‌برداری از یافته‌های روان‌شناسی شناختی هستیم و کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش و دیدگاه روان‌شناسی شناختی در جهت به یادگیری و آموزش و پرورش با دیدگاه‌های متفاوت است؛ زیرا علوم شناختی با درک بهتر و عمیق‌تر از کارکردهای مغزی، می‌تواند به ما در طراحی روش‌های آموزشی مؤثر و مناسب‌تر کمک کند. انتخاب زمان حساس برای آموزش و یادگیری، خود موضوعی است که بر اساس یافته‌های جدید علوم شناختی نیز نیاز به بازنگری دارد. شیوه‌های آموزشی نیز در زبان‌شناسی جدید تغییر یافته است. آموزش و پرورش جدید، کودک محور است، نه معلم محور و تلاش مدارس باید صرفاً تشخیص استعداد و زمینه‌های هوشی کودکان و تسهیل رشد کودکان باشد. در آموزش و پرورش جدید، سرمایه‌گذاری‌ها باید بر روی یادگیری باشد و نه تدریس، و در این مورد باید از علوم شناختی و فناوری اطلاعات و ارتباطات کمک گرفته شود، به طوری که هر دانش‌آموز بتواند بر اساس استعداد و سرعت یادگیری خویش مسیر رشد خود را بی‌یابد. نگرش‌ها نیز در آموزش و پرورش تغییر پیدا کرده است. به طوری که اگر در گذشته، هدف آموزش و پرورش به ترتیب، دانش، مهارت و نگرش بود اینک هدف‌های آموزش و پرورش به ترتیب نگرش، مهارت و دانش است. آنچه در آموزش و پرورش بیش از همه اولویت دارد، تغییر نگرش است و یادگیری روش یادگیری و نه دانش، چیزی که در کشور ما درست معکوس است. تمام تلاش ما در نظام آموزش و پرورش انتقال دانش است، آن هم به صورتی که فرآر است و بلافاصله بی‌خاصیت می‌گردد. یکی از ضرورت‌های مهم در این زمینه، تأکید بر رشد هیجانی است. در آموزش و پرورش جدید که کفایت هیجانات کودک و تأثیر آن بر روش شناختی او کسب ارزش هیجانی، یعنی ارزیابی ارزش‌ها بیفزاید. به طور خلاصه، هدف آموزش و پرورش تربیت یادگیرندگانی است که در یادگیری مهارت داشته باشند، نه یادگیرندگانی که در یادگیری متکی بر دیگران باشند. یکی از نکات کلیدی در آموزش و پرورش جدید، آموزش کار گروهی است و این نکته افتراق آموزش و پرورش ما با چیزی است که امروزه در دنیا اجرا می‌گردد. در آموزش و پرورش جدید، کار گروهی را از بدو تولد آموزش می‌دهند؛ زیرا معتقدند مغز انسان در زمان‌های حساس یادگیری یا پنجره‌های فرصت، آمادگی فوق‌العاده‌ای برای یادگیری پاره‌ای از یادگیری‌ها مانند زبان، کار گروهی و

مهارت در یادگیری دارد. سیستم عصبی ما جوری است که در بدو تولد، ما از ساختارهای عصبی بسیار پیچیده‌ای برخوردار هستیم و توانمندی بسیاری از یادگیری‌ها را داریم که اگر تجربه کنیم آن سیستم باقی می‌ماند. در غیر این صورت، این سیستم از بین می‌رود، شبکه‌ها و مدارهای عصبی به طور فطری در ذهن از بین خواهد رفت. بر اساس یافته‌های علوم شناختی، مغز کودک در زمان‌های حساس یا پنجره‌های فرصت، در انتظار تجربه برای یادگیری است. در حالی که مغز بزرگسال برای یادگیری متکی بر تجربه است. در زمان‌های حساس، سازوکارهای فطری مغز به شکل پیوندگاه‌های عصبی موجود در مغز، با کمترین تجربه، موجبات یادگیری را فراهم می‌سازد؛ در حالی که در بزرگسالی، که پیوندگاه‌های عصبی در اثر عدم استفاده به موقع از بین رفتند، دیگر یادگیری قبل متکی به تجربه است و نیازمند صرف انرژی قابل ملاحظه‌ای است.

و اما برنامه‌ریزی برای مدارس آینده، یافته‌های علوم شناختی چنان در جوامع امروزی امید ایجاد کرده است که کشورهای اروپایی به مطالعه نحوه استفاده از یافته‌های مزبور در آموزش و پرورش پرداخته‌اند. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (oecd) در سال 1999م، پروژه مطالعاتی را آغاز کرد که علوم یادگیری و تحقیقات مغز نام داشت. این سازمان طی نشست‌هایی در امریکا، کانادا و ژاپن در سال‌های بعد، با همفکری جمعی از دانشمندان برجسته سایر کشورها، به بررسی این موضوع پرداخت و سرانجام در سال 2002، گزارشی تحت عنوان «شناخت مغز به سوی علم جدید یادگیری» را منتشر ساخت.

همچنین کشورهای اروپایی در صدد بر آمدند تا نظام آموزشی خود را بر اساس یافته‌های جدید علمی بازسازی کنند و گزینه‌های مختلفی را به‌عنوان گزینه‌های جایگزین مطرح سازند که موجب دگرگونی بنیانی نظام آموزش و پرورش خواهد گردید. یکی از این گزینه‌ها تکیه بشر به آموزش انفرادی به جای آموزش جمعی است. بدین منظور، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (oecd) از سال 1997، پروژه‌ای را در دست مطالعه دارد که در آینده، مدارس را طی 15 تا 25 سال بعد پیش‌بینی کند. آنها شش گزینه را بررسی کردند که در تحلیل سیاست آموزشی، تحت عنوان «مدارس ما چه آینده‌ای خواهند داشت؟» منتشر شده است. در سال 2003، مجمع (oecd) تحت عنوان «مدرسه‌داری برای فردا»، به بررسی این شش گزینه پرداخته است. بی‌تردید در جمهوری اسلامی ایران نیز، با توجه به دستاوردهای جدید روان‌شناسی، بازنگری جدی در

تأثیر علوم روانشناختی بر روان‌شناسی معاصر 99

نظام آموزش و پرورش ضروری است. ما نمی‌توانیم نسبت به تحولات بین‌المللی در زمینه آموزش و پرورش بی‌اعتنا باشیم. جهانی شدن یک واقعیت است و بدون تردید، دیر یا زود ما را نیز در بر خواهد گرفت. پس چه بهتر که برای دریافت امواج آنها، آمادگی لازم را در خود ایجاد کرده باشیم. لازمه مقابله با امواج جهانی شدن، طراحی نظام جدید آموزشی با توجه به یافته‌های جدید علمی و مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه خودمان است. این سدی است که می‌تواند در برابر سیل جهانی شدن مقاومت کند.

روان‌شناسی و رسانه در ایران

دکتر رضا پورحسین

موضوعی که بنده به‌اختصار در مورد آن صحبت می‌کنم، بحث رسانه و گستره روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی و رسانه در ایران است. ابتدا تکلیف خودمان را با مسئله رسانه به‌عنوان یک مدیوم مشخص می‌کنیم و بعد ببینیم که رسانه برای روان‌شناسی و روان‌شناسی در رسانه چه باید بکند، چه کرده و چشم‌انداز چه چیزی است. گاهی شما چیزی را می‌سازید و از آن چیزی که ساختید می‌ترسید و از چیزی که می‌سازید پشیمان می‌شوید. رسانه یک کارکردی دارد که منشعب از ذاتش است و آن، تغییر مدام است. تغییر مدام در کارکرد ذاتی رسانه موجب می‌شود که رسانه هرروز خودش را نو کند و حتی این نو شدن و تغییر شتاب‌آور در ذات الکترونیکی آن وجود دارد. یعنی شکل دیجیتالی و فناوری الکترونیکی آن به گونه‌ای است که شما باید همیشه نقاطی را کنار هم بچینید و نوبه‌نو تصویر را تازه کنید و جلو بروید. این ذات موجب می‌شود که خود رسانه آرامش نداشته باشد و آرامش را از مخاطب خودش بگیرد. پس رسانه با آرامش سنخیت ندارد. به‌خصوص با توجه به صحبت حکیمانه جناب آقای دکتر غباری، فرهنگ شرقی که بنابر آرامش، استقرار، سکون و یک نوع آرامش عرفانی و شرقی است، با رسانه‌ای که فعلاً در دنیا موجود است و با جعبه رادیو و تلویزیون و از این قبیل تعریف می‌شود، مغایرت دارد. به عبارت دیگر، ما از یک جعبه استفاده می‌کنیم برای ایجاد یک رفتار و نگرش جدید و از آن طرف هم، کوشش می‌کنیم برای همین جعبه، برای سامان دادن رفتارها. یعنی هم آن رفتار را خراب می‌کنیم و هم سامان

می‌دهیم. به عبارتی، سر خودمان را گرم می‌کنیم که بالأخره اشتغالی داشته باشیم. این ذات رسانه است، اما آیا واقعاً همین است؟ قطعاً این نیست. استفاده از فناوری و تکنولوژی در هستی و استفاده از مصنوعات بشری قاعدتاً باید به سمتی برود که بتواند در دل خودش سکون و آرامش را هم داشته باشد. اینکه امروز و ارتباطات امروز به اینجا نرسیده است، به این دلیل است که فناوری امروزی پای خود را جایی گذاشته که اینجا متعلق به شرق نیست. به همین دلیل، من با یک نگاه اعتراضی به اصل رسانه بحث را آغاز می‌کنم، تا برسیم به رسانه داخلی. قاعدتاً توقعی که از یک رسانه با این ذات و کارکرد دارند، نباید یک انتظار و توقع سازش‌دهنده و شکل‌دهنده رفتار به طرز کاملاً مطلوب باشد و متأسفانه در ایران، یک نگاهی وجود دارد که هر آسیبی را برمی‌شمارند و درباره آن صحبت می‌کنند به یاد رسانه می‌افتند.

شما اگر به دانشکده‌ها هم بروید همه نگاه‌ها برای حل مسئله سراغ یک نفر می‌رود. یعنی چیزی به عنوان تلقی جمعی و مسئولیت‌پذیری کمتر دیده می‌شود. در مورد دلیل این موضوع باید بررسی کرد. کاری که رسانه انجام می‌دهد در دو جهت فرهنگ‌سازی و به عبارتی، تغییر نگرش و رفتار است. در بعد پرداختن به مسائل روان‌شناسی، یک تغییر جهت در رسانه ملی صدا و سیما اتفاق افتاد و آن این است که تقریباً در دهه 70 شمسی، رسانه ملی عمدتاً بحث‌های روان‌شناسی و تربیتی درگستره مسائل نابهنجار بود، یعنی مسائلی که شما از رادیو و تلویزیون، به خصوص رادیو می‌شنیدید، عمدتاً بحث‌هایی درحیطه افسردگی، اضطراب و حل مسائل کاملاً فردی در حوزه نابهنجار است. از دهه 70 به این طرف، به دلیل استقرار روان‌شناسان بیشتر و ایجاد دغدغه در رسانه، این حوزه هم گسترش پیدا کرد تا به جایی که امروز یکی از محورهای اساسی در رسانه ملی، بحث رفتارسازی در زمینه سبک زندگی و بحث رفتار معیار یا رفتار بومی و کمک به بهداشت روانی است. این را هم بگویم، برای این کار، شوراهای زیادی در رسانه تشکیل شده است. در حال حاضر، به شکل سامان‌یافته، شورای تعلیم و تربیت، شورای سیاست‌گذاری سلامت موجود است و دغدغه‌های این‌چنینی را دارد و سیاست‌گذاری‌ها را سامان می‌دهد و به اجرا هم می‌رساند. البته ممکن است به دلیل عدم نظارت، خیلی اقبال نداشته باشد ولی مسیر، چنین مسیری است. در این خصوص به نظر من، رسانه ملی از حرکت از مسائل نابهنجار، حوزه هنجار به نابهنجار توفیقاتی داشته که این توفیق از دانشگاه بیشتر بوده است. قبلاً شروع مسائل روان‌شناختی و طرح مسائل تربیتی در یک رسانه، ابتدا این‌گونه مسائل را می‌طلبید که صرفاً به

مسائل نابهنجار بپردازد و شاید یکی از تنها جاهایی بوده است که دسترسی به آن وجود دارد. این امر برگرفته از فرهنگ موجود درباره روان‌شناسی در ایران است و فکر می‌کنم، مقصر اصلی در این زمینه خود روان‌شناسان هستند که روان‌شناسی را ابتدا به شکل حوزه نابهنجار تعریف کردند، روان‌شناسی یعنی کلینیک؛ در حالی که روان‌شناس هر جا که انسان وجود دارد باید باشد. انصافاً رسانه توانسته نگاه اجتماعی به روان‌شناس و روان‌شناسی را تصحیح کند و این موضوع ابتدا مدیون، روان‌شناسان و بعد رسانه است.

جهت دوم این است که وقتی گسترش از حوزه نابهنجار به حوزه هنجار آمد و در حال حاضر، درباره بحث موفقیت، آموزش و پرورش، روان‌شناسی در خانه، روان‌شناسی ازدواج و از این قبیل داریم در رسانه صحبت می‌کنیم. مرحله بعدی، بردن این مباحث در قالب‌های دیگر به جز قالب‌های گفت و شنود و میزگرد است. اگر دقت کرده باشید، بعضی از کارهای نمایشی تک‌قسمتی و یا چند قسمتی وجود دارد، مجموعه‌هایی که حتی به شکل تله فیلم و سینمایی وجود و سعی دارد بعضی از مفاهیم روان‌شناختی را توسعه دهد یا با استفاده از مفاهیم روان‌شناسی، بتواند به‌نوعی در سبک زندگی ما و ارتقای سطح بهداشتی و روانی جامعه کمک کند. ما اگر بخواهیم مفاهیم خودمان را به‌خصوص در بومی‌سازی، واقعاً به شکل وریدی در درون شخصیت افراد بگذاریم، بهترین قالب، قالب هنر است؛ یعنی شک نکنید ما اگر در قالب هنر وارد شویم، می‌توانیم حتی در حیطه درمانی هم موفق‌تر باشیم. به همین دلیل، گاهی یک حالت اعتراضی به شرایط موجود و روان‌شناسی موجود در ایران داریم؛ به عنوان مثال، روان‌شناسی موجود در ایران سهمش در گسترش روان‌شناسی به‌هنگار چه‌قدر است و ما چه‌قدر روان‌نمایشگری را می‌دانیم و ترویج می‌کنیم. چون می‌دانیم که روان‌نمایشگری یکی از بهترین و مؤثرترین روش درمانی در شرق و به‌خصوص در ایران است. با استفاده از بعضی رگه‌های درمانی شرق که به‌راحتی می‌تواند از طریق هنر منتقل شود، نقش دیگر رسانه در کنار این کارهایی که انجام داده، این است که انسان 1404 بسازد. ما یک دورنمایی داریم به نام 1404. دنیا با چشم‌انداز حرکت می‌کند، چشم‌انداز یعنی انگیزه. اگر بخواهیم انگیزه را در جامعه منتشر کنیم، یعنی باید چشم‌انداز و افق تعیین کنیم؛ سیاست‌های کلان کشور اعلام شده بر اساس سال 1404. ما بالطبع اگر می‌خواهیم انسان‌های 1404، انسان‌های یک قطب دنیا باشند؛ انسان‌هایی باید این امر را محقق کنند که الان به دنیا بیایند. حال، ما باید

در چه سیستمی حرکت کنیم تا ایران را به سمت 1404 پیش ببریم؟ آیا این سیستم موجود، بچه‌ها را به آن سمت می‌برد؟ به عبارتی رسانه باید یک ترازوی از انسان 1404 را تعریف کند و این ترازو را معرفی کند و در جهت فرهنگ‌سازی این ترازو کوشش کند. سهم روان‌شناسی امروز ایران در تعیین انسان 1404 و در تعیین ترازو جمهوری اسلامی چیست؟

در حالی که ما از انسان ترازو غرب تعریف می‌کنیم و مقاله‌هایی را روزبه‌روز منتشر می‌کنیم، سهم روان‌شناسی امروز با دادن راه‌کارها و روش‌هایی که می‌تواند در حوزه روان‌شناسی تبلیغات، روان‌شناسی سازمان، روان‌شناسی خانواده، مشورت داده و بدهد چیست؟ چه قدر ما می‌توانیم به‌عنوان یک متولی رسانه، از روان‌شناسی بهره‌برداری کنیم؟

تحقیقات میدانی و استفاده‌ها عمدتاً به سمت روان‌شناسی فردگرایانه است و اینها در مقالات هم به صورت فارسی چاپ می‌شود. اینها تولید علم است، اما تولید علم در یک‌جایی که ممکن است جذب نشود. و سهم روان‌شناسی امروز ایران در جنبش نرم‌افزاری و تولید علم بومی چه قدر است؟ اگر این سهم را مشخص کنیم، رسانه استفاده‌کننده از این روان‌شناسی است. به همین دلیل، رسانه دستش را به سوی روان‌شناسی بومی دراز می‌کند و چیزی به دست داده نمی‌شود. ما بیشتر در جهت افزایش تعداد داده‌ها و همبستگی‌ها حرکت می‌کنیم؛ ارتباط پیشرفت تحصیلی با اضطراب، ارتباط پیشرفت تحصیلی دبستان با اضطراب، پیشرفت تحصیلی فوق دبستان با اضطراب. این واقعاً تولید علم نیست، این افزایش داده‌های قبلی با داده‌های جدید است. سهم روان‌شناسی در نظریه‌پردازی بومی چه قدر است؟ در حالی که در نانو تکنولوژی، در شیمی، در فیزیک، در زیست‌شناسی به‌خصوص در قسمت‌های فنی مهندسی، این سهم تعریف شده و آنها توانسته‌اند در ارتقای کلان ملی حرکت کنند. به همین دلیل، رسانه یک مطالبه است. البته عامه مردم هم از رسانه مطالبه دارند که ما به هر طریق، باید از روان‌شناسی بومی و روان‌شناسی غیر بومی برای ارتقا استفاده کنیم. اگر رسانه توفیقی ندارد، جدای از اینکه ممکن است متبحر نباشد؛ اما اگر آن طرفش را هم نگاه کنیم، رسانه ما تابعی از دستگاه‌های موجود دیگر است و از دست‌پرورده‌های دانشگاه‌ها استفاده می‌کند و سیستم آموزشی همین کشور استفاده‌کننده است. به طور کلی، اهتمام فعلی رسانه این است که در جهت بومی شدن قدم بردارد.

ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی سازی روان‌شناسی در کشور جمهوری اسلامی ایران

دکتر باقر غباری بناب

بعد از رنسانس، در غرب اتفاقاتی افتاد که این اتفاقات لزوماً در کشور خودمان نبوده و لازم هم نبوده است. به دلیل اینکه ناخودآگاه جمعی که ما داریم با ناخودآگاه جمعی اروپا متفاوت است و به زور نمی‌شود آن را در همه‌جا سرایت داد. بعد از رنسانس در اروپا، دانشمندان در تقدس‌زدایی از طبیعت، کوشش فراوانی نمودند و دلایل مختلفی برای تقدس‌زدایی از طبیعت داشتند. شما اگر کتاب‌های آنها را مطالعه کنید، قدسی بودن طبیعت را می‌بینید که قدیمی‌ها قبل از رنسانس حتی در اروپا، طبیعت را مقدس می‌دانستند و یکی از دانشمندان ایران به نام دکتر سیدحسین نصر، در آثارش در مورد تقدس‌زدایی به طور مبسوط صحبت کرده‌اند و ضررهای این تقدس‌زدایی را با داشتن فوایدی که ذکر می‌کند بیان کرده است. یکی از پیامدهای تقدس‌زدایی این بوده است که طبیعت هم، به نظر دکتر سیدحسین نصر، علیه ما شوریده است و ما هم دیگر با طبیعت دوستانه رفتار نمی‌کنیم، به دلیل اینکه ما طبیعت را در جنبه‌های مختلف تخریب می‌کنیم. ولی چرا از طبیعت تقدس‌زدایی نمودند؟ به این دلیل بوده که می‌خواستند گزاره‌های علمی را ساده کنند و ساده‌تر بررسی کنند. مسئله بعدی این بوده است که یونگ، شاگرد فروید، به طور مبسوط به آن اشاره کرده است. ایشان معتقد است که روان ناخودآگاه جمعی اروپا بعد از رنسانس، به سویی می‌رود که ماتریالیزم علمی را بر جهان سیطره بخشد، حتی در حیطه روان‌شناسی و علوم انسانی.

یونگ از استاد خود جدا می‌شود و به این دلیل است که در نامه‌های زیادی که فروید به یونگ می‌نویسد، به وی سفارش می‌کند که بایستی در راه ماتریالیزم علمی کوشید و حتی این را در روان‌شناسی هم به کار برد و از مطالعه انسان به صورت کاهش‌گرایانه و آن‌هم به صورت ماتریالیزم علمی حمایت کرد. یونگ در یکی از نامه‌هایش که به فروید می‌نویسد، از او گله می‌کند و می‌گوید: دانشمند کلیت و واقعیت را مطالعه می‌کند، نه به صورت بایست، چون او را به کاهش‌گرایی می‌کشد. تحصن در بافت آن جهش یا رنسانس و یا نهضت بوده و نموده‌های آن را شما می‌بینید که به سوی روان‌شناسی رفتارگرایی، روان‌شناسان را سوق داده است و آنهایی هم که به روان‌شناسی رفتارگرایی سوق داده نشده‌اند، قدسی‌زدایی را تعهد خود دانسته‌اند و به همین دلیل، در تمام مکاتبی که در حال حاضر در دست است، شما قدسی‌زدایی را می‌بینید. اخیراً در خود اروپا و امریکا، به این دلیل که متوجه شده چه قدر از قدسی‌زدایی لطمه دیده، خود را به طرفی کشانده است که درباره معنویت مطالعه می‌کند تا بتواند از تألم انسانی با معنویت و گرایش به معنویت، بکاهد و این توجه فواید خیلی زیادی دارد که ما فراموش کرده‌ایم.

توجه بعدی در کاهش‌گرایی این بوده است که در علوم بعد رنسانس، به علمی که از راه حواس به دست می‌آید توجه زیادی شده. در حقیقت، حواس اولین حرف را می‌زند و ابزارهایی که بتوانند با حواس انسان تولید شوند و به کار گرفته شوند. این نادیده گرفتن تنها منحصر به فرد جنبه قدسی و تنها محدود به طبیعت نشد. نصر در کتاب خود می‌گوید که قدیمی‌ها، چون زمین را مقدس می‌دانستند، با زمین معاملاتی نمی‌کردند که زمین را تخریب کنند و می‌دانستند که باید امکانات آن را داشته باشند و دوستانه رفتار کنند. ولی امروزه، به دلیل اینکه این تقدس‌زدایی اتفاق افتاده است، ما به تخریب طبیعت می‌پردازیم و فقط به صورت خودمدارانه از آن استفاده می‌کنیم. این قدسی‌زدایی در مورد انسان هم صورت گرفت، ولی وقتی در مورد انسان صورت گرفت، انسان واکنش‌های خیلی شدیدتری نسبت به این جنبه از خود نشان داد.

یونگ خیلی زود متوجه این قضیه شد و برگشت و راه خودش را طی کرد. یونگ در نوشته‌هایش اشاره می‌کند، زمانی که جنبه قدسی انسان مطالعه نمی‌شود، انسان نه تنها جنبه قدسی خودش را فراموش می‌کند، بلکه نمی‌داند که بسیاری از تنش‌ها بیشتر به این دلیل است که آن جنبه اساسی انسان محکوم واقع شده است. اگر ما می‌خواهیم سلامتی را به انسان برگردانیم، مخصوصاً بعد از 30 تا 35 سالگی، بایستی آن جنبه قدسی را انسجام ببخشیم به این

جنبه‌های دیگر انسان. یونگ توضیح این موضوع را در بسیاری از نوشته‌های خود می‌گوید و دلایل خودش را در کتاب‌های گوناگونی، مثل روان‌شناسی کیمیاگری یا روان‌شناسی مذهب، مطرح می‌کند.

مسئله بعدی این بوده که بعد از رنسانس، به جای شناخت و کنترل، طبیعت مطرح می‌شود. دیگر انسان مطالعه نمی‌شود تا اینکه شناخته شود که کیست و از کجا آمده است و به کجا می‌رود. انسان از این جهت مطالعه می‌شود و طبیعت هم همچنان، که چگونه می‌توان آنها را مهار کرد و به نفع آن فردی که می‌خواهد، مورد استفاده قرار داد. به همین جهت، بسیاری از مکاتب روان‌شناسی به یک نحوی، از آنها هم پیش‌بینی و هم توجه می‌کنند و بیشتر از آن، توجه به جنبه کنترل و اوج کنترل رفتار انسان در رفتارگرایی دیده می‌شود، و استسنت مأموریت خودش را در این مورد انجام می‌دهد که چگونه می‌تواند رفتارها را کنترل کند. ولی در مکاتب عرفای شرقی، کنترل مسئله مهمی نیست و ناخودآگاه جمعی شرق نشان می‌دهد که شرق با تولید مواد خودش در صور ازلی شعر و عرفان، در حدیث و قرآن و هنرش، همیشه خواسته خود و طبیعتش را به صورت اشراقی بشناسد که از کجا سرچشمه گرفته و به کجا می‌رود. اگر ما می‌خواهیم واقعاً بهینه‌شویم و از فرهنگمان، بایستی دوباره برگردیم، اساساً فرهنگ خودمان را بشناسیم و بر مبنای آن فرهنگ اصیل خودمان، مکاتب روان‌شناسی را استوار کنیم.

مسئله بعدی این است که درست است که به نظر خیلی از افراد، زمانی روان‌شناسی رشد کرد که از فلسفه جدا شد. ولی شما بسیاری از مکاتب روان‌شناسی را می‌بینید که ریشه‌های فلسفی دارند. در حقیقت، شما اگر مطالعه کنید، در آنجا به بعضی از این مطالب اشاره می‌کند که بسیاری از روان‌شناسان غربی، مثل یونگ و فروید و اریکسون، از منابع فلسفی غرب بهره برده‌اند و توانسته‌اند بعد از فهم منابع فلسفی، خودشان گزاره‌هایی را به یک صورت نظام‌مند استخراج کنند و در روان‌شناسی به کار ببرند و به صورت علمی تجربه کنند. اگر روان‌شناسی ریشه فلسفی دارد، ما چرا از یک فلسفه بیگانه غربی استفاده کنیم. مگر ما غنای فرهنگی‌مان در فلسفه کمتر از غرب است. شما وقتی به فلسفه خودمان نگاه می‌کنید، از فخرالدین شیرازی گرفته تا شیخ سهروردی و در اوج عرفان، محیی‌الدین ابن عربی، خیلی زود پی‌می‌برید که غنای فرهنگی و فلسفی ما خیلی بالاتر از اینهاست و ما می‌توانیم با مطالعه دقیق منابع عرفانی و فلسفی و مذهبی خودمان، چارچوب‌های معنادار روان‌شناسی را بیرون بکشیم و بعدها گزاره‌های معنادار را از آنها

استخراج کنیم و تست کنیم.

موضوع بعدی این است که بسیاری از نظریه‌ها در دو مرحله، از فرهنگی که در آنجا رشد کرده‌اند و در آنجا روییده‌اند آب می‌خورد. یکی به صورت پیش‌بینی است. در صورت پیش‌بینی، شکل‌دهی نظریه از فلسفه، از عرفان، از فرهنگ، از اشراف و از منابع و محیط زندگی و وضعیت روانی دانشمندی که در آن بافت و فرهنگ زندگی کرده آب می‌خورد.

در مرحله دوم که مهمتر از مرحله اول است، دانشمند، به‌عنوان هر نظریه‌پرداز و در حیطه ما روان‌شناس، در مقام داوری نظریه، چارچوبی را که به صورت پیش‌بینی از متون، فرهنگ، فلسفه گرفته است به داوری می‌کشد. یعنی می‌گوید، این نظریه من به مشکلات درمانی و تحقیقی جواب می‌دهد ولی در مقام داوری هم، داده‌ها باز از فرهنگ خود آن دانشمند برمی‌خیزد. به‌عنوان مثال، فروید، یونگ، و... را ملاحظه کنید، بعد از اینکه چارچوب نظریه‌های خودشان را شکل دادند و اگر چارچوب نظریه اینها را مطالعه کنید، عرفان کابالا و فلسفه تاندارا در نظریه فروید و فلسفه شوپنهاور و کانت در مکتب یونگ بارز است. ولی بعداً کاری که اینها انجام دادند، داده‌هایی را از همان فرهنگ خودشان گرفتند و در فرهنگ خودشان این نظریه را به صیقل زدند و گفتند که تجربی است و به سؤالات جواب می‌دهد، پس این نظریه روان‌شناختی است و یک نظریه فلسفی و عرفانی نیست. ما نیاز داریم از نظریات خودمان و سؤالات خودمان، این چارچوب اولیه را تهیه کنیم و در مرحله دوم هم صیقلی که به این نظریه در مقام داوری می‌زنیم از افراد خودمان باشد، از دانش‌آموزان خودمان باشد.

موضوع بعدی، موضوع ابطال‌پذیری است. در مورد ابطال‌پذیری، پوپرخیلی حرف‌های زیادی دارد. ایشان می‌گوید: تأثیرپذیری که بسیاری از روان‌شناسان غربی برای مکتب خودشان آوردند کافی نیست و هر دانشمندی بایستی بگوید که گزاره‌های اساسی من در نظریه چه موقعی ابطال می‌پذیرد، یعنی چه موقعی من از ادعای خودم دست می‌کشم. چون روان‌شناسان غربی این مسئله را مطرح نکردند و ما هنوز در روان‌شناسی توانسته‌ایم ابطال‌پذیری آنها را به نمایش بگذاریم و احتمال دارد در آینده این نظریات ابطال شوند، از این نظر، ما بایستی حواسمان جمع باشد که خیلی از این نظریه‌ها را صحیح ندانیم. به قول خود اینها، این نظریه‌ها در فرهنگ خودشان، ابزارهایی سودمند هستند که می‌توانند در حل مسائل خودشان در درمان و تحقیق و در کنترل مفید باشند و چه بسا که در فرهنگ خودمان این نوع کارایی را هم نداشته باشند.

با توجه به این مسائلی که اشاره کردیم در مورد این سیستم‌های تئوریک، که این نوع مشکلات را دارند و به همین دلیل، ما مقداری سوق داده می‌شویم به اینکه خود ما چه کاری باید انجام دهیم. ما خودمان در فرهنگ خودمان، علاوه بر مطالبی که به صورت تئوریک مطرح می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از این نظریه‌ها در حل بسیاری از مشکلات کارایی لازم را ندارند. به‌عنوان مثال، مراجعانی به ما رجوع می‌کنند برای درمان، در دفاتر مختلف مشاوره و آنها در بسیاری از مواقع، از مسائل و مشکلات معنویت و مسائل مذهبی صحبت می‌کنند. جواب‌های زیادی نداریم که از این نکات در بیاوریم و به همین جهت، اخیراً خود غربی‌ها هم به این فکر افتاده‌اند که یک تجدیدنظری در نظریه‌های خودشان بدهند که بتوانند به سؤال‌های دیگر که در فرهنگ خودشان وجود ندارد پاسخ دهند. به‌عنوان مثال، شاگردان اریس از شناخت معنوی صحبت می‌کنند، نه از شناخت رفتاری و در حقیقت، با توجه به فرهنگ فرد و معنویت فرد، از مذهب هم استفاده می‌کنند. ولی اگر دیدند تحریف‌های شناختی در مذهبشان وجود دارد، در آن صورت، از قرآن آیه می‌آورند برای مسلمانان و یا از تورات و انجیل برای مسیحیان و یهودیان و می‌گویند، اشکال اینجاست که شما این آیه را خوب متوجه نمی‌شوید. حال ما چگونه این کارها را انجام دهیم؟ در واقع، یکی شناخت ناخودآگاه جمعی خودمان است. شایگان کتابی دارد با عنوان *خاطره ازلی*، در آنجا خیلی رسا و روشن اشاره می‌کند که روان ناخودآگاه جمعی افراد یکسان نیست، ولی تجلیات ناخودآگاه جمعی را چگونه می‌توان در هر فرهنگی پیدا کرد و سراغ گرفت. یکی از راه تجلیات در مذهب و عرفان و معنویت است. خود شایگان و افراد دیگر مثل یونگ معتقدند که در داستان‌های مختلف، از جمله در داستان‌های قرآنی، فرهنگ شرقی این تجلیات نهفته است. ناخودآگاه برای خودشان را در اسطوره‌های جمعی ملی نشان می‌دهد و شما می‌بینید که ناخودآگاه جمعی آلمان در فاوست خودش را نشان می‌دهد و ناخودآگاه جمعی در اروپا، در پرومته خودش را نشان می‌دهد. تجلی ناخودآگاه جمعی در هنر ایرانی، در صور خیالی در شعر و ضرب‌المثل هم خودش را نشان داده و باید به صورت عمیقی مطالب را شناخت و از آنها استفاده کرد. در عرفان اسلامی، بسیاری از روان‌شناسان که شاگردان یونگ هستند، اشاره می‌کنند که در عرفان اسلامی، تجلی روان ناخودآگاه جمعی خیلی زیباتر در شرق خودش را به نمایش گذاشته است.

آشنایی با فلسفه اصیل و بارور ایرانی، فلسفه اشراق سهروردی و نظام‌بندی‌های عرفانی محیی‌الدین، به ما کمک می‌کند که ما خودمان این چارچوب‌های روانی را به اسم نظریه‌های

روان‌شناختی درک کنیم و نظام‌بندی کنیم. حکمت متعالیه به اعتقاد افراد خبره‌ای از جمله سیدحسین نصر، واقعاً یک فلسفه متعالی است. از مسئله فلسفه در حقیقت به معنای استدلال عقلانی به مسئله اشرف و الهام حیاتی یاد می‌کنند. شیخ ملاصدرا به بسیاری از الهام‌های خودش در حال مدیتیشن مطالعه در قم و کهریزک رسیده است. در حقیقت، با استدلال‌های منفی درمی‌آمیزد و عجبین می‌شود. همچنین به اعتقاد سیدحسین نصر، حکمتی به جهان عرضه شده که متعالی است، متعالی از دانش، متعالی از ناخودآگاه و جنبه‌ای از اشرف و الهام را در خود عجبین کرده است.

با این حال، ما چگونه می‌توانیم منابع غنی را نادیده بگیریم و به دنبال نظریه‌هایی که از فلسفه‌های غربی آبخور دارد باشیم. انجام تحقیقات کیفی برای رسیدن به نظریات کارا بسیار مهم است. یکی از مسائل مهمی که فکر می‌کنم فراموش شده و روان‌شناسان قبلی مثل پیاز، فروید، یونگ و بسیاری از افراد دیگر دنبالش بودند، این است که آنها تحقیقات کیفی انجام دادند. در تحقیقات کیفی، آنها نه تنها سازه‌های خودشان را به صورت فرایندی می‌دیدند و نه قطعه قطعه، رابطه هر سازه را با سازه دیگر به صورت شبکه‌تئوریک ملاحظه می‌کردند. در صورتی که وقتی از تست‌های ما استفاده می‌کنید تا یک فرضی را تست کنید، این کلیت را از دست می‌دهید، و سازه را به صورت فرایندی می‌بینید که رشد می‌کند و به صورت پیوسته، نمونه هر سازه را به صورت شبکه‌ای و بافته، بافته با سازه‌های دیگر ملاحظه می‌کنید. بنابراین، از تئوری‌سازی و فهم تئوریک مسئله دور می‌مانیم. انجام تحقیقات کمی، فقط در صورتی لازم است که بعد از تهیه این چارچوب نظری، ما فرضیه‌های کاری را از آن بیرون بکشیم و آنها را به صورت کمی تست کنیم و ببینیم آن نظریه‌هایی که، یک بال آن بال پیشینه فلسفی و ادبی و عرفانی و اشراقی است و بال دیگر آن کیفی است، که به صورت استقرایی کمک می‌کند تا ما آن نظریه‌ها را صیقل بزنیم. حالا این تئوری‌ها اجازه می‌دهند که فرضیه‌هایی را استخراج کنیم و به صورت کمی تست کنیم یا نه؟

قبل از اینکه به آخر بحث برسیم، ابعاد گسترده ساخت و ساز نظریه‌های بومی در روان‌شناسی را با شما در میان می‌گذارم. بسیاری از این نظریه‌ها همان طوری که از اول بحث تقریباً روشن می‌شود، و دو مرحله اساسی دارند؛ یک مرحله گردآوری و اکتشاف نظریه است و یک مرحله داوری در مورد نظریه‌هاست. در مقام داوری از نظریه‌ها بایستی کوشش زیادی نشان دهیم و ببینیم که انسجام درونی نظریه وجود دارد یا نه؟

انطباق مبانی اصول با روش‌ها، آیا این نظریه‌هایی که ما ساخته‌ایم در بافت فرهنگ خودمان، با نظریه‌ها و تئوری‌های دیگر علوم انسانی هماهنگی دارد و با علوم دیگر باروری درمانی دارد. این نظریه‌ها و فرضیه‌های کاری را از آنها استخراج کنیم و تست کنیم؟

آیا تأییدپذیری می‌شوند با داده‌های تجربی، آزمایشی در فرهنگ خودمان؟ آیا ابطال‌پذیر هستند یا نه؟ بعضی از گزاره‌ها شاید ابطال‌پذیر نشوند و آن عیب این نظریه‌هاست. ما بایستی نظریه‌هایی را تأمین کنیم که در یک زمانی به ما بگویند که چه اتفاقی افتاده که این نظریه شکست خورده و ما دست از حمایت این نظریه به‌عنوان یک فرد حامی برمی‌داریم.

تاریخی بودن این نظریه‌ها باز موضوع دیگری است. نظریه‌ها را باید فرصت بدهیم تا در جریان تاریخ، خود را نشان بدهند. پیامدهای بومی‌سازی هم یک موضوع دیگری است که به‌اختصار خدمتان عرض می‌کنم. بومی‌سازی یک پروژه سنگین و دشوار و درازمدت خواهد بود، ولی دنبال خودش بهره‌ها و برکات فراوانی خواهد داشت و یکی از برکات آن، بهره‌برداری درمانی خواهد بود. زمانی که ما در فرهنگ خودمان این نظریه‌ها را ساختیم و در فرهنگ خودمان، عدم تعارض بین باورهای فرهنگی و معلومات آکادمیک پیش خواهد آمد. در حقیقت، ما در دانشگاه چیزی را تدریس نخواهیم کرد که متعارض با باورهای اجتماعی باشد. زمانی که ما تئوری‌ها را از دیگران قرض بگیریم، احتمال اینکه در محیط‌های دانشگاه، در محیط‌های آکادمیک و علمی، مسائلی را درس بدهیم که با باورهای اصیل مردمان تعارض داشته باشد وجود دارد؛ یعنی تولید فرضیه‌های هماهنگ با نیازها و با فرهنگ مردم ضروری است. مسئله بعدی، توسعه علم بومی خواهد بود. تولید فرضیه‌های متناسب با ویژگی‌های افراد و به‌کارگیری امکانات فرهنگی در جهت آزمون فرضیه موجب خواهد شد که ما در آن فرهنگ بتوانیم مشکلات اساسی را حل کنیم و از تئوری‌هایی که خودمان در فرهنگ خودمان ساخته‌ایم، می‌توانیم ابزار و تست را فراهم کنیم. برانگیختن علایق دانشجویان در رشته‌های موردنظر، یکی از برکات دیگر خواهد بود. و در مورد کاربرد یافته‌های تحقیقاتی در تصمیم‌گیری، اگر یکی از گله‌ها این است که می‌گوییم چرا از تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها استفاده نمی‌شود، حتماً یکی از علل آن این است که این تحقیقات با بافت فرهنگی و تئوریک به هم تنیده نشده‌اند، تافته جدا بافته از فرهنگ ما هستند و نمی‌توانند جای خودشان را در فرهنگ ما باز کنند و مثل عضوی بیگانه می‌شوند که ما به بدن بیگانه وصل می‌کنیم و بدن به جای اینکه بپذیرد، طردش می‌کند.

111 ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی سازی روان‌شناسی ...

رسالت سازمان نظام روان‌شناسی و رسالت جامعه روان‌شناسی ایران در خصوص توسعه و بررسی متون تخصصی دروس روان‌شناسی

دکتر ناصر صبحی قرا ملکی

همان‌طور که در صحبت‌های دکتر افروز و سایر همکاران ملاحظه فرمودید، نظام روان‌شناسی و کلاً سازمان مربوط به نظام روان‌شناسی، رسالت‌های مختلفی دارد. یکی از رسالت‌ها، توسعه و بررسی متون تخصصی دروس است. در زمینه دروس، شاید در حال حاضر به مباحث آکادمیک پرداخته شود، اما زمانی که به محتوای کتاب‌های درسی نگاه می‌کنیم و می‌خواهیم بومی‌سازی کنیم، خود اینها برگرفته از بعضی مطالب، از جمله بعضی از پژوهش‌های بومی است که تمامی استادان هم بر این نکته تأکید داشتند. در این خصوص، شاید کمتر همکاری را سراغ داشته باشیم که وقتی صحبت می‌شود، اشاره کند که تجربه مشکل یا حداقل گالیه و رنجیده‌خاطری از نحوه فرایند مربوط به اخذ مقالات و چاپ آنها را در مجلات مختلف نداشته باشد. ما بیشتر به جای بحث روان‌شناسی سلامت روانی، خواسته یا ناخواسته، بحث روان‌شناسی مرضی یا آسیب‌شناسی را تحقق بخشیده‌ایم، که متأسفانه در محافل علمی، در رفتار خود ما به‌عنوان معلم هم دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، وقتی در محافل علمی و دانشگاهی می‌بینیم به صورت خصوصی، کتاب استاد خاصی را زیر سؤال می‌برند، بدون اینکه نقد علمی صورت گرفته باشد، پژوهش‌های علمی همکاران زیر سؤال می‌رود. در خصوص مجلات صحبت می‌شود که گرایش‌ها و سوگیری‌های خاصی وجود دارد. معمولاً شورای علمی و هیئت تحریریه سعی می‌کنند مقالات خودشان یا افراد وابسته به خودشان را چاپ کنند. وقتی این نوع برخورد می‌کنیم، از نظر اخلاقی و حتی از نظر روان‌شناسی، می‌توان یک نوع کاربرد مکانیسم دفاعی از نوع تحقیر کردن را دید که هیچ جایگاه

علمی ندارد. اما اگر همان کتاب یا مجله یا ... را به صورت علمی نقد کنیم و به صورت مکتوب در جایی ثبت کنیم که حتی کار خودمان هم در معرض نقد قرار بگیرد، این می‌شود یک کار علمی که متأسفانه در این مورد، اقدامات بسیار کمتری داشته‌ایم. یکی از مواردی که ادعاها و اتهامات به آنها وارد می‌شود در خصوص دو مجله اساسی مربوط به حوزه ما، پژوهش‌های روان‌شناختی و مجله روان‌شناسی، همان فصلنامه روان‌شناسی است.

همان‌طور که استحضار دارید، این نوع بررسی‌ها شمشیر دو لبه است، یعنی ممکن است که انسان با واکنش‌های متفاوت همکاران مواجه شود و بعضاً متوجه ضرر و زیان‌هایی شود.

وقتی درباره مجله روان‌شناسی و پژوهش‌های روان‌شناختی به صورت تحلیل محتوایی بررسی کنیم، ببینیم که مثلاً خود اعضای هیئت تحریریه در چند درصد از مقالات به صورت انفرادی یا اشتراکی، مشارکت داشتند و ببینیم که آیا این ادعاها درست است یا نه؟ به همین دلیل، پژوهش‌های روان‌شناختی را که مرور کردم، از دهه 70 که چاپ شده متأسفانه شانزده شماره بیشتر نبوده و در برخی از سال‌ها، ما شکاف‌های عظیمی داریم که فصل‌های متوالی چاپ نشده است. به همین دلیل، این بحث را کنار گذاشتیم و دقیقاً تمرکز کردم روی مجله روان‌شناسی انجمن ایرانی روان‌شناسی. در خصوص این مجله که از تابستان 76 تا تابستان 85 چاپ شده، به طور کلی، 38 جلد چاپ شده و در طول این مدت، 59 مقاله به این مجله ارسال شده است که شاید در مقایسه با سایر مجلات بی‌سابقه باشد. متوسط یا میانگین چاپ مقاله در هر سال، 25 جلد بوده و متوسط چاپ در هر دوره یا در هر مجله، حدود پنج مورد بوده. از اینها، 320 مقاله رد شده که فرایند بسیار سختی داشته، 64 مقاله در دست بررسی است و 206 مقاله چاپ شده. تحلیل نشان می‌دهد که تعداد 41 مقاله، 19/90 درصد، یعنی تقریباً 20 درصد مقالات را اعضای هیئت تحریریه نوشته‌اند و حدود 59 مقاله، 28/64 درصد با همکاری اعضای هیئت تحریریه و دیگران چاپ شده است، بقیه مقالات که حدود 106 مقاله باشند و در حدود 51/48 درصد است را سایر افراد از دانشگاه‌ها و سراسر کشور ارسال داشته‌اند. در مجموع می‌بینیم، درست است که اعضای هیئت تحریریه، با جمع اشتراک، در 100 مقاله یا شاید 49 درصد مقالات به صورت انفرادی و اشتراکی مشارکت داشته‌اند؛ اما وقتی ما تحلیل می‌کنیم و متوجه می‌شویم که انفرادی بهتر است تا اشتراکی، می‌بینیم که حضور انفرادی اعضای هیئت تحریریه فقط 20 درصد است.

صاحب امتیاز مجله در طول این ده سال، فقط 2 مقاله داشته است در حدود 0/97 درصد، مدیر اجرایی مجله 7 مقاله یعنی 3/40 درصد، شورای علمی که عبارت‌اند از 13 استاد تراز اول کشور در مجموع، 32 مقاله داشتند که 25/53 می‌شود. همکاری اعضای مجله با سایرین 59 مقاله یعنی 28/64 درصد بوده، بقیه هم 52 درصد بوده که سایرین انجام داده‌اند. حالا این بررسی را انجام دادیم که افراد دارای سمت فقط با سایرین چه قدر همکاری داشته‌اند. صاحب امتیاز 2 درصد، همکاری صاحب امتیاز با سایرین 8 درصد، همکاری صاحب امتیاز با شورای عالی 14 درصد؛ یعنی در 24 درصد مقالات چاپ شده صاحب امتیاز سهمیم بوده است، اما از بین اینها به صورت انفرادی، زیر یک درصد سهمیم بوده. این نشان می‌دهد با این که فعالیت داشته‌اند، اما فعالیت‌شان بیشتر در جهت گسترش همکاری بوده. مدیر اجرایی این مجله به تنهایی 7 درصد، همکاری با سایرین 3 درصد، مدیر اجرایی با شورای علمی هیچ‌گونه همکاری نداشته که خود این می‌تواند جای بحث داشته باشد. شورای علمی مجله که عبارت است از 13 استاد بود، در 32 درصد مقالات به صورت انفرادی شرکت داشته‌اند و در همکاری با سایرین 34 درصد بوده است.

این سه مورد شامل صاحب امتیاز، مدیر اجرایی، شورای علمی یک طرف و طرف دیگر، سایرین هستند. اتهامات و ادعاهایی که وجود دارد، مربوط به این سه قضیه است.

اعضای شورای علمی را که متشکل از 13 نفر بود، به صورت کدگذاری مشخص کرده‌ام؛ فرد H، 8 مقاله داشته و در بین آن 32 مقاله‌ای که به شورای علمی داده‌اند، 25 درصد مقالات فقط مختص این فرد بوده است. فرد F، 5 مقاله داشته و با 15 درصد، فرد I، با 4 مقاله و 12/5 درصد. اما می‌رسیم به افرادی مثل D و B که اصلاً هیچ مقاله‌ای به چاپ نرسانده‌اند، یعنی نگرش علمی یا مثبت این است که خود اعضای هیئت تحریریه، به صورت انفرادی مقالات کمی در مجله خودشان داشته‌اند که معمولاً وجهه خوبی ندارد ولی اکثریت خوشبختانه 1 یا 2 مقاله را به چاپ رسانده‌اند و فقط 2 یا 3 نفر از این افراد هستند که تعداد مقالاتشان بیشتر از این است و این هم جای بحث دارد که آیا این افراد واقعاً از نظر علمی توانایی بالایی دارند یا نه.

با این حساب، با توجه به آمار و ارقامی که داریم، از میان 59 مقاله چاپ‌شده با مشارکت هیئت تحریریه، آقای G با 16 مشارکت، 24/44 درصد و آقای A با 11 مشارکت، بالاترین

سهم را داشته‌اند. افراد D، E، M هرکدام با 3 درصد، کمترین سهم را داشته‌اند و وقتی نگاه می‌کنیم، از 41 مقاله مربوط به هیئت تحریریه، آقای H و مدیر اجرایی مجله هرکدام با 7 و 8 مقاله و تقریباً 20 و 17 درصد، بالاترین مشارکت را داشته‌اند؛ در صورتی که آقایان D و B کمترین مشارکت را داشته‌اند. آمار و ارقام را وقتی در کنار هم قرار می‌دهیم، می‌بینیم که با توجه به رسالت مجله، که رسالت آن توسعه دانش روان‌شناسی در ایران و فراهم کردن فرصت برای چاپ مقالات همکاران مخصوصاً دانشجویان دوره‌های ارشد و دکتری است و نهادینه کردن گزارش و ثبت پژوهش‌های علمی موفق بوده و در این زمینه باید از کارشان دفاع کرد؛ اما با موشکافی‌هایی که انجام می‌دهیم، می‌بینیم که برخی از اعضای هیئت تحریریه، از مسئولان تا شورای علمی، نسبت به دیگران یک مقدار برخورداری بیشتری داشته‌اند و اگر این مطلب انعکاس داده شود و، با توجه به بزرگواری و صداقتی که این بزرگواران دارند، گزارش شود، مطمئن هستیم که ان‌شاء الله مثمر ثمر خواهد بود.